

پیشگویی آمدن عمانوئیل

مقدمه

معنی پیشگویی آمدن عمانوئیل برای مسیحیان معنی آمدن عیسی در عید میلاد را تداعی می‌کند. اما آیا معنی آن در زمان اشعیای نبی نیز همین بوده است؟ قبل از این که باب ۷ کتاب اشعیا را در ارتباط با محیط تاریخی آن زمان درک کنیم. البته این متن مشهور برای هر شخصی که بر ایمان خود تعمق می‌کند نور خاصی می‌آورد و در واقع این متن در زمان سخت و در ناامیدی تاریخ اسرائیل نوشته شده است، زیرا شهر اورشلیم در خطر افتاده و پادشاه هراسان شده است. اشعیا او را به ایمان دعوت می‌کند. اما ایمان چیست؟ آن پادشاه به عنوان نشانه‌ای از سوی خدا به تولد یک طفل با نام عجیب اشاره می‌کند. اسم او عمانوئیل، یعنی «خدا با ما» خواهد بود. اما طفلی در بحبوحه جنگ آیا نشانه‌ای تمسخرآمیز نیست؟ چگونه چنین نشانه‌ای ایمان را منور ساخته عمیق‌تر می‌گرداند؟

اشعیا تنها نبی‌ای نیست که به کلیسا آمدن عیسی مسیح را به کلیسا اعلام می‌کند، بلکه صدای یک شخص یهودی که به جماعت مسیحیان یادآوری می‌کند که عهد قدیم می‌تواند به این سوالات بالا نیز جواب دهد.

اشعیای پیامبر در اینجا آمدن عمانوئیل (نجات دهنده) را اعلام می‌کند: اشعیا باب ۷. بدون اینکه به جا بودن و مناسب بودن چنین متنی را انکار کنیم، می‌توان گفت که روایت به گونه‌ای دیگر و عمیق‌تر و به صورت مکمل مطرح می‌شود. متن را بررسی می‌کنیم:





کتاب اشعیای نبی (باب ۷)

- ۱ و اما در روزگار آحاز، پسر یوتام، پسر عَزیّا، پادشاه یهودا، رصین، پادشاه ارام، و فِقَح، پسر رَمَلِیا، پادشاه اسرائیل، برای حمله به اورشلیم بر آن برآمدند، اما نتوانستند به آن حمله برند.
- ۲ پسر خاندان داود را با این کلمات آگاه ساختند: ارام در افرایم اردو می زند. آنگاه دل پادشاه و دل قومش به لرزه درآمد. همان گونه که درختان جنگل در مقابل باد به لرزه می آید.
- ۳ یهوه به اشعیا فرمود: برای ملاقات با آحاز بیرون شو، تو و پسرَت شَاریاشوب، به سوی انتهای قنات برکۀ بالایی، به سوی راه مزرعۀ گازر به استقبال آحاز بیرون شو
- ۴ به او خواهی گفت: مراقب باش و آرام بمان، مترس و دلت در برابر این دو تکه مشعل دود کننده سست نگردد، به سبب خشم برافروخته رصین و ارام و پسر رَمَلِیا
- ۵ زیرا ارام و افرایم و پسر رملیاهو بر ضد تو طرح بدی ریخته اند و گفته اند:
- ۶ بر علیه یهودا برآییم، او را بترسانیم و تحت سلطه درآوریم، و در آنجا پسر طَبْئیل را پادشاه سازیم.
- ۷ یهوه خداوند چنین تکلم می فرماید: این تحقق نخواهد یافت، این نخواهد شد!
- ۸ الف زیرا سر ارام، دمشق است، و سر دمشق، رصین؛
- ۹ الف سر افرایم، سامره است، و سر سامره، پسر رَمَلِیا
- ۸ ب حال، شصت و پنج سال دیگر، و افرایم له شده، دیگر ملت نخواهد بود.
- ۹ ب اگر باور نکنید، پایدار نخواهید ماند.
- ۱۰ بار دیگر یهوه با این کلمات با آحاز سخن گفت:
- ۱۱ «برای خود نشانه ای از یهوه خدایت بطلب، در ژرفاهای شئول یا در مکان های رفیع، در آن بالا.
- ۱۲ آحاز گفت: «نخواهم طلبید و یهوه را امتحان نخواهم کرد».
- ۱۳ (اشعیا) گفت: «پس ای خاندان داود، گوش کنید! آیا برای شما خسته کردن مردم کافی نبود که اینک خدای مرا نیز خسته می کنید؟
- ۱۴ به همین سبب خداوند خودش به شما نشانه ای خواهد داد. اینک زن جوان آبستن است و پسری خواهد زایید، و او را به نام عمانوئیل خواهد خواند.
- ۱۵ از شیر منعقد شده و عسل تغذیه خواهد نمود،
- در آن زمان که بداند آنچه را که بد است رد کند و آنچه را که نیک است برگزیند.
- ۱۶ زیرا پیش از آنکه آن کودک بداند که چگونه آنچه را که بد است رد کند و آنچه را که نیک است برگزیند، سرزمین این دو پادشاه که موجب ترس تو می شوند، متروک و گذارده خواهد شد.
- ۱۷ یهوه بر تو و بر ملتت و بر خانه پدرت روزهایی خواهد آورد که از روزی که افرایم از یهودا جدا شد، چنان روزهایی نیامده است، (یعنی) پادشاه آشور را».

ترس و ایمان

«در ایام آحاز بن یوتام بن عزیر پادشاه یهودا ... به خاندان داود خبر داده»، روایت به وسیلهٔ روش معمول توضیح دادن یک زمان در عهد عتیق ما را به یک دوران مشخص می برد: (زمان را طبق زمان پادشاهان مشخص می کند). اطلاعات مهم: تمام نبوت ها تاریخ گذاری شده و این در ابتدا به منظور یک تاریخ بی واسطه در یک محتوای مشخص شده می باشد. هنگامی اشعیا خطاب به اورشلیم صحبت می کند که آحاز بر یهودا حکمرانی می کند و فقح بن رملیا پادشاه اسرائیل است. اگر برای به دست آوردن یک تاریخ، متن را ترک کنیم می توانیم بگوییم که واقعه به تاریخ ۷۳۲-۷۳۳ ق.م. برمی گردد آیهٔ اول یک مقدمهٔ تاریخی را تشکیل می دهد که می توان آن را به دو قسمت تقسیم کرد: قسمت اول که محتوای سیاسی مژده را تشکیل می دهد (آیه ۲-۹) و قسمت دوم که نشانه را معرفی می کند (آیه ۱۰-۱۷).

دربارهٔ جنگ ...

آیه اول آهنگ متن را مشخص می کند: پادشاهان آرام و اسرائیل بر ضد اورشلیم برخاستند. این جنگ است. به طور منطقی باید همه چیز به نفع متحدین بر ضد اورشلیم باشد اما راوی داستان بی پرده بیان می کند: «آنها نتوانستند آن را فتح کنند». از این قسمت پیامبر مداخله می کند مداخلهٔ او بیان دو جملهٔ پی در پی است: برای دادن یک فرمان از طرف خدا و برای دادن یک نشانه. روایت به سرعت پیش روی می کند یکی از کلیدهای متن در عبارت «خاندان داود» جای دارد که می توان آن را در هر دو قسمت دید (آیه ۲ و ۱۳). مسئله در مورد دوام خاندان داود است. در کتاب های سموئیل نیز دوام روی وعده های داده شده خدا به داود متمرکز شده است (۲- سمو ۷). دلیل اینکه متحدین قصد دارند جانشین آحاز «پسر» (یعنی جانشین داود) شوند همین مسئله است. ترس بر آنها غلبه کرده است.

هم اکنون، در آیه ۳ خدا توسط پیامبرش عمل می کند برای آرام کردن و باز کردن آینده ای برای قومش او به پیامبرش فرمان می دهد: «بیرون شو»، مانند زمان خروج که او قومش را از اسارت رها کرد. شاریاشوب پدرش اشعیا را همراهی می کند و از آنجایی که معنی اسم او «(un-reste-reviendra)» باقی مانده ای برخواهد گشت» است، امید را اعلام می کند. در مقابل این خطر خدا خاطر نشان می کند که خاندان داود به پایان نمی رسد.

خدا در پیغامش به اشعیا که خطاب به پادشاه آحاز می باشد از فعل امر استفاده می کند: «برحذر و آرام باش، مترس، دلت ضعیف نشود!» این پیغام به منظور کاهش دادن ترس در برابر تهدید ویرانی است (آیه ۴ و ۵).

اساس فرمان به صورت رسمی بیان می شود: «خدا چنین می گوید» و سپس باوری درست طلبیده می شود که توسط اطلاعات اسرار آمیزی درباره دمشق و سامره داده می شود، «سرهای آرام و دمشق که شکسته می شود» آیا در مقابل نباید درک کرد که اورشلیم «سر» یهودا که خدا در آن ساکن است نمی تواند شکست بخورد؟ شاید، ولی یاری الهی بدون قید و شرط نیست: برای پیروز شدن آهاز باید ایمان داشته باشد. ایمان در مقابل ترس قرار می گیرد، ایمان یک سلاح است.

نشانه اینکه «خدا با ماست»

از آیه ۱۰، دومین قسمت پیغام ظاهر می شود. این بار، راوی، نامی از پیامبر نمی آورد تا پادشاه و خدا را در مقابل هم قرار دهد. خدا دادن نشانه ای را پیشنهاد می کند. نشانه ای بزرگ که از عمق ها یا از اعلی علین طلبیده شود (آیه ۱۰). ولی پادشاه نشانه ای را نمی طلبد. دلیل او منطقی است: «انسان نباید خدا را امتحان کند». تنها در اینجا است که خود خدا طلبیدن نشانه ای را پیشنهاد می کند. خدا به امتناع پادشاه توجهی نمی کند و خود نشانه ای را در نظر می گیرد: «این نشانه تولد پسری است، نشانه ای که از دید بشر، پیش پا افتاده است».

همراه با آیه ۱۴، ما متوجه مرکز و نکته اصلی پیشگویی می شویم. این آیه به «زن جوانی» اشاره می کند. او کیست؟ کلمه عبری «almahā» به مفهوم «باکره» نیست. مترجمان یونانی این نشانه را به صورت معجزه در نظر گرفته، کلمه «almahā» را توسط کلمه «parthenosā» (باکره) ترجمه می کنند. باید ذکر کرد که در متن عربی، این زن برای خداوند، پادشاه و پیامبر مزدی شناخته شده است (زن جوان). بی شک این زن ملکه است. اگر چنین است پسری که او به دنیا بیاورد وارث تاج و تخت بوده و همین پسر است که دوام خاندان داود را تضمین می کند. این نشانه خوبی است که خدا به یهودا و اورشلیم می دهد.

چه کسی جانشین آهاز شده است؟

خواننده های کتب پادشاهان (و کتاب اشعیا ۳۶-۳۹) می دانند که او حزقیا نام دارد. یا در اینجا به او نام عمانوئیل (خدا با ما) داده شده است. چگونه می توان این راز را درک کرد؟ آسان ترین راه این است که بگوییم این نام، نامی نمادین است (مانند جایی که در آیه ۳ یا باب ۸: ۱-۴، از پسران پیامبر به صورت نمادین نام برده شده). نامی که نگاه ها را به صورت عهدی که خدا با قومش بسته طلب می کند: «یهوه صباوت با ماست، خدای یعقوب قلعه بلند ما». مزمور ۷: ۴۶ نامی که روی دوام خاندان متمرکز است. آینده امکان پذیر است و نشانه انجام می شود آیه ۱۶، زمین دو پادشاه که یهودا را تهدید می کنند نابود می شود.

بدین ترتیب، هر دو جنبشی که در فرمان داده شده به اشعیا دیده می شود، روی مسئله ایمان خوانندگان تکیه دارد. به دنبال آن، با در نظر گرفتن هدف پادشاهی، متن ارزش جدیدی به خود می گیرد. آیا هم اکنون می توان گفت که از خاندان داود که از بین نمی رود نجات دهنده ای متولد

می شود؟ برخی عمانوئیل را نجات دهنده در نظر می گیرند. متن مبدأ تاریخی مهمی را برای برکت خدا می گشاید: «خدا ایامی خواهد آورد که از ایامی که افرایم از یهودا جدا شد تا حال نیامده باشد یعنی پادشاه آشور را» آیه ۱۷.

باب های ۶-۱۱ کتاب اشعیا مجموعه ای را تشکیل می دهد که «کتابچه عمانوئیل» نامیده می شود. باب ۶ مأموریت اشعیا را در یک آزمایش سخت و به جا ماندن یک منشاء را مطرح می کند «کنده مقدس».

کتابچه عمانوئیل

کلمه عبری که «کنده» را توضیح می دهد، به لوح پادشاهی اشاره دارد. در اینجا ما در قسمت قلب پیام کتاب اشعیا هستیم: خدا از پادشاه حمایت می کند، یعنی از «منجی»، و هم چنین از شهر مقدس و مکان سکونتش حمایت می کند. در طول تاریخ پر رنج قوم، حضور خدا، حضور پادشاهی است که «خدا با ما» نامیده می شود.

ساختار کتابچه

روایت رسالت پیامبر در باب ۶ این قسمت را به عنوان هسته اصلی مجموعه مشخص می کند. هنگامی که قوم دچار مصیبت شده است قوم و پادشاه در لحظه ای که شک کرده اند به ایمان فراخوانده می شوند: «اگر باور نکنید هر آینه ثابت نخواهید ماند» (اش ۹:۷). وقتی که آواز از درخواست یک نشانه امتناع می ورزد، نشانه مانند یک تحمیل محسوب می شود: خود ملکه فرزندی به دنیا خواهد آورد (طبق تفسیر عمومی این متن). بله، نام او عمانوئیل است (اش ۷:۱۴، ر. ک ۸:۸). اشعیا این حضور خدا را می سراید. باب ۱۱ این امیدواری به آینده را ابراز می کند آن هم در زمانی که قوم و پادشاه یک بار دیگر ایمان می آورند. در کلام، مانند شبگردی که در یک شب تاریک و خفته ظاهر می شود، در عمق تاریکی ایمان قوم ظاهر می شود.

تولد پادشاه آینده، «پسر» داده شده به قوم، تاریخ را از تاریکی به سمت روشنایی می برد. چیزهای قدیم به پایان می رسد (۲۳:۸). از زمان ظهورش، بدی ها پایان می گیرد «زیرا برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود»، باب ۹.

این پادشاه جدید، حزقیاء، همانی است که پیامبر گفته؟ اگر غیر این است به چه دلیل او اعلام می کند خدا دوباره در سرزمینی که خشک شده و ایمانی ندارد ناگهان ظاهر می شود و «نهالی» به وجود می آید؟ باب ۱۱ او کاملاً نقشه خدا را اجرا می کند: عدالت و راستی برای قوم و صلح و دوستی

برای همه شاید در ۱۳:۵۲-۱۲:۵۳ اجرای عجیب این وعده و نعمت داده شده از طرف خدا را بتوان درک کرد: «خادم رنج دیده» در اینجا در حقیقت مانند یک نهال تحقیر شده شرح داده شده.

محتوای تاریخی

معمولاً اتفاقات کتابچه عمانوئیل را به تاریخ ۷۳۵-۷۳۲ ق.م. تخمین می زنند. کشور دچار ترس شده است. دو پادشاه با هم متحد گردیده و می خواهند یهودا را تحت حکومت خود بگیرند و با آهاز پیمان ببندند. آهاز امتناع می کند ولی در برابر این پادشاهی که ایمانش کم شده است خدا دوباره می گوید که توسط وعده آمدن عمانوئیل، با قومش همراه است (باب ۷)، کسی که «روح خدا بر اوست» (باب ۹ و سپس ۱۱). اگر مجموعه این باب ها کمی تاریک و روشن است بدین دلیل است که این متون در طی مشکلات سال های سختی گردآوری شده اند.

خوراک عمانوئیل - کره و عسل - فوراً برای خواننده خصوصیات سرزمین وعده موعود را تداعی می کند. همان گونه که خدا آن را به موسی گفت. در کتاب مقدس، دستورالعمل های شناخته شده، تنوع عجیبی دارند.

شیر و عسل

در پایان قرن ۶ ق.م. در بازگشت از تبعید به بابل، روایات اصلی قوم اسرائیل به طور قطعی نوشته شدند. در حالی که قوم سرزمین خود را دوباره به دست می آورد، کتاب به او یادآوری می کند که این سکونت دوباره، اساساً همان «وعده» یعنی همان وعده داده شده از طرف خداست. وعده ای که قبلاً به موسی و تمام کسانی که از مصر رفته بودند داده شده: «سرزمینی که در آن شیر و عسل جاری خواهد بود» (خروج ۳:۸).

خوراک خدایان

اصطلاحی قدیمی است. آیین های بابل شیر و عسل را به عنوان خوراکی که به خدایان تقدیم می شود، ذکر می کند. در کنعان، علی رغم عمل بعل که مرگ را به دنبال دارد، طبیعت دوباره بارور می شود «آسمان دوباره می بارد و شیر و شهد جاری خواهد بود». شیر محصولی از گله می باشد و عسل از قلب صخره خواهد آمد، هر دو محصول طبیعت هستند. این خوراک شادی بخش، درونی و مادی است برای مردمی که در چادر زندگی می کنند و جای ثابتی ندارند.

اشعیا از برخی از این استعاره ها استفاده می کند تا بتواند بهتر مطلب را بیان کند: شیر و عسل هدایای خدا هستند برای خوشبختی انسان. از نظر اشعیا، خدا برای نخست زاده یک لطف مغذی

دارد. در سرزمین وعده داده شده مانند بهشت عدن، همان چیزهای نیکو و خوب جهت تغذیه و زندگی وجود دارد! ولی در همین جاست که شک و سوء ظن ایجاد می شود و ایمان و وفاداری نیز می تواند یافت شود.

خوراک انسان ها

در کتاب غزل غزل ها، کلام مانند رابطه ای عاشقانه مطرح می شود زن محبوب به وسیله مشخصات سرزمین اسرائیل توصیف می شود: «ای عروس من لب های تو عسل را می چکاند» (غزل غزل ها ۱۱:۴).

سرزمین یک زن است، و زن یک سرزمین است که همیشه محبوب است ولی به دست نمی آید. اشعیا، در نبوت خود در مورد نشانه های ایمان، خصوصیات سرزمین موعود را بیان می کند. البته در ارتباط با عمانوئیل، اصطلاحات جزیی انجام می شود: یک تأثیر متقابل مابین پادشاه و سرزمین وجود دارد. دومی اولی را تغذیه می کند ... اولی اجازه بارور شدن را از دومی می گیرد. از یک طرف، شیر «برانده شده» یا «عسل» (کلمه عبری که به سختی ترجمه می شود). و بعدها با بدی رها شده سهم می شود (اش ۷:۱۵ و ۲۲). از طرف دیگر این غذا به فرزند اجازه می دهد که رشد کرده و میان خوبی و بدی انتخاب کند و تنها خوبی را برگزیند. این می تواند تجدید خاطره بعدی باشد (با یک گاو جوان و دو گوسفند زنده از فراوانی شیری که می دهند کره خواهد خورد) (آیه ۲۱ و ۲۲). این قضاوت واضح چه در مورد پادشاه و چه منجی، از دید ایمانی، هدیه ای است از طرف خدا.

هیچ چیز برای خدا غیرممکن نیست این نکته ای است که می توانیم از اولین تا آخرین متن کتاب مقدس مشاهده کنیم و این اساس امیدواری در لحظات دشوار است. هم چنین، انسان ها باید به نوبه خود در پیروزی بر مشکلات سهم باشند.

عاموس ۵:

خدا را جستجو کنید

در قرن هشتم، مردی از پادشاهی یهودا، از سوی خدا به اسرائیل فرستاده می شود تا کلام او را به آنجا ببرد. در این سرزمین ریاکاری، مانند چهره واقعی مرگ است. قدرت های متجاوز آشوری به مرزها فشار آورده اند (عام ۵:۱-۱۷).

(۱) آیات ۱-۳ و ۱۶-۱۷ از مرگ با یک زبان تصویر شده صحبت می کنند، سعی کنیم این آیات را درک کرده و پی به مفهوم آن ببریم. چه چیزی یک مصیبت بزرگ را تلقین می کند؟

(۲) خدا چه اشتباهاتی را به قوم گوشزد می کند؟ نتایج آن چه خواهد بود؟ (آیات ۵-۷ و ۱۰-۱۲).

(۳) خدا در این پیغامش به عاموس چه می خواهد بگوید؟ چگونه باید آن را جستجو کرد؟
 (۴) تمامی امید از دست نرفته است. علی رغم همه چیز از کجا برکت خدا خواهد رسید؟
 (۵) «مرا بجوید و زیست کنید» چگونه در موقعیت عمومی قوم خدا و موقعیت خودمان این کلام را می شنویم؟ امیدواری ما روی چه چیزی استوار است؟

مکاشفه باب ۳:

يك در باز، پیش روی تو

در کتاب مکاشفه، یوحنا توسط روح مجذوب شده و به نام عیسی خداوند، پسرانسان را که بر مرگ پیروز است پیشگویی می کند. نامه به «فرشتهٔ کلیسا در فیلادلفیا»، ششمین نامه از مجموعهٔ هفت نامه است (مکا ۳: ۷-۱۳).

(۱) چگونه فردی را که با کلیسا صحبت می کند، معرفی می کند؟ با اشعیا باب ۲۲: ۲۲ مقایسه کنید. چه چیزی قدرت کلیدهای یک خانه را توضیح می دهد؟ در قصر یک پادشاه؟ در مسکن خداوند؟

(۲) در آیات ۸-۱۰ چه تضادهایی نمایان می شود؟ اثر خدا چیست؟ در زمان مصیبت و سختی چه انتظاری از کلیسا می رود؟

(۳) چگونه وعدهٔ داده شده به کلیسا را درک می کنیم؟ کلمات «تاج»، «ستون یادبود در معبد»، «اورشلیم نوین»، «نام جدید من» چه مفهومی دارند؟

(۴) سختی و مشکلی که برای کلیسای ما پیش می آید متفاوت از مشکلی است که برای کلیسای فیلادلفیا در زمان یوحنا ایجاد شد، با این حال از این پیغام قدیمی چه وعده ای را می توانیم دریافت کنیم؟

پادشاه آرام و پادشاه اسرائیل بر ضد اورشلیم برخاسته اند، آحاز پادشاه یهودا ترسیده و قصد دارد از سرزمین خود حمایت کند. هم اکنون ما در سال ۷۳۵ ق.م. هستیم. اورشلیم، مرکز پادشاهی، شهر مقدس. سلیمان برای خدا معبدی برپا می کند. در اینجا یک نمونه از مصیبت های متعدد اورشلیم را که در کتاب پادشاهان آمده است بررسی می کنیم:

زوال تدریجی اورشلیم

چند دهه بعد از مرگ سلیمان تفرقه ای که میان وارثان او به وجود آمد، باعث جدایی در محدوده پادشاهی شد. در شمال، پادشاهی اسرائیل به همراه سامره به عنوان مرکز حکومت و در جنوب پادشاهی یهودا به همراه اورشلیم که به «خاندان داود» وفادار ماندند. این جدایی حکومت را تضعیف کرد آن هم در حالی که خطر قدرت های آشور آن را تهدید می کرد. در سال ۷۲۲ اسرائیل زیر بار حمله آشور (سرگن دوم) خم می شود. پادشاهی یهودا از دست رفت، ولی پادشاه یهودا باید مقداری نقره در عوض امنیت خود بپردازد.

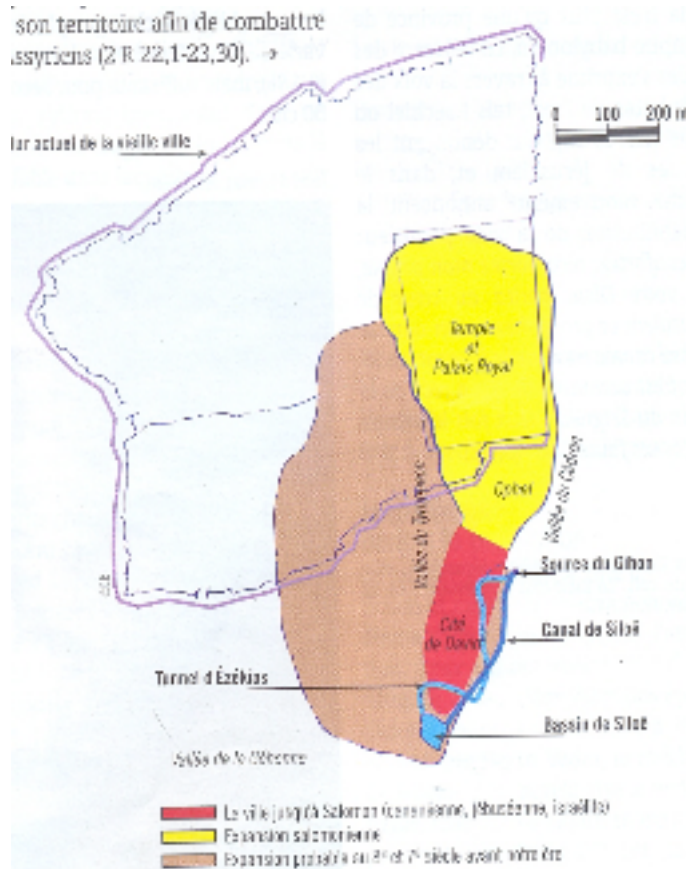
در مقابل آشور

علی رغم سرزنش پیامبران، برخی از پادشاهان مثل آحاز و منسی آیین بت پرستان را وارد معبد کردند و پسران خود را از آتش می گذراندند و پاک می کردند (۲- پاد ۱۶: ۱-۲۰، ۲۱: ۱-۱۸). برعکس برخی دیگر به تورات وفادار بوده و خود را برابر بیگانگان قرار می دادند. بدین ترتیب حزقیای پادشاه، تصمیم می گیرد که سنگرهای خود را احیاء کرده و از اورشلیم دفاع کند. در زمان اوست که نام تونلی را به او نسبت می دهند، تونلی که ضمیمه رود جیحون را به حوض سیلوحا وصل کرده و آب را از تپه تا دره Tyropoeon می برد. در زمان حکومت همین پادشاه است که سنخاریب، پادشاه آشور، مقر خود را در مقابل شهر می گذارد (سال ۷۰۱) و تمامی شهرهای حصاردار یهودا را تسخیر می کند (۲- پاد ۱۸: ۱-۱۹ و ۳۷).

بعد از حزقیا، افراد دیگری مانند یوشیای پادشاه، شاهد یک شور و اشتیاق مذهبی بزرگ بودند. یوشیا نیز مانند حزقیا یکی از حامیان شهر اورشلیم و معبد بود. طبق نظر برخی محققین، در آن زمان حدود ۲۰۰۰۰ نفر ساکن پایتخت بودند. پادشاه در هیکل مقدس حاضر شده و خود «تمام سخنان کتاب عهدی را که در خانه خدا یافت شد» برای قوم خواند. او در خانه خدا و نزد ستون ایستاده و در حضور خدا عهد بست که اوامر و فرایض او را به تمامی دل و تمامی جان نگاه دارد. او در زمان جنگ مجدّد و وفات یافت (سال ۶۰۹) در حالی که قصد داشت در مقابل فرعون نکوه پادشاه مصر که می خواست در مقابل پادشاه آشور برخیزد، ایستادگی کند (۲- پاد ۲۲: ۱، ۲۳: ۳۵).

در برابر بابل

پادشاهی یهودا که تحت نفوذ قدرت‌های همسایه بود - مصر در جنوب و بین النهرین در غرب - باید برای حفظ صداقت مذهبی و حفظ سرزمین خود بی وقفه بجنگد. این روند تا بیست سال بعد از مرگ یوشیا ادامه داشت. اما به سرعت خطر جدیدی شهر را تهدید می‌کند! بعد از شکست آشور، نبوکدنصر پادشاه بابل که بر مصریان پیروز شده بود (سال ۶۰۵)، خطر تازه‌ای برای منطقه شد. در سال ۵۹۷، او شهر اورشلیم را محاصره کرده، تصرف می‌کند و برخی از ساکنین آن را به بابل تبعید می‌کند. شورش حکومت پادشاه یهودا، یعنی صدقیا، بهانه‌ای می‌شود برای لشکرکشی دوم که نتیجه آن بسیار غم‌انگیز است. علی‌رغم مقاومت‌ها قصر پادشاهی و معبدی که توسط سلیمان ساخته شده بود ویران شده و گروه کثیری از اسیران به تبعید فرستاده شدند (سال ۵۸۷) (۲-پاد ۱:۲۴-۲۵:۲۱). حکومت یهودا هم اکنون تبدیل به حکومت بابل شده بود. هراس و وحشت تبعیدیان را می‌توان در صدای پیامبرانی مثل حزقیال و اشعیا مشاهده کرد. این پیامبران در عین حال که از گناهان اورشلیم پرده برمی‌دارند، اعاده حیثیت خدا را به خاطر شهر اعلام می‌کنند: «تسلی دهید، قوم مرا تسلی دهید! خدای شما می‌گوید: سخنان دلاویز به اورشلیم گویند و او را ندا کنید که اجتهاد او تمام شده و گناه وی آمرزیده گردیده و از دست خدا برای تمامی گناهانش دو چندان یافته است» (اش ۴۰:۱-۲).



تونل حزقیا

در حدود سال ۷۰۰ ق.م، حزقیا، پادشاه یهودا اقدام به یک عمل جسورانه می کند. او که لشکرکشی پادشاه آشور را پیش بینی می کند، باید تونلی بسازد که آب را از سرچشمه جیحون بیاورد یعنی از خارج سنگر و از صخره *ophel* به سمت حوض کوچک سیلوحا، این تونل باید در داخل دیوار باشد (ر.ک ۲- توا ۲۰:۳۲؛ ۲- پاد ۲۰:۲۰).

حفر این تونل که کار مشکلی بود توسط دو گروه انجام شد. این دو گروه با هم متحد گردیده و به کمک صدای دارکوبی که صخره را می کند، توانستند کار حفر کردن تونل را تمام کنند. لحظه باشکوهی که کار حفر تونل تمام شد توسط کتیبه ای که در سال ۱۸۸۵ در تونل کشف گردید برای ما نقل شده است: «هنگامی که دارکوب به صخره ضربه می زد و هنگامی که بیشتر از سه کوئل (معادل نیم متر) کنده شده بود، فریاد شادی همگی شنیده شد ... در روز نفوذ به تونل، هر یک به دنبال مسیر نوک زدن دارکوب ضربه می زدند. در این لحظه آب از منبع به سمت حوض جاری شد». طرح پریچ و خم تونل - به طول ۵۱۲ متر - در حالی که مسیر مستقیم بیشتر از ۳۲۴ متر نیست - تعجب انگیز است. آیا معدن چیان نگران تراشیدن صخره در این منطقه و در قلمرو پادشاهی نبودند؟ آیا آنها با صخره سختی که بارها وادارشان کرد مسیر را عوض کنند، مواجه نشدند؟ پهنای تونل بین ۶۵ تا ۵۸ سانتی متر ارتفاع آن از یک متر و ده سانتی متر تا ۳ متر و ۴۵ سانتی متر تغییر می کند. شیب آن بسیار کم ولی برای جریان آب کافی است.



در یک مجموعه که مربوط به ایمان باشد، ردپای زیادی از ایمان مسیحیان را مشاهده می‌کنیم در این جا لازم است از دیدگاه یهودیت نگاهی بر ایمان اشعیا بیاندازیم. آندره نهر در گردهمایی فرهنگی مربوط به شناخت یهودیت این بحث را انجام می‌دهد:

سیاست اشعیا

از نظر اشعیا «خدا همراه ماست» مفهوم دو مورد هم زمان را دارد: به مفهوم تنها خدا با ماست نه شخص دیگری، و بدین مفهوم که: «خدا با ماست، کاملاً آسوده باشید، مطمئن باشید که شما تحت حمایت و یاری خدا هستید» اما: «تنها خدا با ماست و از هیچ کس دیگری جز خدا نمی‌توان طلب یاری کرد».

اما خدا کیست؟ او کسی است که نمی‌تواند با بشر باشد زیرا او متعالی است، زیرا خود اشعیا در کتابش می‌گوید که تفکرات و راه‌های خدا مانند تفکرات و راه‌های بشر نیست هم سویی میان خدا و بشر وجود ندارد.

هر قدر هم که خدا متعال باشد، تمام نگرش انسان‌ها را متحول می‌کند. با این حال در این جا بعد دیگری از عمانوئیل را می‌بینیم «خدا با ماست». تنها خدا ی یکتا با ماست... و هر چند هم که او نتواند با ما باشد، همه جا با ماست.

از نقطه نظر این برنامه و محتوای معنوی، الهیاتی و از نقطه نظر این عبارت (عمانوئیل که نامی تعمیدی است) است که اشعیا سیاست خود را توسعه داده و آشکارا بر یک فوق سیاست تأکید کرده و این نام را به فرزندی نسبت می‌دهد برای منجی بودن. توسط عمانوئیل خدا وارد داستان می‌شود و در این جا انعکاس یک طرح متافیزیکی را می‌بینیم که منحصرأ روی طرح سیاسی ایجاد شده است. از این پس این دو به هم وابسته هستند.

اگر خدا یک فرد است باید نامی داشته باشد ولی این موضوع به همین سادگی نیست... نسبت دادن نامی به خدا بستگی به شناختی دارد که از او داریم و نیز بستگی به توانایی ما برحسب شرایطی که او را می‌پذیریم دارد. این نام برای اشعیا چیست؟

«عمانوئیل»

در باب ۶ اشعیا رویایی را که در معبد می‌بیند تعریف می‌کند او خدا (یهوه) را می‌بیند که مانند پادشاهی روی تختی نشسته و سرافین با صدای بلند فریاد می‌زنند «قدوس، قدوس، قدوس یهوه صبايوت» (اش ۳: ۶). یهوه نامی است که خدا هنگامی که موسی را برای نجات قومش از ستم می‌فرستد، به او می‌گوید (خروج ۳). در رؤیای اشعیا خدا قدوس نامیده می‌شود و نامی که به او نسبت داده شده «یهوه صبايوت»، که می‌توان آن را «یهوه ارتش‌ها» و یا «خدا قادر مطلق» نیز ترجمه کرد، می‌باشد.

این نام در باب های اول کتاب اشعیا بسیار استفاده می شود. قدوسیت خدا به توانایی او وابسته است: چگونه می توان این را درک کرد؟

جایگاه عمانوئیل

در طول جنگ بر علیه اورشلیم، زمانی که همه از ترس می لرزیدند (اش ۲:۷) نام یهوه صبايوت استفاده نمی شود (اش ۱۳:۸). در این مصیبت بهتر است روی نام «یهوه ارتش ها» تکیه نشود و بیشتر روی این کلام خدا تأکید شود که می گوید: «این گونه - منظور اتحاد ارتش بر ضد اورشلیم - دوام نمی آورد» (اش ۷:۷). خدایی که علاوه بر این نشانه ای می دهد: تولد فرزندى که نام او عمانوئیل - به معنی خدا با ما - است. این خدا، خدای لشکرها نیست بلکه خدایی است که نزدیک قومش و همراه اوست و با او گام برمی دارد (۲- سمو ۷:۷).

قدوسیت خداوند

تنها ترسی که باید داشت حتی در مقابل یک دشمن توانا و ستمگر، ترس از خدای قدوس است: «یهوه صبايوت را تقدیس نمایید و او ترس و خوف شما باشد» (اش ۱۳:۸). موضوع اساسی، ایمان راستین است. زیرا این ایمان، به مفهوم باور این موضوع است که توانایی خدا قدوسیت خداست - نه قدرت خشن او. قدوسیت خدا توسط اشعیا در هنگام رویایش احساس می شود و کمی پیش در کتاب شرح داده می شود: و یهوه صبايوت به انصاف متعال خواهد بود و خدای قدوس به عدالت تقدیس می شود (اش ۱۶:۵). توانایی خدایی که خود را خیلی نزدیک آشکار می کند، توانایی نقشه عدالت اوست که نمی گذارد قومش تحت اسارت ظالم باشد. هم چنین در الهیات اشعیا نام خدا تغییر می یابد. او دیگر خدای لشکرها نیست بلکه «خدا با ماست»، و یا به گفته بهتر «قدوس اسرائیل» (اش ۶:۱۲).

آیه ۱۴ از باب ۷ کتاب اشعیا نقشی مرکزی در ابتدای انجیل متی دارد. با این حال دستخوش تغییراتی شده است ... که به ویژه در الاهیات متی دیده می شود.

«او را عمانوئیل می نامند»

از ابتدای انجیل، جبرائیل به یوسف می گوید که نباید از نگاه داشتن همسرش مریم نزد خود ترسی داشته باشد زیرا «آنچه که در او قرار گرفته از روح القدس است»، و اضافه می کند «او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید»

(۱۲:۱-۲۲)، «چون یوسف از خواب بیدار شد: او زن خویش را گرفت و تا پسر نخستین خود را نرزیید او را نشناخت و او را عیسی نام نهاد» (آیه ۲۴ و ۲۵). اگر متی در این جا نقل قول اشعیا را که به یوسف خبر داده شده، ذکر نمی کرد هیچ مشکلی ایجاد نمی شد: «و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خدا به زبان نبی گفته بود تمام گردد: اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش خدا با ماست» (۲۳:۱ و ۲۳).

عیسی یا عمانوئیل؟

این اولین پرسشی است که مطرح می شود: در حالی که یوسف نام عیسی (به مفهوم خدا نجات می دهد) را به فرزند می دهد. چرا متی بیشتر بر نام عمانوئیل که خدا با ما ترجمه می شود تأکید می کند؟

بدون شک پاسخ در جامعه ای جستجو می شود که او به آن اشاره دارد: جامعه ای از یهودیان و امت هایی که از جدایی خود از یهودیت رنج می برند. متی در ایمان خود به آنها نشان می دهد که عیسی وارث وعده خداست. زیرا یوسف که از نسل داود است به عیسی نامی می دهد که قطعاً (پسر داود) است و نیز به لطف نبوت اشعیا، مشخص می شود که تولد عیسی و به ویژه تولد او از یک باکره متون مقدس را به انجام می رساند.

با این حال، نام عیسی «نجات دهنده قومش» (آیه ۲۱)، ممکن است نشان دهد که وعده خدا تنها محدود به نسل داود است.

متی با نام بردن «عمانوئیل» نشان می دهد که درود و برکت عیسی یک بعد همگانی و جهانی دارد. در عیسی، خدا با ماست، ولی این در ما به مفهوم یهودیان و امت هاست.

«تو او را عمانوئیل خواهی خواند» یا «آنها او را عمانوئیل صدا خواهند کرد»؟

این دومین سؤالی است که خواننده این آیات از خود می پرسد (۲۴-۲۰):

در حالی که فرشته به یوسف می گوید که او به عیسی نامی نسبت می دهد چرا در نقل قول اشعیا اعلام شده است که «او را عمانوئیل خواهند نامید»؟ در این جا نیز پاسخ در مجموعه انجیل متی جستجو می شود، جایی که ناشناخته شدن عیسی از طرف نزدیکانش و شناخته شدن او توسط امت ها با هم منطبق شده است.

این رویداد از ابتدای انجیل که مجوسیان آن را فهمیدند شروع می شود و در انتهای انجیل با رستاخیز عیسی «پس رفته همه امت ها را شاگرد سازید» به انجام می رسد (۱۹:۲۸).

بر خلاف نامی که یوسف به عیسی می دهد، نامیدن عیسی به عنوان «عمانوئیل، خدا با ما» از نظر متی فقط بدین معنی است که ایمانداران پیامی را که خطاب به همه است درک می کنند این موضوع

به کمک فعل جمع و زمان آینده ای که در نقل قول اشعیا به کار رفته، در کتاب اشعیا توضیح داده شده است: «او را عمانوئیل خواهند نامید».

به همراه ما و به همراه شما

این ویژگی دیگر معرفی متی است: نامیدن عیسی به عنوان «عمانوئیل، خدا با ما»، با قسمت پایانی انجیل که مربوط به وعده رستائیز عیسی است و در این قسمت عیسی شاگردان را به رسالت می فرستد، تطابق دارد. «و من هر روزه تا پایان زمان با شما هستم» (متی ۲۸: ۲۰). این وعده روی قلمروی اربابی تکیه دارد: «تمامی قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است، پس بروید...» متی از ابتدای انجیل خود، قصد دارد به صورت کنایه آمیز نشان دهد که گشایش محبت به روی ملت ها از زمان تولد عیسی شروع شده و این مطابق با نقشه خداست.

در پایان انجیل، وعده عیسی به شاگردانش یک بعد دیگر عمانوئیل را مشخص می کند: «خدا با ما». از این به بعد او خدای همه است و در طول رسالتش همراه همه می باشد، همراه تمام کسانی که در مرگ و رستائیز او تعمید یافته اند.

هم زمان با هنگامی که متی روش خدا را که در عیسی مسیح خود را بر همه ظاهر کرد تا برکتش را به آنها بدهد، نشان می دهد، عبارت «عمانوئیل» امروزه همراهی رستائیز را در کلیسا نشان می دهد. هم چنین می توان گفت که انجیل متی «ارتباط برقرار می کند میان خدایی که با ماست و افتتاح کننده است و عیسایی که با ماست و به انجام می رساند». در این مفهوم، به راستی عیسی، عمانوئیل است که نقشه خدا را کاملاً به انجام می رساند.

اگر باور نکنید، ثابت نخواهید ماند خدا در خانه داود این را می فرماید (اش ۷: ۹) این تشویق در اینجا شبیه یک اخطار است. آیا ایمان ترکیب از استواری، پناهگاه و آرامش نمی باشد؟ به این دلیل که خدا به انسان خطاب می کند.

هماهنگی با باور داشتن

جرارد وان می نویسد که «قوم اسرائیل در تمام موقعیت هایش و در هر سطحی که باشد از این شرط ایمان به خدا دفاع می کند. در این قوم کوچک، در یک گوشه از دست رفته، یک عمل بزرگ به انجام می رسد، یعنی تولد ایمان». از دید مذهبی ایمان یک «چیز جدید» است که توسط تحول یهودی - مسیحی توضیح داده می شود. به گفته بهتر، وقتی صحبت از یک تجربه جدید می شود هیچ

کلمه ای نمی تواند آن را تعریف کند. این تجربه در میان کلمات مبهم بسیاری که شرایط بشری را ترجمه می کنند، معنا می یابد. در عبری نمونه هایی را می توان مشاهده کرد: *hasah* به مفهوم پیدا کردن پناهگاه، *balah* به مفهوم در امنیت قرار گرفتن، *aman* به مفهوم تکیه کردن روی چیزی. این کلمه آخر *aman* در کتاب اشعیا ۹:۷ به کار رفته است «اگر مرا باور نکنید، ثابت نخواهید ماند».

ترجمه TOB می گوید که: «اگر ایمان نیاورید، ثابت نخواهید ماند». این تفسیر کاملاً درست است ولی این خطر را به دنبال دارد که نقش کلمه ای که دو مفهوم را می رساند، حذف گردد. ترجمه TOB هم چنین در جایی دیگر می گوید: «اگر به خوبی باور نکنید ثابت نخواهید ماند». در کنار کلمه *aman* کلمات *emunah* به معنی وفاداری، *emet* به معنی حقیقت را می توان مطرح کرد و این نشان دهنده دوام، پناه و آرامش بنیادی است که در ابتدای ایمان وجود دارد. این مفهوم بسیار نزدیک به آن چیزی است که ما «درو» می نامیم.

الهیات اولیه ایمان: پذیرش مطلق و قطعی

«اگر باور نکنید» اشعیا ۹:۷. آیا در مرحله اول ایمان، ما به باور هدایت نمی شویم؟ در ابتدا موضوع آن چیزی نیست که ما آن را ایمان طبق خواسته خدا می نامیم، بلکه موضوع اعتقاد به این موضوع است که خدا انسان را خطاب می کند و او را در طول تاریخ هدایت می کند. بنابراین اگر بشر قصد دارد که زندگی کند و در این دوام و پایداری شکوفا شود باید خدا را بپذیرد و به قدرت او ایمان داشته باشد، خدایی که در صخره اسرائیل است (مز ۴:۶۱). خدا صخره بشر است همان طور که برکت می دهد. ایمان پاسخ پذیرشی است به لطف رایگان خدا و ارتباط دو جانبه ای است که در آن انسان به خدایی که دوام او محسوب می شود اعتماد می کند و این موفقیت و خوشبختی او را به دنبال دارد. در حالی که خدا نیز وارد عمل می شود و با انسان پیوند می یابد بدین ترتیب ارتباط پایدار است، ایماندار نیز پایدار خواهد بود.

زیرا ایمان یک عمل عهد بستنی است (ریشه شناسی کلمه لاتین *fides*، ایمان، آن را با کلمه *foedus* به مفهوم عهد، مرتبط می کند). یک عهد در زمانی بسته می شود و دو وفاداری را به دنبال دارد. اولین وفاداری، وفاداری به خداست، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب، خدایی که در تاریخ قومش کارهای شگفت می کند و قوانین تاریخی را به یاد می آورد، و دومین وفاداری که جنبه تعهد دارد و آن وفاداری قوم نسبت به خداست.

ایمان شامل سه زمان می شود: برای زمان حال دوام محسوب می شود، برای گذشته وفاداری و برای آینده اعتماد و امیدواری. زیرا به انجام رسیدن عهد باید با گردهمایی تمام این لحظات هدایت شود. رفتار ابراهیم نیز مطابق همین اصل است، او به خدا و رسالتی که دریافت کرده بود تکیه داشت. بدین ترتیب او به اولین چهره ایمان در عهد عتیق تبدیل می شود، چهره معروفی که پولس قدیس آن را ستایش می کند.

اهمیت حقیقت در ایمان

کلمهٔ عبری *aman* که در اشعیا ۷:۹ آورده شده در یونانی *pisteuein* ترجمه می شود و در زبان ما دقیقاً همان فعل باور داشتن ترجمه می شود و کلمهٔ *pistis* به مفهوم ایمان است. این کلمات در تمام قسمت های عهد جدید دیده می شوند. در اناجیل همه جا می بینیم که ایمان بر ضد و یا ایمان به عیسی یافت می شود. ادعای عجیب عیسی درخواست تعهد و ایمانی است که تنها شایستهٔ خدا می باشد. ایمان میوهٔ یک ملاقات است: ایمان عمل پیروی کردن از عیسی است، درست به مانند شاگردان او. هم چنین این ایمان پیشرفت تدریجی و متوالی است.

هم سویی دیگری در این ایمان با ایدهٔ پذیرش حقیقت ظاهر می شود. این ایده در رابطه ای که میان کلمهٔ *aman* و اسم موصوف *emet* به مفهوم حقیقت وجود دارد و قبلاً از آن صحبت شد، حضور دارد. ولی در عهد جدید بسیار حساس تر است. به صورت «ایمان داشتن به» و نیز به صورت «ایمان داشته باشید که». برخی از تفسیرها با در مقابل هم قرار دادن این دو فرم ایمان مخالف هستند در حالی که آنها به شدت به هم وابسته و متحدند. پذیرش خدا و عیسی از طرف انسان شناخت انسان از یک حقیقت اساسی را توسعه می دهد. اسرائیل خدای خود را می پذیرد زیرا او به حقیقت اعمال شگفتی که خدا برای قومش به انجام رسانیده اعتقاد دارد. ایماندار به شناخت هویت عیسی فراخوانده شده «شما مرا که می دانید؟» ایماندار دعوت شده که به عیسی به عنوان «مسیح، پسر خدای زنده» ایمان داشته باشد (متی ۱۶:۱۶).

ایمان به ویژه از نظر یوحنا ی قدیس به مفهوم پذیرش راستی است. ایمان شناختی را به انسان می دهد، شناخت پدری را که توسط عیسی آشکار شد. ایمان چشمانی را عطا می کند که بتوانند متوجه حقیقتی شوند که در این ایمان وجود دارد.

پولس دو شیوه برای معرفی ایمان دارد. در نوشتهٔ رومیان ایمان یک رفتار کلی است که شامل پذیرش خدا و عیسی و در نتیجه اعتماد و محبت است.

از این شهادت به بعد است که لوتر مکتب خودش را با توجیه ایمان شکل می دهد. در اولین نامه به قرنیتان ۱:۱۳-۱۳ پولس مسئلهٔ ایمان، امیدواری و نیکوکاری را متمایز می کند تا بدین ترتیب نقش مهم نیکوکاری را که در ارتباط مستقیم با ایمان و امیدواری است نشان دهد. با تکیه بر این متن است که کلیسای کاتولیک این سه فضیلت را گسترش می دهد و تأکید می کند که تنها ایمان برای داشتن فیض خدا کافی نیست، یعنی اگر ایمان به نیکوکاری ختم نشود، نمی تواند کافی باشد. این دو شیوه بیان است که مکمل همدیگر هستند. هر دو شیوه اساسی است و باعث ایجاد اختلاف و فاصله نمی شود. اگر ابراهیم بزرگترین چهرهٔ ایمانی در عهد عتیق است، می توان گفت که مریم باکره نیز بزرگترین چهرهٔ ایمانی در عهد جدید است.

ایمان مسیح

آیا می توان عمیق تر صحبت کرد؟ آیا عیسی ایمان داشت؟ این موضوعی بسیار بحث برانگیز در الهیات است. طبق نظر تومای قدیس اگر ایمان عیسی را در فلسفه الهیاتی اسکولاستیک که اهمیت شناخت عیسی را در نظر می گیرد جای ندهیم، در آن صورت عیسی ایمان نداشته است زیرا او نمی تواند چیزی را که توسط علم الهی اش می شناسد، باور کند. ولی اگر موضوع را به مجموعه موضوعات ایمانی بسط داده شده در اینجا مربوط کنیم، این نکته واضح است که عیسی در کمال پویایی ایمان زندگی کرده است. او در تمام موجودیت خویش رسالتی را که از پدر گرفته بود، پذیرفت، او کاملاً به پدر وفادار بود و اعتماد و عشق خود را تا به آخر کاملاً به پدر تقدیم کرد. او از تمام لحظات مبهم و گنگ مربوط به آینده خود گذر کرد، به ویژه زمان درد و رنج خویش. این موضوع با اتحاد شخصی پسر با پدرش مغایرتی ندارد بلکه این نتیجه تن یابی اوست. در شرایط انسانی، پدر دوام و صخره اوست، صخره ای محکم، همان طور که در رستاخیزش کاملاً این موضوع را نشان می دهد.

کار گروهی

در اینجا سه روش برای کار شخصی یا گروهی در مورد موضوع مورد بحث ارائه می شود. بحث در مورد ایمان همیشه کار آسانی نیست باب ۷ کتاب اشعیا کمکی بسیار عالی به این موضوع است:

۱) در روایت از ترس بگذریم تا به ایمان برسیم

متن اشعیا را با دقت بخوانید در اینجا ممکن است دچار دودلی شویم چرا در چند صفحه قبل تیر ترس و ایمان را انتخاب کردیم؟
- آیا محتوای تاریخی که توسط «کتابچه عمانوئیل» و «زوال تدریجی» شرح داده شد، و یا مشکلات مطرح شده توسط «فرزند و جنگ» می توانند این نبوت را روشن کنند؟
- از این موضوعات چه چیزی می توان برداشت کرد؟ آیا طرحی در کشفیات خود پیدا می کنید؟ چگونه می توان این مشکلات و امیدواری را با هم منطبق کرد؟
- عهد عتیق موقعیت های غم انگیزی را معرفی می کند که ایمان را نیز توضیح می دهد. آیا شما تجربه موقعیت سختی را داشته اید که در ایمان شما اثر گذار باشد؟

۲) نشانه هایی برای ایمان

- چرا خدا از پادشاه می خواهد که در خواست نشانه ای کند؟ با خواندن تدریجی قسمت ایمان و ترس: چرا فرزند تنها به عنوان نجات دهنده هویت پیدا می کند، در صورتی که می تواند بازتاب الهیاتی زیادی داشته باشد؟
- نقش اشاره به «غذای او شیر و عسل است» چیست؟ در چه شرایطی این طرح قبلاً انجام شده؟ چگونه این موضوع نشان دهنده ایمان است؟

- روی مسئله «همآهنگی های ایمانی» تفکر کنید در مورد آن چه فکر می کنید؟
- خواهر ماری کروآز با سرودن ایمان خود در شرایط ناامیدی آیا نشانه هایی از ایمان را بیان نمی کند؟ چه نشانه هایی را می توانید در زندگی خودمان ببینیم؟

۳) دادن يك نام به خداوند

- دادن یک نام به کسی، شناخت وجود اوست. در عهد عتیق نام های زیادی به خدا داده شده است. می توانید آنها را پیدا کنید؟ با چه چیزی مطابقت دارند؟ قسمت «سیاست اشعیا» و «عمانوئیل» را بخوانید.
- در عهد جدید نام عیسی به کار رفته و در عین حال نام عمانوئیل را در مژده به یوسف می بینیم! هر کدام از این نام ها چه چیزی را نشان می دهد؟
- در زمان مصیبت خدا چگونه ظاهر می شود؟ او به چه چیز قوم را دعوت می کند؟ امروزه ما چه نامی به او می دهیم؟

برای ایمانداران یک متن مقدس بدون اینکه با خدا ملاقات کنند نمی تواند کلام خدا محسوب شود یک گفتگو میان دو نفر، مستلزم استقبال و رفتار طرفین است. خواندن یک متن مقدس مستلزم همین شرایط است:
آنچه را که متن می خواهد بگوید را ببینید (نه آنچه را که من می خواهم در آن ببینم) و تعمق کرده و دعا کنید.

در متن معروف اشعیا باب ۷ جایی که چهره عمانوئیل می درخشد مسیحیان فوراً شمایل عیسی و مریم را تصور می کنند! این اشتباه نیست اما تنها مسئله خواندن نیست. در مرحله اول خود متن را دقیق بخوانید.

مشاهده کردن

در ابتدا تحول متن را بررسی کنیم. دو آیه اول آهنگ و لحن متن را مشخص می کند. زمان، زمان جنگ است همراه با تمام تهدیدهایی که نگرانی را ایجاد می کنند. نتیجه آن آشفتگی عمومی در میان قوم است ولی در اینجا مهلتی را مشاهده می کنیم «آنها بر ضد شهر اورشلیم برخاستند اما نتوانستند به آن حمله کنند». در این شرایط است که کلام دو گانه خدا وارد متن می شود کلام متن را به دو قسمت مکمل هم که شدت آن را افزایش می دهد، تقسیم می کند. در قسمت اول (۷-۹) خدا صحبت می کند اما توسط پیامبر: «خدا به اشعیا گفت به دیدن آحاز برو ... به او بگو...»، در

قسمت دوم (۱۰-۱۷) به نظر می‌رسد خدا مستقیماً به پادشاه آحاز خطاب می‌کند درست مثل اینکه موقعیت اضطراری است.

اولین کلام، آهنگ جنگی دارد. کلمه به کار رفته را ببینید «آرام باشید»، «نترسید»، «با حذر باشید»، «دوام نخواهید آورد» به کار بردن این کلمات تهدیدآمیز، برای فراخواندن به ایمان است. قوم توسط روش‌های خاص خود نمی‌تواند در مقابل دشمن پایداری کند. قوم باید برخدایی که عمل می‌کند اعتماد کند: «اگر باور نکنید هر آینه ثابت نخواهید ماند» (آیه ۹).

دومین کلام، که کلامی رسمی است به دنبال کلام اول قرار می‌گیرد اما فقط با صدای ایمان. نشانه فرزند در مرکز قرار می‌گیرد. خدا از شاه می‌خواهد که این نشانه را درخواست کند، البته به نسبت ایمانی که او به خدا دارد. در برابر امتناع پادشاه (آیا این نشانه بی‌ایمانی است؟) خود خدا نشانه‌ای را برای او انتخاب می‌کند. نشانه؟ تولد پسری در دربار شاه؟ نام او عمانوئیل خواهد بود. نامی نمادین به معنی «خدا با ما». این تولد مژده شکست تمام کسانی است که اورشلیم را تهدید می‌کنند «زمینی که از هر دو پادشاه آن می‌ترسید متروک خواهد شد». این مژده خوشبختی است.

تعمق کردن

قسمت ابتدایی متن دلیل دخالت الهی را توضیح می‌دهد. هراس در برابر آینده‌ای که تهدید شده است. در اینجا، مسئله جنگی است که ممکن است به نابودی اسرائیل و تاریخ‌اش ختم شود. از دید انسانی، مقاومت غیرقابل امکان است، دشمن بسیار قوی است، ناامیدی تمام امکانات را برای خارج شدن از بحران احاطه کرده است.

نیایش کردن

دعا کردن ناگهان از تعمق بر زندگی ما، تعمق بر تمام دلایل ما برای ایمان برضد ترس آشکار می‌شود: «خداوندا، ایمان مرا افزایش ده...»



سخن خدا از طریق فرشتگان

فرشتگان میلاد

باری در آن روزها، فرمانی از سوی قیصر اوگوستس صادر شد تا همهٔ سرزمین مسکون را سرشماری کنند. این نخستین سرشماری هنگامی انجام شد که کرنیلیوس فرمانروای سوریه بود» (لو ۲: ۱-۲).

تولد جایگاه کمی را در متن به خود اختصاص داده است. تنها با یک آیه تداعی می‌شود: مریم طفلی را به دنیا آورده، در قنذاق پیچیده و در یک آخور خوابانده است، این کل موضوع است؛ نهایت سادگی، بدون حتی یک کلمه دیگر هیچ چیز چشمگیر نیست: یک مادر و طفل اش. ما دوست داریم از این موضوع کمی بیشتر بدانیم. شخصیت‌های دیگر کجا هستند؟ یوسف کجاست؟ چه کار می‌کرده است؟ نویسنده به این سؤالات علاقه‌ای نداشته است. او ما را در شرایطی قرار می‌دهد تا به جایی دیگر هدایت‌مان کند جایی که در آن اساس روایت او جریان دارد.

فرشته خداوند

ماجرای در یک مکان نامشخص روی می‌دهد ولی نزدیک مکانی که مسیح به دنیا آمده درست مثل زمانی که در یک تئاتر صحنه توسط نوری که از بالا روشن می‌شود. فرشته خدا به چوپانان ظاهر می‌شود. ظهور فرشته خدا چیز تازه‌ای در کتاب مقدس نیست. در نهایت همه چیز در غالب یک نمای کلی کلاسیک جریان دارد: فرشته خدا ناگهان ظاهر می‌شود، ظهورش ترس ایجاد می‌کند، پیام آور الهی مژده تولد یک کودک را می‌دهد و یک نشانه می‌دهد. لوقا کتاب مقدس را به خوبی می‌شناخته و هم چنین وساطت‌های فرشته خدا را.

در انجیل لوقا، این ظهور، سومین ظهور فرشته خداست. (در انجیل لوقا برای دفعه سوم است که فرشته ظهور کرده). فرشته قبلاً به زکریا در معبد و به مریم ظاهر شده بود. در هر دو دفعه نام فرشته جبرائیل ذکر شده، فرشته‌ای که در کتاب دانیال مژده فرا رسیدن زمان نجات را می‌دهد. در اینجا فرشته خدا بیشتر از دریافت‌های کننده‌های مژده در نظر گرفته نمی‌شود. آنها چوپانانی گمنام بوده‌اند.



تولد عیسی

کودکی برای شما

روایت موضوع تازه‌ای را در بر دارد. همه چیز بر اساس یک چهارچوب کلی و معین جریان ندارد. مژده تولد، این بار مختص اقوام آینده نیست بلکه خطاب به کسان دیگری است. «او برای شما متولد شده» کلام فرشته این است. خداوند این کودک را به چوپانان هدیه کرده ولی به طور یکسان به امتی که با شنیدن این مژده از شادی لبریز خواهند شد. از سوی دیگر، کودک دیگر در حال آمدن نیست بلکه او اکنون اینجا است. فرشته می‌گوید: «امروز برای شما متولد شد». برای نخستین بار است که این کلمه مهم را در انجیل لوقا می‌شنویم دوباره می‌توانیم آن را هنگام تعمید عیسی، هنگام موعظه او در ناصره، ملاقاتش با زکی و روی صلیب خطاب به دو راهنزن پیدا کنیم: «کلمه امروز» زمان نجات دیگر در راه نیست، اکنون زمان نجات است، زمانی که با تولد عیسی افتتاح شده است.

القاب پادشاهی

پیام آور الهی اکنون که کودکی که متولد شده، عنوان پادشاه را می دهد. او مسح، خداوند و نجات دهنده است.

کریستوس: ترجمه یونانی کلمه مسیح پادشاهی که قوم یهود در انتظار او بودند وی می بایست از نسل داود باشد عیسی در بیت اللحم یعنی دقیقاً در همان دهکده ای که داود متولد شد، به دنیا آمد.

خداوند: کلمه ای که مفهوم پادشاهی دارد و برای نشان دادن امپراتور به کار رفته است و نیز کلمه ای است که در کتاب مقدس یونانی به خداوند اشاره دارد.



نجات دهنده: این کلمه نیز محتوای پادشاهی و سلطنت دارد. انسان های قدرتمند در هر دوران دوست داشتند که این عنوان را به خود اختصاص دهند آنها می خواستند از طرف ملت شان «ولی نعمت» (منجی) نامیده شوند. این کلمه، کلمه ای است که در کتاب داوران برای نشان دادن شخصیت های الهی که خداوند برای نجات قوم خود فرستاده، به کار رفته است. در نهایت با یکی از این کلمات است که خداوند خودش را نشان می دهد. مریم آن را در ستایش خود به کار برده: «جان من خداوند را تمجید می کند و روح من در خدا، نجات دهنده من، شادی می کند».



منادی، پادشاه

در روایت لوقا فرشته خداوند مانند یک شیپورچی دربار ظاهر می شود که قلمرو پادشاهی را برای شمردن عنوان های یک فرزند سلطنتی که باید روی تخت پادشاهی بنشیند، دزمی توردد. متن، مکانی را که فرشته ظاهر شده نشان نمی دهد بلکه تنها توضیح می دهد که «در این شهر» شهری که مریم و یوسف در آنجا می باشند متعلق به نسل داود است. مژده خطاب به مردم سرزمینی است که در انتظار پادشاهی از سوی خدا هستند. این پادشاه متولد شده است و چوپانان که از پایین ترین قشر جامعه هستند اولین کسانی می باشند که از این تولد با خبر می شوند و این طبیعی است، زیرا پادشاه مخصوصاً برای آنها می آید. بعدها عیسی خداوند می گوید: «خوشابحال شما فقیران زیرا ملکوت خدا از آن شماست» هم چنین می گوید: «تو را شکر می کنم، ای پدر، خداوند آسمان و زمین که این را از خردمندان مخفی داشتی و بر حقیران آشکار کردی».

يك سؤال پیچیده

خواننده انجیل با این بیان باشکوه و رسمی دچار کنجکاوی می شود. این لقب ها چه مفهومی دارند؟ چگونه این کودک به پادشاهی می رسد؟ آیا به شیوه اوغسطس قیصر و نماینده او و یا به شیوه داود پادشاه، جد یوسف؟ چگونه او بر تخت پادشاهی خواهد نشست؟ خواننده با یک روش راحت تر از خود می پرسد که چگونه چوپانان این کودک را می یابند؟ فرشته خداوند به هیچ کدام از این سؤال ها پاسخ نمی دهد ولی همچون تمام مژده های تولد، یک نشانه می دهد. او از کودکی صحبت می کند که در طویله ای خوابیده است. نشانه داده شده توسط فرشته مبهم است. این نشانه کاملاً در تضاد با پیغامی است که به چوپانان داده شده است. چگونه فقر و سادگی کودک می تواند نشانه های پادشاهی او باشد؟

این پیام آسمانی با قرار گرفتن در ابتدای انجیل نقش مهمی را ایفا می کند. این پیغام کنجکاوی ها را برمی انگیزد و مخاطب را به خواندن باقیمانده متن دعوت می کند. سرنوشت این پادشاه کودک که در آخور خوابیده چه خواهد بود؟ قرائت انجیل، مخصوصاً روایت حرکت مسیح به سمت اورشلیم، تدریجاً اجازه می دهد که متوجه این تناقض بشویم. ولی مفهوم نهایی پادشاهی عیسی جز بعد از مرگ و رستاخیز او قابل درک نیست.

آواز فرشتگان

روایت با فرا رسیدن گروه بزرگی ادامه می یابد: فرشتگان (لشکر فرشتگان). نقش این لشکر مانند کسی است که در یک تئاتر قدیمی هم خوانی می کند و در پایان یک صحنه به منظور هدفی مشخص می آید. فرشتگان، ستایش خداوند و آرامش برای «مردمی که مورد محبت او هستند»، می سرایند. بیان جدید مبهم است، این محبت شامل چه کسانی می شود؟ انسان های نیکوکار (طبق

ترجمه قدیمی) یا انسان هایی که مورد محبت خدا هستند (طبق ترجمه جدید)؟ اولین مطلب مشخص برای تنظیم کردن این اختلافات چیست؟ گرایش و تمایل قلبی انسان ها برای پذیرفتن سلام خداوند یا محبت رایگان خداوند برای انسانها؟

سؤال های دیگر

این مژده متعلق به کدام قشر مردم است؟ آیا تنها قوم برگزیده مورد خطاب هستند یا تمام مردم زمین؟ و بالاخره: این صلح شامل چه چیزی می شود؟ آیا باطنی است یا ظاهری؟ آیا برای امروز است یا برای فردا؟ دنباله انجیل تدریجاً جواب این سؤال ها را در بردارد مانند مژده فرشته، آواز فرشتگان، و خطاب به خواننده است تا در آنها نسبت به این موضوع علاقه ایجاد کند. او سؤالات اساسی را بیان می کند. سؤالاتی که مسیحیان اولیه از خود می پرسیدند.

فرشتگان جدید

وقتی فرشتگان رفتند، چوپانان که تا حالا مانند یک مجسمه بر جای خود میخکوب شده بودند، به نوبه خود به حرکت درآمدند. آنها متقابلاً تشویق می شوند تا به دیدن چیزی بروند که تحقق یافته است.



میناتور کلیسای یونانی قرن ۱۲ میلادی

آنها با عجله به آنجا می روند و آنچه را که بر آنها آشکار شده است اعلام می کنند. کسانی که این خبر را می شنوند متعجب می شوند. ما این تعجب را در پایان انجیل، در مورد پطرس دوباره مشاهده می کنیم، هنگامی که در صبح روز رستاخیز زنان پیغام فرشته ها را به او منتقل می کنند.

چوپانان هم اکنون سرشار از شادی بازمی گردند. آنها می توانند کلام خدا را که تحقق یافته است، درک کنند، آنها به نوبه خود همچون فرشته خداوند به فرشتگانی تبدیل شده اند، یعنی پیام آور و ستایش کننده. آنها خبریک خوشی را اعلام می کنند. مانند لشکر فرشتگان، آنها هم اکنون ستایش خدا را می سرایند و این حاکی از نقش یک جامعه مسیحی است که مسئولیت اعلام مژده را به تمام مردم مورد محبت خداوند داراست، مژده ای که توسط عیسی خداوند، تنها نجات دهنده ما به انجام رسیده است.

مژده های تولد

واقعۀ چوپانان و فرشته ها به عنوان بخشی از سنت در کتاب مقدس جای دارد:
 زیرا مژده های تولد در روایات مشابهی در عهد عتیق یافت می شوند.
 انجیل نویس از آن الهام گرفته
 تا نشان دهد که نقشۀ خداوند ادامه دارد.

یکی از عمده ترین مضمون های انجیل لوقا اتمام این روش است زیرا آنچه که خدا در زمان های گذشته انجام داده و آنچه که خدا توسط پیامبران مژده داده بود، هم اکنون به حد کمال آشکار می شود. خداوند عمل خود را در عیسی مسیح به اتمام می رساند. در حالی که متی این روش را در نگارشش بسط می دهد، اما لوقا آن را به گونه ای دیگر بیان می کند. روایت او به طور مستقیم از متون گذشته عبور نمی کند ولی از آن الهام می گیرد و روش آن را سرمشق قرار می دهد.



ویترای کلیسای Taize قرن ۲۰

مژده‌های تولد در عهد عتیق

در عهد عتیق مژده‌های تولد متعددی وجود دارد که توسط خداوند، یا یک پیامبر یا فرشته خداوند اعلام شده است. در ابتدا مژده‌های تولد اسماعیل و اسحاق و مژده تولد شمشون، یکی از نجات دهنده‌های بنی اسرائیل، را بررسی می‌کنیم.

پسر وعده داده شده

در کتاب آفرینش خداوند بارها، نسلی از داود را پیش بینی می‌کند با این وجود در انجام این وعده تأخیر ایجاد شده. سارا از کنیز خود هاجر می‌خواهد تا به همسری شوهرش در آمد و برای او پسری بیاورد. هنگامی که کنیز حامله می‌شود خاتون او به وی حسادت کرده با وی ناسازگار می‌شود و هاجر به ناچار از نزد وی می‌گریزد و به بیابان روی می‌نهد. در این هنگام فرشته خداوند به هاجر ظاهر می‌شود و به او می‌گوید:

اینک حامله هستی و پسری خواهی زایید
و او را اسماعیل نام خواهی نهاد
زیرا خداوند تظلم تو را شنیده است
و او مردی وحشی خواهد بود
دست وی به ضد هر کس و دست هر کس به ضد او،
و پیش روی همه برادران خود ساکن خواهد بود» (پید ۱۶: ۱۱-۱۲).

این پسر، پسر وعده داده شده نیست و خداوند پسر وعده داده شده دیگری را برای ابراهیم پیش بینی می‌کند، اسحاق را که از او و سارا ست:

«پسری از وی به تو خواهم بخشید، او را برکت خواهم داد
و امت‌ها از وی به وجود خواهند آمد و
ملوک امتها از وی پدید خواهند شد» (پید ۱۷: ۱۶-۱۷).

ابراهیم روی زمین افتاد و خندید و در دل خود گفت «آیا از مرد صد ساله‌ای پسری متولد شود و سارا در نود سالگی می‌تواند فرزندى به دنیا آورد؟

در واقعه مشهور بلوطستان ممری، مژده جدیدی از تولد وجود دارد. (پید ۱۸).

این دفعه هویت مژده دهنده دیگر اسرار آمیز نیست. ابتدا سه مرد آشکار می‌شوند سپس خود خداوند است که دو فرشته را همراهی می‌کند. سارا جای همسر خود را می‌گیرد و به نوبه خود می‌خندد، این خنده عکس العمل خداوند را برمی‌انگیزد. «چرا می‌خندد؟» مگر برای خدا امر محالی است؟

تولد يك «نجات دهنده»

در کتاب داوران ما روایت مژده تولد شمشون، یکی از داوران اسرائیل، را مشاهده می کنیم (داوران مردان خدا بودند که برای نجات قوم توسط خدا برانگیخته شده بودند). چنین است ظهور فرشته خداوند به همسر مانوح که مژده تولد شمشون، یکی از مهم ترین داوران، را می دهد:

«اینک می دانی که حال نازا هستی و نراییده ای،

لیکن حامله شده، پسری خواهی زایید

و الان با حذر باش و هیچ شراب و مسکری منوش

و هیچ چیز نجس مخور

زیرا یقیناً حامله شده و پسری خواهی زایید

و استره بر سرش نخواهد آمد

زیرا آن ولد از رحم مادر خود برای خدا نذیره خواهد بود

و او شروع خواهد کرد به رهانیدن اسرائیل از دست فلسطینیان» (داور ۱۳: ۳-۵).

مانوح و همسرش برای خداوند قربانی می کنند و فرشته در شعله آتش ناپدید می شود.

اکنون ما نوح می داند که فرشته خداوند بوده است

او به همسرش می گوید:

«البته خواهیم مرد، زیرا خدا را دیدیم».

در زبان کتاب مقدس، دیدن فرشته، دیدن خود خداوند است.

پنج مرحله در مژده تولد

در تمام این روایات ما پنج مرحله مشابه را مشاهده می کنیم:

(۱) فرشته خداوند، یک پیامبر و یا خود خداوند ناگهان در زندگی والدین آشکار می شود برای

این والدین، داشتن فرزند امری محال بوده است. زندگی شخصی آنها، دچار یک بن بست شده بوده.

(۲) ظهور الهی تعجب و ترس ایجاد می کند.

(۳) اعلام کننده خبر با دنبال کردن روایت، یک پیغام کم و بیش پیچیده را می دهد ولی نقطه

مشترک، گشایش سرنوشت قهرمان است. معمولاً مژده نام کودک و رسالتی را که باید انجام دهد را

دربردارد.

(۴) موجود بشری برای پذیرش مژده با مشکل مواجه می شود، او همیشه سؤال مطرح می کند و

ایراد می گیرد.

(۵) روایت با یک نشانه داده شده توسط خداوند و یا پیام آورش خاتمه می یابد.

نویسنده ضمن توصیف روایات ایمان قوی خود را ابراز می کند. خداست که حیات می بخشد او به انتظار کسانی که در غم و اندوه هستند پاسخ می دهد و ناگهان قهرمانانی را ظاهر می کند که قوم اش به آنها احتیاج دارند، هیچ خللی در این رده قرار نمی گیرد چون هیچ چیز برای خدا غیر ممکن نیست.

مژده تولد یحیی تعمید دهنده

لوقا روایت مژده تولد را در ابتدای انجیل خود قرار می دهد، که کاملاً بر اساس روش فوق نگارش شده است. فرشته خداوند به کاهن پیری که همسرش نازاست ظاهر می شود و ترس و وحشت او را برمی انگیزد. او تولد یک کودک و نام و رسالت وی را اعلام می کند. پدر آینده اشکال می گیرد و نشانه ای را طلب می کند. فرشته خود را معرفی می کند: «من جبرائیل هستم» و می پذیرد که نشانه ای به زکریا بدهد: «کاهن معبد لال خواهد شد».

یک روایت پرمعنا

با خواندن این روایت ما به راحتی متوجه هدف این نوشته می شویم. متن از زبان و کنایه های عهد عتیق بسیار استفاده کرده است، به خصوص از شخصیت فرشته خداوند به منظور ربط دادن حکایت به روایت مهم قوم خدا که با ابراهیم شروع شده است. و متن یک جو متوقف شده و بنیان گذاری محکم را القاء می کند، معبد و کارگزارانش دیگر نمی توانند ثمره ای بدهند زکریای کاهن در مهم ترین لحظه زندگی اش، آموزه های داستان مقدس را فراموش کرده بود. او باید ابراهیم و سارا را به یاد می آورد و می دانست که هیچ چیز غیر ممکن برای خدا وجود ندارد ولی او درخواست نشانه کرد و کلام خداوند را کاملاً باور نکرد. او دیگر هیچ چیز برای گفتن به مردمی که منتظر بودند چیزی بشنوند، نداشت، فرشته خداوند آن را اعلام کرده بود.

مژده تولد عیسی

با مژده تولد عیسی بخش تازه ای در داستان قوم خدا آغاز می شود. روایت بر اساس یک نمای کلاسیک بیان می گردد: آمدن ناگهانی پیام آور، وحشت مریم، اعلام تولد کودک به همراه نام و رسالت وی، سؤالات مریم و نشانه داده شده توسط فرشته. در نگارش این روایت رجوع به عهد عتیق واضح است به نحوی که به موازات روایت قبلی است. ولی تفاوت آن کاملاً آشکار است زیرا مریم شک نمی کند. او به راحتی توضیحاتی را طلب می کند و ساکت نمی ماند. همان موقع که فرشته او را ترک می کند با عجله برای گفتن چیزی که کاهن معبد نتوانست بگوید به سمت منزل الیصابات می رود. او ستایش خداوند نجات دهنده را می سراید.

نشانه داده شده توسط فرشته دو متن را به هم مرتبط می‌کند، ایصابات حامله است خداوند اولین عهدش را با قوم خویش فراموش نکرده است. او آخرین و بزرگترین پیامبر خود را می‌فرسند، پیامبری که حتی قبل از تولدش در برابر آن کسی که عهد جدید را افتتاح می‌کند از شادی لبریز می‌شود.

هدف فرشتگان پیام آور

چوپانان همان رفتاری را داشتند که مریم از خود نشان داد. آنها در طول اعلام مژده و ستایش فرشتگان، ساکت بودند ولی بعد از رفتن فرشتگان، این خبر خوش را اعلام کردند و سرود ستایش خداوند را سراییدند. نقش فرشتگان پیام آور تولد هم اکنون به اتمام رسیده است. کتب مقدس کامل شده‌اند. یا آمدن مسیح زمان درود خدا (سلام خدا) فرا رسیده و خبر خوش سرانجام به تمام مردم رسیده است.

اعلام مژده به یوسف

هنگامی که انجیل کودکی مسیح را طبق نوشته متی می‌خوانیم، با روایتی کاملاً متفاوت با آنچه که لوقا مطرح کرده است مواجه می‌شویم. مطمئناً نقاط مشترکی وجود دارد مانند: یوسف و مریم، تولد عیسی در بیت الحم، نقش فرشته خداوند. ولی تفاوت‌ها نیز بسیارند. دو انجیل یک واقعه مشابه را روایت نمی‌کنند. لوقا مژده به چوپانان و معرفی معبد را مورد توجه قرار می‌دهد و متی ملاقات مجوسیان و فرار به مصر را.

وساطت‌های متعدد فرشته خداوند

هر دو انجیل بخش بزرگی از روایت خود را به وساطت فرشته خداوند اختصاص می‌دهند، که در هر انجیل سه دفعه بوده. در انجیل لوقا سه مژده تولد وجود دارد: مژده به زکریا، به مریم و به چوپانان. در انجیل متی سه خبر به یوسف وجود دارد، اولین خبر، مژده تولد عیسی است، سپس فرشته نزد یوسف می‌آید تا بگوید که هیروдіس قصد کشتن عیسی را دارد، و سومین خبر، مربوط به مرگ فرمانروای ظالم است.

يك فرشته متنفر از زنان

با کمی تعمق پی می‌بریم که فرشته خدا که متی ذکر می‌کند فقط در خطاب با یوسف که نقش راهنما و مشاور را دارد سخن می‌گوید. از محبت و لطف این فرشته است که یوسف می‌تواند

تصمیمی به نفع خانودا خود بگیرد. ولی در مقابل، در انجیل لوقا، فرشته مریم را مورد خطاب قرار می دهد اما نظر او را نمی پرسید. فرشته انجیل متی آیا از زنان متنفر است؟ چنین سؤالی را بدین صورت پرسیدن گستاخی است و نمی توان به آن پاسخ داد. او ما را دعوت می کند که از طریق دیگری به دنبال آن بگردیم.

ملاقات فرشته هنگام خواب

خواندن دقیق متن ما را متوجه یک عنصر اصلی می کند که تا به حال متوجه آن نشده بودیم. فرشته خداوند فقط در خواب به یوسف ظاهر می شود. چنین ظهوری بارها در عهد عتیق مشاهده می شود. - خواب ابی ملک. خدا به او می گوید که به زن ابراهیم نزدیک شود که او را مانند خواهر خود معرفی کرده بود (پید ۳:۲۰).

- رؤیای یعقوب در لحظه ای که او همراه پسرانش آماده رفتن به اسرائیل است برای ملحق شدن به یوسف. در یک رؤیای شبانه خداوند خطاب به اسرائیل می گوید: «ای یعقوب، ای یعقوب» گفت: لبیک. گفت: «من هستم الله، خدای پدرت، از فرود آمدن به مصر نترس، زیرا در آنجا امتی عظیم از تو به وجود خواهم آورد، من با تو به مصر خواهم آمد و من نیز تو را از آنجا البته باز خواهم آورد» (پید ۴۶:۲-۴).

- رؤیاهای شبانه سموئیل کوچک در هیکل وقتی که خداوند او را به خدمت خود فرا می خواند، (۱- سمو ۳:۱۵). در بعضی از متون مقدس، خداوند می تواند با موجود بشری از طریق خواب ارتباط برقرار کند. با چنین روشی خدا ضمن نگه داشتن اسرار خود با بشر صحبت می کند و بشر نیز می تواند او را بدون اینکه در روشنایی نورش بسوزد، ملاقات کند.

فرشته پیام آور

انجیل متی و لوقا علی رغم تضاد ظاهری اشان هر دو واقعه مشابهی را روایت می کنند: روایت نجات انسان توسط خدا. هر دو به دنبال پاسخی برای یک سؤال مشترک هستند: «عیسی کیست؟» هر دو نویسنده مطابق دوران خود می نویسند و از ابتدای روایت خود، به دنبال این هستند که از زندگی قهرمان روایتشان، یک دید کلی به خواننده خود بدهند. لوقا و متی، هر کدام به روش خود، کلیدهایی برای درک زندگی عیسی به ما می دهند. کسی که همان نجات دهنده اسرائیل و نجات دهنده تمام مردم است. فرشته انجیل لوقا، مژده تولد نجات دهنده ای را در شهر داود می دهد. فرشته انجیل متی، مژده تولد کودکی را می دهد که نامش عیسی است و اوست که انسان ها را از گناهانشان نجات می دهد.

لشکر آسمانی (فرشتگان)

نویسندگان کتب مقدس خدا را
به مانند پادشاهی که توسط لشکر و درباریان احاطه شده است
معرفی می کند.

نویسندگان اناجیل برای ابراز ایمان خود با دستی باز از کلمات تصاویر ذهنی کتاب مقدس
اقتباس کرده اند. لشکر آسمانی عبارتی است که در تمام بخش های کتاب مقدس عبرانی یافت
می شود.



فرشته ای آدم و حوا را بعد از ارتکاب گناه از بهشت اخراج می کند (پید ۳: ۲۰-۲۴).

يك فضای شلوغ آسمانی

پیشینیان زمین را به مانند سطحی معرفی می کردند که توسط آسمانی ها حکومت می شده است
هم چنان که می گوید: آسمانی ها بسیار زیاد بودند، در آسمان، خورشید، ماه و ستارگان که قابل رؤیت
هستند و حرکت می کنند، وجود دارند. ولی هم چنین حقایق غیرقابل رؤیت دیگری نیز وجود دارند،
مانند نیروهای حاکم موجود در طبیعت که در سرنوشت بشر دخالت می کنند. باید از حمایت آنها
مطمئن شد. در سرزمین کنعان آنها را بعل می نامند. آنها نامی خاص دارند و هدف نیایش هستند.

عبادت می محکوم شده

یهودیان در طول تاریخشان اغلب با عبادت بعل و ستارگان در وسوسه بودند. کتاب تثنیه در این مورد قانون می گذارد:

«مبادا چشمان خود را به سوی آسمان بلند کنی و آفتاب و ماه و ستارگان و جمیع جنود آسمان را دیده، فریفته شوی و آنها را سجده کنی (تث ۱۹:۴).

پیامبران سرزنش می کنند که:

«تمامی اوامر یهوه خدای خود را ترک کرده و بت های ریخته شده یعنی دو گوساله برای خود ساختند و اشیره را ساخته و تمامی لشکر آسمان سجده کردند و بعل را عبادت نمودند (۲- پاد ۱۶:۱۷).

پادشاه حلقیا با توانایی وساطت می کند:

«بت ها را که پادشاهان یهودا تعیین نموده بودند تا در مکان های بلند شهرهای یهودا و نواحی اورشلیم بخور بسوزانند و آنانی را که برای بعل و آفتاب و ماه و بروج و تمامی لشکر آسمان بخور می سوزانیدند، معزول کرد (از بین برد). (۲- پاد ۵:۲۳).

دربار خدا

نویسندگان کتب مقدس هنگامی که امکان اشتباه برداشت کردن وجود نداشته باشد، از اصطلاح لشکر آسمانی برای اشاره به مقدسین الهی بهره می گیرند. برای بیان عظمت خدا، او را مانند پادشاهی که در نهایت شکوه و جلال خود توسط دربار عظیمش و لشکر با ابهت اش احاطه شده اراده خویش را در زمین و آسمان به انجام می رساند، معرفی می کنند. در یک متن قدیمی یوشع سردار این لشکر را ملاقات می کند:

«و واقع شد چون یوشع نزد اریحا بود که چشمان خود را بالا انداخته،

دید که اینک مردی با شمشیر برهنه در دست خود پیش وی ایستاده بود و یوشع نزد وی آمده به او گفت:

آیا تو از ما هستی یا از دشمنان ما؟

«گفت: نه، بلکه من سردار لشکر خداوند هستم که الان آمدم پس یوشع روی به زمین افتاده و سجده کرده و به وی گفت:

آقایم به بنده خود چه می گوید؟

سردار لشکر خداوند به یوشع گفت:
 «نعلین خود را از پایت بیرون کن زیرا جایی که تو ایستاده‌ای مقدس است»
 و یوشع چنین کرد (یوشع ۵: ۱۳-۱۵).

دلایل متعددی وجود دارد که بتوان گفت خداوند همراه قومش است و در تاریخ قوم خود مداخله می‌کند. با وجود این یکی از روش‌های متداول، مهم جلو دادن امتیاز صلح جو و صلح طلب بودن این لشکر است. نقش اصلی این لشکر، فراهم کردن گروهی برای نیایش آسمانی است.

- خداوند تخت خود را بر آسمان‌ها استوار نموده
 و سلطنت او بر همه مسلط است
 خداوند را متبارک خوانید ای فرشتگان او
 که در قوت زور آورید و کلام او را به جا می‌آورید
 و آواز کلام او را گوش می‌گیرید!
 ای جمیع لشکرهای او خداوند را متبارک خوانید!
 و ای خادمان او که اراده او را بجا می‌آورید!
 ای همه کارهای خداوند او را متبارک خوانید!
 در همه مکان‌های سلطنت او.
 ای جان من خداوند را متبارک بخوان! (مز ۱۰۳: ۱۹-۲۲).

- هلولیاه!
 خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید!
 در اعلی علین او را تسبیح بخوانید!
 ای همه فرشتگانش او را تسبیح بخوانید.
 ای همه لشکرهای او، او را تسبیح بخوانید.
 ای آفتاب و ماه او را تسبیح بخوانید.
 ای همه ستارگان نور او را تسبیح بخوانید.
 ای فلک الافلاک او را تسبیح بخوانید
 و ای آبهایی که فوق آسمان‌ها بید نام خداوند را تسبیح بخوانید
 زیرا که او امر فرمود پس آفریده شدند» (مز ۱۴۸: ۵-۱).

در اینجا خطر اشتباه وجود ندارد. الوهیتی وجود ندارد که بتوان آن را با خدای آسمان اشتباه گرفت. تمام آنچه که در دنیا، روی زمین و آسمان وجود دارد، مخلوق خداست.

شرکای حکومت خدا

در سایر کتب مقدس، می‌توان ایده‌ها و تصاویر ذهنی مشترکی در مورد لشکر آسمانی یافت. در کتاب ایوب: ما می‌یابیم که پسران خدا را که در حضور خداوند حاضر می‌شوند. در میان آنها رقیب

وجود دارد. که خدا به صدای او گوش می دهد (ایوب ۱). در همین کتاب پسران خدا با ستاره های صبح شریک می شوند تا شکوه خداوند خالق را بسرایند.

«پایه هایش بر چه چیز گذاشته شد؟ و کیست که سنگ زاویه اش را نهاد هنگامی که ستارگان صبح با هم ترنم نمودند و جمیع پسران خدا آواز شادمانی دادند؟ (ایوب ۳۸: ۶-۷).

در نهایت، چگونه می توان مأموریت اشعیا را به یاد نیاورد که همراه کروبیان آواز می سرایند: «قدوس، قدوس، قدوس یهوه صبايوت، تمامی زمین از جلال او مملو است» (اش ۴: ۶). هم چنین مکاشفه حزقیال نبی را.

تمام این متن ها به شیوه خود عظمت و زیبایی خداوند را بیان می کنند. در لفاف شکل شاعرانه، به کسی اشاره می کنند که بی نهایت فراتر از ماست، کسی که غیر قابل توصیف است ولی با این وجود با انسان ها ارتباط برقرار می کند. لوقا با آشکار کردن لشکر آسمانی به ما می گوید که آسمان ها باز است و زمین و آسمان متحد شده اند و ما دعوت شده ایم به شریک شدن در عبادت خداوند امروز و فردا.



رؤیای یعقوب

میناتور کتاب نیایش پادشاه لوئیس، قرن ۱۳

فرشته خداوند

فرشته خداوند در تعداد زیادی از متون عهد عتیق کتاب مقدس هم وجود دارند همان طور که در عهد جدید نیز وجود دارند او بیشتر از سایر فرشتگان نزدیک تر به خدا هست و اغلب اوقات با او یکی می شوند.

فرشته خداوند در تعداد زیادی از کتب مقدس، به ویژه در عهد عتیق و اساساً در روایات به تصویر در آمده است. در مزامیر بسیار کم حضور دارد و کتب حکمت اصلاً هیچ توجهی به فرشته نمی کند. فرشته خداوند یک نام خاص نیست ولی نقشی را داراست. نقش اصلی آن محکم کردن ارتباط میان خداوند و شخصیت های اصلی داستان مقدس است.

فرشته نجات او

هنگامی که نظری به کتاب مقدس می اندازیم برای مشاهده ظهورهای فرشته خداوند از گوناگونی و شهرت افرادی که فرشته به آنها ظاهر شده متعجب می شویم. فرشته برای بار نخست در زمان ابراهیم ظاهر می شود. فرشته دوبار به نفع هاجر، کنیز سارا، و برای دفاع از او در برابر خشم سارا وساطت می کند. ولی ظهور مهم تر او، ظهورش در صحنه معروف قربانی اسحاق است (پید ۲۲). فرشته خداوند نزد ابراهیم که آماده قربانی کردن پسرش است، می آید تا او را از این کار باز دارد. کار مشکلی است که در این روایت میان فرشته خداوند و خود خداوند تفاوت را تشخیص دهیم.

در کتاب خروج فرشته خداوند به موسی ظاهر می شود:
 - فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته ای بر وی ظاهر شد
 و چون او نگرست، اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی شود
 و موسی گفت: «اکنون بدان طرف شوم،
 و این امر غریب را ببینم که بوته چرا نمی سوزد»
 و چون خداوند دید که برای دیدن مایل بدان سو می شود،
 خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت:
 «ای موسی!» گفت: «لیک». (پید ۳: ۲-۴).

ما باردیگر فرشته خداوند را در واقعه جالب بلعام و الاغش مشاهده می کنیم. الاغی که از اربابش هوشمندتر است. فرشته او را در راه می بیند (اعداد ۲۲) و از او اطاعت می کند، در حالی که صاحبش قصد دارد اسرائیل را لعنت کند.

در کتاب داوودان فرشته به دفعات برای دادن کلام به انسان ها مداخله می کند. مانند جدعون یکی از انبیای بنی اسرائیل (داور ۶). فرشته در سرود مذهبی دبوره نیز دیده می شود (داور ۵: ۲۳). او همچنین مژده تولد شمشون را می دهد (داور ۱۳).

فرشته نزد ایلینیز می آید تا در مقابل ایزابل از او حمایت کند و به او آذوقه می دهد برای اینکه بتواند ۴۰ روز تا کوه خداوند، حوریب، برود (۱- پاد ۷:۱۹). در کتاب دانیال او نزد پیامبر در کوه نازل می شود (دان ۳:۴۹ یونانی). در حمایتش از پاکدامنی سوسن، دانیال فرشته خداوند را مانند یک دادگستر (حامی ضعفا) معرفی می کند که شمشیرش را برای به دو نیم کردن شاهدان دروغین بیرون می کشد (دان ۱۳:۵۵ و ۵۹، متن یونانی).

فرشته ویرانگر

در برخی از متون، فرشته خداوند یک جنگجوی هولناک است. در هنگام حکومت اورشلیم فرشته خداوند با توانایی تمام بر ضد سنجاریب مداخله می کند و صد و هشتاد و پنج هزار نفر از لشکریان او را می کشد. سنجاریب فوراً فرار می کند و به شهر خود نینوا برمی گردد. تاریخ نویسان، مانند هرودوت، می گویند که علت شکست لشکر آشور، وجود موش های ناقل طاعون بود. احتمال دارد رویدادهایی اتفاق افتاده باشد ولی چنین رویدادی برای اسرائیل رخ نداده است (۲- پاد ۳۵:۱۹؛ اش ۳۶:۳۷). در این رویدادها دست خداوند دیده می شود که توسط فرشته اش مبارزه می کند. فرشته هم چنین می تواند قوم را تحت تأثیر خودش قرار دهد. مانند زمان سرشماری که توسط داود دستور داده شده، کتاب تواریخ از فرشته ویرانگری صحبت می کند که در تمام کشور بیداد می کرد (۱- توا ۲۱).

سخنی در مورد خداوند

این روایات چگونه درک می شوند؟ مسلماً آنها به دنبال بازگو کردن رویدادهای دقیق در جریان تاریخی شان نیستند. راویان کتاب مقدس نمی خواهند در سطح ظاهر رویدادها باقی بمانند بلکه آنها به دنبال استخراج مفهوم هستند. ممکن است موش ها باعث فرار سنجاریب شده بودند ولی این توجیه نهایی نیست. بنی اسرائیل در این رویدادها دست خدا را می بیند. خداوند با قومش عهد می بندد و وقتی زندگی قومش در خطر است دخالت می کند.

در عین حال توصیف روایت به این صورت خطری در پی دارد. برخی الهی دانان اسرائیل متوجه شده اند که در دسترس قرار دادن عظمت خداوند ریسک کردن است. شایسته نیست که خداوند را مانند یک جنگجوی وحشی که تشنه خون است معرفی کنیم. به او ویژگی های بیشتر شبیه به بشر نسبت می دهند صحبت کردن از فرشته خداوند یکی از روش های حفظ کردن عظمت خداست. این نکته برای تمام متون بالا قابل قبول است. ولی راوی توسط فرشته خداوند از خود خداوند صحبت می کند به خاطر این است که او در تمام دنیا عمل می کند. فرشته خداوند نمونه ای از ظاهر قابل رؤیت خداوند غیرقابل رؤیت است.

ناپدید شدن فرشته خداوند

در عهد جدید تصویر فرشته خداوند به تدریج محو می شود. به استثنای روایات کودکی عیسی همه چیز از خاطرات عهد عتیق احاطه شده است، ما باز هم رؤیای فرشته خداوند را در بخش اول کتاب اعمال رسولان مشاهده می کنیم، قسمتی که در بین یهودیان اتفاق می افتد. در لحظه ای که پولس وارد صحنه می شود و خبر خوش به مشرکین داده می شود دیگر جایی برای نشان دادن فرشته خداوند وجود ندارد. این زبان دیگر قابل درک نیست.

اجتماع مسیحیان روش خوبی برای صحبت از راز خدا پیدا کرده اند. راز در عین حال هم خارق العاده و هم نزدیک به بشر است. آنها دیگر از ظهور زودگذر و ناپایدار فرشته خداوند در داستان بشریت صحبت نمی کنند بلکه از کلمه خدا که آمد تا در بین ما زیست کند.

فرشتگان مقرب جبرائیل، میکائیل و رافائیل

داشتن نام یک نفر درجه مقدماتی شناخت اوست
آیا می توانیم بگوییم که فرشته ها را می شناسیم؟
کتاب مقدس تنها نام سه تا از این فرشته ها را ذکر کرده است.
که فرشتگان مقرب هستند.

- اگر از یک مسیحی بخواهیم فرشته ای را نام ببرد، او بی اختیار ابتدا نام جبرائیل را ذکر می کند چون او مشهورترین است، جبرائیل است که در انجیل ظاهر می گردد و در روایات محبوب کودکی عیسی نیز یافت می شود اما با این وجود از موجودی که معمولاً کتاب مقدس ذکر می کند دور است که بر اساس آن بتوانیم اطلاعات بیشتری به دست آوریم.

میکائیل

در عهد عتیق نام میشل یا میکائیل فقط در کتاب دانیال ظاهر می شود. میشل یعنی: «کسی که شبیه خداست». در آخر کلمه نام الهی (الله) را می یابیم که در پایان بسیاری از نام های کتاب مقدس وجود دارد. این یک یادآوری خوب ایست که در آن اثری از نام الله را حفظ کنیم. از سوی دیگر می دانیم که یک نام در کتاب مقدس، شخصیت مشخص و نقش او را در زندگی توضیح می دهد. میشل یک استثناء نیست. در اولین اشاره به او، در کتاب دانیال، باب ۱۰ آیه ۱۳، او همانند «یکی از رؤسای ردیف اول» معرفی می شود. کمی بعد در این همین باب در آیه ۲۱: فرد اسرار آمیزی که با دانیال صحبت می کند او (میکائیل) را «رئیس شما» می نامد. از آنجایی که این کلام مربوط به وحی الهی



میکائیل فرشته ای که مدافع قوم برگزیده بود

است، متوجه می شویم که میکائیل رئیس ردیف اول در دربار خداوند است. زبان این متن شرقی و شاهانه است. و هم چنین متوجه می شویم که او رئیس خاص ملت دانیال و بنابراین قوم اسرائیل است. در زمان عذاب مصیبت بار که دانیال از آن به صورت رمز صحبت می کند، میکائیل نماد راستی و تنها قدرت توانا در حمایت از قوم خداست. او بر ضد رؤسای زمینی که قوم را هدف قرار می دادند به یاری قوم می آید. نام «کسی که مانند خداست»، خداوند یکتا را به یاد می آورد که قومی وفادار است. او مانند خداوند نزد پسران قوم که هم چنین ملت دانیال هستند حضور دارد. (دان ۱۲: ۱).

در عهد جدید

در دو قسمت از عهد جدید، دوباره به میکائیل اشاره می شود. مکاشفه از میکائیل صحبت می کند، در جایی که جنگی در آسمان رخ می دهد. مانند کتاب دانیال، این جنگ رویدادهای زمین را نشان می دهد که نمی توان با عبارات روشنی آن را بیان نمود، میکائیل و فرشتگانش بر ضد اژدها می جنگند که مسلماً به روی زمین می افتد (مکا ۷: ۱۲-۸).

این جنگ به بسیاری از مسیحیان الهام بخشیده و از همه قسمت های آن تصویر اطمینان بخش دیده می شود. متن دیگری که زیاد معروف نیست رساله یهودا می باشد که توضیح می دهد که میکائیل یکی از ملائک مقرب است و او را به خاطر احترامش مثال می زند حتی در برابر شیطان، چون او قضاوت را بر عهده خداوند گذاشت (یهودا ۹: ۱).

رافائیل

رافائیل تنها با کتاب طوبیاس برای ما شناخته شده است ولی نقش او در این روایت بسیار بزرگ است. نامش ۱۴ بار ذکر شده، البته به جز مواقعی که نامش آزَمیا به مفهوم نام یک مرد ذکر شده است. کلمه رافائیل به مفهوم (خدا شفا می دهد) است. و این نام تمام داستان کتاب طوبیاس را

خلاصه می‌کند. رافائیل در پاسخ به دعای دو وفادار از دو کشور مختلف به خداوند که به طور ناعادلانه بیمار شده‌اند روی زمین فرستاده می‌شود.

یکی از هفت فرشته

طوبیاس، نمونه‌ای از یک دادگر ناخوش احوال است. او همیشه دارایی‌اش را با فقرا تقسیم کرده و در حالی که تابیتا شده بود خطر دفن کردن محترمانهٔ مرده‌های قوم خویش را که در تبعید به سر می‌بردند، به جان می‌خریده است. سارا، دختری که هفت بار ازدواج کرده ولی هر بار شوهر قبل از اینکه به او نزدیک شود، می‌میرد. سارا و طوبیاس مورد تمسخر اطرافیان خود قرار می‌گیرند و به سوی خداوند باز می‌گردند. دعای آنها در حضور خدا شنیده می‌شود. رافائیل به مانند نشانه‌ای فرستاده شده تا دعای آنها اجابت شود. او با طوبیاس تنها پسر طوبیت برای سفر به سرزمین ماد همراه می‌شود. او با امیدواری و با موفقیت این سفر آخرتی را به انجام رساند. به لطف او مسیر درست بود و هدف به آسانی به دست آمد. او قلب و کبد و زردآب ماهی خطرناک را به دارویی تبدیل می‌کند که می‌سوزد و دود آن شیطان را که نامزدهای سارا را به کام مرگ می‌کشانید، متواری می‌گرداند. کینه به خدمت در می‌آید تا شفای چشمان طوبیاس باشد. رافائیل پولی را که توسط طوبیاس نزد یکی از برادران جبعیل به ودیعه گذاشته شده است، پس می‌گیرد. طوبیاس با سارا ازدواج می‌کند. بازگشت بدون هیچ ماجرای انجام می‌شود. مانند یک داستان همه چیز به خوبی تمام می‌شود. در لحظه‌ای که او حقوقش را دریافت می‌کند رافائیل چهره از راز خود برمی‌دارد و خود را معرفی می‌کند: «من رافائیل هستم، یکی از هفت فرشته‌ای که در برابر شکوه خدا خود را حفظ می‌کند و در حضور او وارد می‌شو». سنت و متون جعلی از او یک ملک مقرب می‌سازند. در ایمان مردمی، او به نوعی فرشته نگهبان تبدیل شده است که هدایت می‌کند، راهنمایی می‌کند، خطر را دور می‌گرداند و تمامی دردهای زندگی را شفا می‌بخشد و خوشبختی را پاس می‌دارد.

جبرائیل

اولین بار در کتاب دانیال نبی از جبرائیل نام برده می‌شود، مانند «میکائیل»، او تحت عنوان «مرد خدا» یا «خدا خود را قوی‌تر نشان داده» ظاهر می‌شود. او را در نقش یک مجری در دو قسمت از کتاب دانیال می‌یابیم. هر بار، دانیال در مقابل یک راز (معما) ناخوشایند قرار دارد. ابتدا رؤیای عجیب قوچ و بز است که بر او ظاهر می‌شود و دگرگونی‌هایی که عقل سلیم او را قادر به انجام آنها، نمی‌داند (دان ۸). دانیال در جستجوی درک رؤیاست. اکنون او می‌گوید: «شبییه مردی نزد من ایستاد» صدائی ندا کرده گفت: «ای جبرائیل این مرد را از معنی این رؤیا مطلع ساز». و جبرائیل رخدادی که قبل از رسیدن زمان آخر باید اتفاق بیافتد را توضیح می‌دهد. دومین وساطت جبرائیل مانند همین دستور است. دانیال، مأیوسانه در مورد کلام ارمیا که مربوط می‌شود به هفتاد سالی که

خرابی اورشلیم طول کشید و بندگی اسرائیل، از جبرائیل سؤال می کند (ار ۲۵: ۱۱-۱۲). او دعا می کند، در حالی که به گناهان خود و قومش اعتراف کرده و به خاطر «کوه مقدس خداوند» استغاثه می کند.

بار دیگر جبرائیل برای آگاه کردن او می آید. این وحی، وحی است در مورد هفتاد سالی که قبل از پایان دنیا جریان دارد. وحی با یک ابهام بزرگ که به خوبی به تصورات نسبت داده است، پایان می یابد.

لوقا در مژده تولد یحیی تعمید دهنده و عیسی، جایی که از جبرائیل صحبت می کند او را بیشتر مانند یک پیام آور معرفی می کند تا یک اجرا کننده. این صورت پیام آور است که مسیحیان به یاد می آورند. ولی لوقا ظاهراً متون دانیال را می شناسد و برحسب اتفاق نیست که او جبرائیل فرشته را در روایت خویش دخالت می دهد.

فرشتگان مقرب

کلمه ملک مقرب به سه دسته فرشتگان اطلاق می شود. میکائیل در رساله یهودا سر دسته فرشتگان و در متون دیگر کتاب مقدس پادشاه خوانده می شود. ملک مقرب در صحنه داوری الهی، در مبارزه هایی که عادلان بر علیه کافران انجام می دهند، به یاری عادلان می آید و در برقراری دوباره خوشبختی بعد از بدبختی، رستخیز مردگان و هنگام آمدن عیسی به عنوان نجات دهنده ظاهر می شود.

در میان دسته های مختلف فرشتگان، تنها آنها نام های مخصوص دارند. کتاب مقدس سه تا از آنها را می شناسد: میکائیل، رافائیل، جبرائیل. متون دیگر از سنت یهودی، مانند کتاب خنوخ، و چهارمین کتاب عزرا. آنها را چهار، شش یا هفت نفر می نامد. می دانیم که عدد هفت عددی نمادین است. علاوه بر میکائیل، رافائیل و جبرائیل در متون دیگر که جزء متون کتاب مقدس نیستند، و در لیست های گوناگون، نام های فنوئیل، اوریل، سلاطیل، رگائیل، سرئیل، بارشیل، ژادیل یافت می شوند. تمام این نام ها به الله برمی گردند. به عبارت دیگر یک ملک مقرب به گونه ای نائب خداوند است.

جالب توجه می باشد که در متون عهد عتیق، ملائک مقرب و همچنین فرشتگان در مواقع سختی و مشکلات دخالت می کنند، و امروزه نیز ظاهراً چنین حالتی نیز مشاهده می شود، بدین معنی که زمانی که خدا ظاهراً دور از زندگی شده است. به فرشتگان احتیاج داریم تا ترس و واهمه را از خود دور نماییم.

جبرائیل فرشته کلام خداوند

قرائتی از کتاب دانیال ۹: ۲۰-۲۵

«و چون من هنوز سخن می گفتم و دعا می نمودم
و به گناهان خود و گناهان قوم خویش، اسرائیل، اعتراف می کردم
و تضرعات خود را برای کوه مقدس خدایم
به حضور یهوه خدای خویش معروض می داشتم»

کسی که صحبت می کند دانیال است. او متحمل رنجی بزرگ است، در برابر موقعیت کشورش که در آن یک فرمانروای بیگانه می خواهد به زور قوانین و پرستش آنچه را که برخلاف خداست تحمیل کند. او در تلاش به منظور درک اتفاقات و کسب امید، به متنی از کتاب ارمیا رجوع می کند که گناه خود و قومش و دور شدن از خدا را افشاء می کند، که اینها دلیل بدبختی حاضر است. او گناه خود و قومش را در حضور خدا به یاد می آورد و درخواست بخشش کرده التماس می کند تا معبد «کوه مقدس» به مقصد اولیه خود تبدیل شود.

«چون هنوز در دعا متکلم می بودم
آن مرد جبرائیل که او را در رؤیای اول دیده بودم
به سرعت پرواز نموده به وقت هدیه شام نزد من رسید».

در قسمت قبلی، جبرائیل مانند «یک صورت انسانی» توصیف شده. در اینجا سؤال «این انسان» مد نظر است ولی بلافاصله بعد، کلمه «با یک پرواز سریع» نشان می دهد که موضوع در مورد یک انسان معمولی نیست. ما می بینیم که نویسنده کتاب برای بیان صحبتش تحت فشار است و او برای دوری کردن از اشتباهات در مورد شخصیت وی، احتیاط می کند. دو مفهوم با معنایان می شود: جبرائیل «نزدیک می شود» به دانیال که در حال دعاست و از طرف دیگر ساعت عبادی معبد بوده است و ساعتی که در آن هر روزه بره ای به یاد اولین عید گذر تقدیم می گردد.

«مرا اعلام نمود و با من متکلم شده گفت:
ای دانیال الان من بیرون آمده ام
تا تو را فطانت و فهم بخشم
و در ابتدای تضرعات تو امر صادر گردید
و من آمدم تا تو را خبر دهم
زیرا که تو بسیار محبوب هستی
پس در این کلام تأمل کن و رؤیا را فهم نما».

جبرائیل از جایی دیگر می آید او بیرون آمده. مکانی که او از آنجا آمده مشخص نیست ولی مسلماً مربوط به دنیای الهی است. او آمده تا به دانیال که در حال دعاست بگوید که دعایش مستجاب شده. هم چنین او باید بداند که این رسالت جبرائیل است که او را مطلع سازد و برای اینکه خبر

بیهوده نباشد، جبرائیل وظیفه «فطانت و فهم بخشیدن» را به بشر و در حال حاضر به دانیال، بر عهده می گیرد. این امتیاز از لیاقت های دانیال ناشی نمی شود بلکه به خاطر این است که «او انسان محبوب» در نزد خداست.

«هفتاد هفته برای قوم تو و برای شهر مقدست مقرر می باشد
تا تقصیرهای آنها تمام شود و گناهان آنها به انجام رسد
و کفار به جهت عصیان کرده شود
و عدالت جاودانی آورده شود
و رؤیا و نبوت مختوم گردد
و قدس الاقداس مسح شود، پس بدان و بفهم».

کلام ارمیا ۲۵: ۱۱-۱۴ که بر اساس آن دانیال بحث اش را انجام می دهد، عددی را مطرح می کند برای «سال هایی که باید اورشلیم متحمل ویرانی شود، هفتاد سال». دانیال سؤال مطرح نمی کند چون کاملاً واضح است که هفتاد سال عددی نمادین است. هفتاد سال امتیازی نیست که از متن گرفته شده باشد. هفت به مفهوم تکمیل و کمال است و هفته مجموع زمان آنچه که بالاخره دوباره شروع می شود. این نماد بی شک از سال قمری گرفته شده است. در کتاب مقدس، هفت مرتبه هفت سال زمانی است در مفهومی که معروف است به سال شادی. پنجاهمین سال بنابراین زمانی است که در آن به دلیل محبت خدا، زندانی، برده و مقروض تبرئه می شود. ده هم چنین «ده» نماد مجموع و معمولاً مجموع حرکتی است. ۷۰ سال یا ۴۸۰ نشانگر یک دوره دآوری کامل و کافی توسط خداوند است. در پایان، دردها خواهد رسید، نابودی قدرت های بد و پیروزی بر بت پرستی. مقدس ترین مقدسات، معبد، از وجود بت ها پاک خواهد شد و به خدمت خداوند در خواهد آمد.



شمایل ارمنی سه جوان در کوره آتش. حمایت فرشته (دان ۳: ۲۴-۲۵)

این عبارت از لحاظ تاریخی، تصرف دوباره و پاکی معبد اورشلیم را در ۱۶۴ سال قبل از میلاد مسیح مد نظر دارد. به طور گسترده تر، در اینجا خبری یافت می شود که هیچ غم و غصه ای پایدار نیست و خداوند حاکم بر زمان است: این اساس امیدواری است.

جبرائیل به طور رسمی فرستاده شده تا این پیام را برای دانیال و برادرانش که در بدبختی هستند بیاورد. او یک قلب آماده می یابد، قلبی که آماده است تا او را آگاه سازد و او نیز قادر به درک آن است.

از زمان صدور فرمان به جهت تعمیر نمودن و بنا کردن اورشلیم تا (ظهور) مسیح پادشاه، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود.

رواج فرشتگان

فرشتگان و اهریمنان شاید از زمان به وجود آمدن کتاب مقدس وجود داشتند ولی نویسندگان یهودی با یک تداوم مشترک به آنها نپرداخته اند. در نهایت، تاریخ نویس رواج آنها در دنیای یهود در سه قرن قبل از میلاد مسیح را اعلام می کند.

در کتب مقدسی که قبل از تبعید نوشته شده، فرشتگان جای کمی را به خود اختصاص داده اند. در این جا بیشتر حضور فرعی فرشته خداوند مشاهده می شود. بعد از بازگشت از تبعید، مفهوم کاربرد فرشته ها نزد یهودیان عوض شد. سادگی دوران انبیاء دیگر رواج نداشت. برتری مسلم فرشته یهود نیز تمام شده بود. دید یهودیان تغییر یافته و دنیای ذهن آنها از فرشتگان و اهریمنان پر شده بود. بیشتر نویسندگان کتب مقدس در یک بعد محدود به دخالت فرشته در زندگی بشر متوسل می شدند. چهره های مشهوری که کلام خدا را برای مردم می آوردند پیامبران بودند. هنگامی که اهمیت کلام خدا روی وظیفه ای که بر عهده گرفته شده، توسط انسان هایی با امیدواری، شجاعت و آگاهی از تمام آنچه که شرایط انسانی اجازه انجام آن را می دهد، متمرکز می شود، احتیاجی به فرشته ها نیست. این انسان ها پیام خدا را با اعمالشان مطرح می کنند. ولی بر اساس کلام کتاب مقدس، بعد از تبعید، پیامبران کشته شدند، مانند شعله ای که دیگر روشن نیست.

مبارزه جهانی مابین فرشته ها و شیاطین:

در حدود قرن ۳ یا ۴ قبل از عیسی مسیح، یهودیان با ایمان به فرشتگان از تبعید در بابل بازگشتند. دنیای مذهبی بابلی ها سرشار از چهره های فرشتگان گوناگون شد. هفت فرشته در کتاب طویاس (۱۵:۱۲) که بار دیگر در کتاب مکاشفه (۲:۸) به آنها توجه شده، که معادل خودشان را در دنیای مذهبی پارسیان دارا هستند.

این فرشته ها فقط در کتب مقدس حضور ندارند، بلکه حتی بیشتر در ادبیاتی حضور دارند که مربوط به شریعت نیست و ربی ها آن را رد می کنند، و نیز در متونی که جعلی نامیده می شوند. به ویژه در کپی از این شاخه ها جریان مکاشفه و فرشته ها و شیاطین متعلق به سیستم آنهاست که بر اساس سلسله مراتب بازسازی شده بر اساس نقشی مشخص (مخصوصاً در کتاب خنوخ) آنها معمولاً در جنگ های کیهانی رو در رو می شوند، با این تصور که آنها در فرهنگ پارسیان حضور دارند، جایی که در آن در موضوعات مربوط به دین مانی در دو جنبه گسترش پیدا کرده اند، جنبه نیکی از یک طرف و جنبه بدی و شر از طرف دیگر. می توان گفت که آنها در خدمت معرفی دوگانه ای از دنیا هستند، دنیایی که توسط نیروهای خوب حمایت می شود و دنیایی که توسط نیروهای شر حمایت می شود. هم چنین خاطره این مبارزه را در کتاب زکریا می یابیم، جایی که فرشته خداوند در مقابل شیطان قرار می گیرد: «یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته خداوند ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاده بود تا با او مخاصمه نماید» (زک ۳:۱).



نقاشی روی گنبد کلیسای ناصره، قرن ۲۰
پذیرائی ابراهیم از سه فرشته که نشانگر راز سه گانه مقدس می باشد.

خدای یکتا خالق بدی نیست

هرچند یهودیان با بدبختی‌های تبعید و مشکلات بازسازی، بیش از شدت و ثبات و دوام بدی آگاه شدند اما آنها بی اختیار قسمت‌هایی را که مخالف عقاید پارسیان بود پذیرفتند. اسرائیل، سرزمین خداوند، نمی‌توانست قبول کند که دنیا میان خدای نیکی و بدی به دو نیم شده که هر کدام دارای لشگری از فرشته‌های خوب و بد هستند. این طرز فکر واقعاً غیرقابل قبول بود. بنابراین اسرائیل با این سؤال مواجه می‌شود: چگونه می‌توان حقیقت وجود بدی را پذیرفت بدون آنکه خداوند یکتا را مسبب آن دانست؟

به تدریج در ذهن یهودیان جا افتاد که خداوند زمینه ظهور مسیح را آماده ساخت تا او بدی را بر روی دوش خود گیرد. چون خداوند نتوانست موجود دیگری را بدین منظور بپذیرد. برای همین است که فرشتگان اهریمنی در کتاب مقدس تنها قسمتی ناچیز به خود اختصاص داده‌اند.

یک هویت مخدوش

برای درک بهتر این ازدیاد فرشته‌ها، نگاهی به جامعه یهودی این دوران بسیار توضیح دهنده است. زمان مشکلات است. تمام تصاویر هویتی یهودیان مخدوش گردیده است. در مراجعت از تبعید، پراکندگی که تمام فرزندان اسرائیل را تحت تأثیر قرار داده مد نظر قرار گرفت. درک غلط، هم میان کسانی که در سرزمین باقی مانده‌اند و هم کسانی که از تبعید برمی‌گشتند جای گرفت.

معمولاً واعظان و متبکران علی‌رغم آزمایشات و رنج‌ها در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. بعضی از خانواده‌ها در بابل ماندند و برخی دیگر به مصر رفتند. پراکندگی یهود به یک واقعیت تبدیل شد و هویت یهودیت را به مخاطره انداخت: ما چه کسانی هستیم اگر تنها یک سرزمین دیگر ما را در خود جای ندهد؟ از طرف دیگر، سرزمین اسرائیل از سال ۳۳۳ تا ۱۴۲ قبل از میلاد مسیح در دست یونانیان، جانشینان اسکندر، بود.

آنها با خود یک فرهنگ گمراه‌کننده برای یهودیان به ارمغان آوردند که موجب ایجاد دو دستگی در جامعه یهود شد. آیا آنها باید رسوم یونانیان را پیروی می‌کردند و یا آن را رد می‌کردند؟ تمام این اختلافات یک جو ناامنی بزرگی ایجاد کرد که در رفتارهای مذهبی نیز ظاهر شد.

درخواست کمک

هم چنین وقتی روند مسائل پیچیده می‌گردد درک کلام خداوند برای بسیاری مشکل می‌شود. تشخیص قدرت‌های مشکل ساز دشوار می‌شود. آنها کلام و اعمال را مختل می‌کنند، انسان‌ها سکوت می‌کنند، فرشتگان از راه می‌رسند. آیا باید به بیهودگی و عبث بودن وجود فرشتگان نظر داد؟ پاسخ ساده نیست. اما در اینجا دو موضوع مطرح می‌شود:

اناجیل کلید استفاده درست را به ما می‌دهند فرشتگان تنها یک مکان نسبی را در اناجیل کودکی و سپس در نزد مقبره خالی به خود اختصاص داده‌اند. آنها شاگردان عیسی را احاطه می‌کنند، زیرا

کلمات انجیل نویس برای آنکه آمدن خدا در دنیا و حضور ابدی او در رستاخیز را اعلام کنند، ضعیف هستند.

در درجه دوم، اگر انسان های قرون بعد از تبعید به فرشتگان و اهریمنان مراجعه می کنند، این بر اساس یک انتخاب سنجیده نیست. شاید این تنها صورت در دسترس است تا آنها بتوانند سراسیمگی خود را در برابر دنیایی که دیگر باورشان نمی کند، اعلام کنند. در اینجا در مورد این نکته با مطرح کردن سؤال زیر ریسک می کنیم: مراجعه بیش از حد به فرشتگان و اهریمنان آیا یک درخواست مساعدت نیست؟ روی هم رفته، هر چه قدر که تعداد فرشته ها بیشتر باشد، بیشتر و سریع تر به کمک انسان ها خواهند آمد.

می توان در کتاب مقدس انواع مختلف فرشتگان را که نقش های متفاوت دارند را تشخیص داد نمونه ای چند از این فرشته ها: (فرشتگان اصلی و فرشتگان فرعی).

فرشته یهوه: در برخی از متون، این اصطلاح به خود خداوند اشاره دارد و بدین منظور آورده شد که از به کار بردن نام خداوند جلوگیری کند (پید ۷:۱۶ و خروج ۲:۳ و در متون دیگر، فرشته خداوند مانند یک عمل کننده تصمیمات الهی ظاهر می شود (۱- پاد ۳۵:۱۹) کسی که او را به یک ویرانگر ربط می دهد (خروج ۲۳:۱۲؛ ۲- سمو ۱۶:۲۴؛ اع ۲۳:۱۲).

فرشتگان شبگرد: یا «فرشتگان نگهبان» همان طور که کتاب مزامیر توضیح می دهد نقش نگهداری از مردم را دارند «فرشتگان خود را درباره تو امر خواهد فرمود تا در تمامی راه های تو را حفظ نمایند» (مز ۹۱:۱۱؛ مت ۱۸:۱۰).

فرشتگان مفسر: به انسان ها مفهوم رؤیاهایشان را توضیح می دهند. آنها هم چنین در کتاب حزقیال (۳:۴۰) حضور دارند و به ویژه در کتاب دانیال در کنار جبرائیل حضور می یابند. (دان ۸:۱۶، ۹:۲۱، ۱۰:۵).

فرشتگان رستاخیز: در صبح رستاخیز، در مقابل مقبره خالی فرشتگان حضور دارند در انجیل لوقا (۴:۲۴) «دو مرد در لباس درخشنده» به زنان اعلام می کنند که عیسی زنده است. در متی ۵:۲۸: این خبر توسط فرشته خداوند تضمین شده است.

کروبیان: که تخت رحمت را با بال هایشان می پوشانند و محافظت می کنند (خروج ۱۰:۲۵؛ مز ۹۰:۲، ۹۹:۱)، آنها تابوت خدا را می گیرند (خروج ۲۵:۲۰). یا به او خدمت می کنند به عنوان یک مرکب (مز ۱۸:۱۱).

سرافین: یعنی «آتشینان» که قدوسیت خدا را می سرایند (اش ۳:۲-۳). پولس رسول دسته فرشتگان خداوند را چنین می داند: تخت ها، سلطنت ها، ریاسات و قوات» (کول ۱:۱۶).

در نهایت، از «فرشتگان شریر» صحبت می شود (شیاطین).



صعود عیسی مسیح

کتاب مقدس را با هم بخوانیم

مقدمه

در پایان این تابستان در حالی که باز هم لبریز از خاطرات خوش تعطیلات هستم درمی یابم که کتاب مقدس شبیه به یک کوه است. کسانی که برای گردش به کوهستان می روند تحت تأثیر زیبایی دره ها و قله های آن قرار می گیرند، آنها پیاده و یا با ماشین به گردش می پردازند، بعضی ها روزها به گردش می پردازند و افراد خیلی «مشتاق» خود را از صخره ها بالا می کشند، از قسمت های یخ زده، و صخره نوردی می کنند... هر کس کوهستان را به روش خود می بیند، به فراخور توانایی های خود، و همه از آن به نوعی لذت می برند و در مورد دریا هم همین را می گویم، روزهایی که در ساحل گردش می کنیم، ماهی گیریهای کوتاه مدت و «مشتاقان» قایق بادی سواری.

کتاب مقدس را به یک ماجرای داخلی حقیقی دعوت می کند و هرگز خواننده خود را بی تفاوت نمی گذارد، بلکه او را بر می انگیزد، مورد سؤال قرار می دهد، شکست می دهد و عوض می کند. به همین خاطر هم نوشته شده. اما این ماجرا در خلوت اتفاق نیفتاده مثلاً در کوهستان و یا دریا، تنهایی و انزوا چیز خوبی نیست چون به راحتی می توان در آن گم شد. این بحث در نظر دارد خوانندگان خود را تشویق به مطالعه کتاب مقدس و بحث با یکدیگر بنماید، یعنی ماجراهای کتاب مقدس را با دیگر ایمانداران در یک گروه کتاب مقدسی تجربه نمایند. گردش، راه پیمایی طولانی و یا کوه نوردی، اسمش هر چه می خواهد باشد. کتاب مقدس در میان قوم خدا، اسرائیل، و کلیسا نوشته شده، و برای این ساخته شده تا در میان قوم خدا خوانده شود، جایی که ما آن را دریافت کرده و در آن شریک شده ایم. برای این بازگشت و شروع توصیه هایی کاربردی تفکرانی در حد یک نظریه داریم سفر به خیر با یکدیگر.

چرا کتاب مقدس می خوانیم؟

چه رابطه ای بین ما و این کتاب های قدیمی وجود دارد که قدمت آنها به دو هزار سال می رسد و در تحت شرایطی که برای ما عجیب و ناشناخته است نوشته شده اند. ما در عصر هواپیما، تلویزیون و کامپیوتر زندگی می کنیم نه در عصر چادرنشینی. شرایط زندگی ما آنقدر متفاوت است که برای تجسم آن زمانها و برای آن که بتوانیم در مورد متون اظهار نظر بکنیم باید به ذهن خود فشار بیاوریم. مثلاً در درک مفهوم متون مزامیر، گاه لازم است ژیمناستیک فکری انجام دهیم تا بتوانیم توسط آنها دعا کنیم. آیا کتاب مقدس منحصر به عده ای خاص، داناتر، و مطلع تر در مورد تمدن گذشته می باشد؟ شورای واتیکان دوم بارها گفته: «باید دسترسی به مطالب کتب مقدسه را برای همه ایمانداران ممکن گردانید».

تاریخ و فرهنگ

برای ما جالب است بدانیم که نیاکانمان چگونه زندگی می کردند. تاریخ نویسان از قرن ها پیش از ماسه های مصر و بین النهرین بقایای درخشان تمدنی که امروزه ناپدید شده را جدا کرده اند. حالا همه می دانند که خاور نزدیک چهارراه فرهنگهای اعجاب آمیزی بوده. اشعار، امثال، داستانهای مربوط به جنگها به ما اطلاعاتی در مورد نحوه زندگی این افراد، علائق آنها، رنجها و امیدهای آنها می دهد. اما این دانش در موزه ها و کتابخانه ها باقی می ماند. آیا خود کتاب مقدس یک موزه نیست؟

نسب نامه ما در ایمان

نویسندگان متعددی که کتب کتاب مقدس را نوشته اند، درست مانند کاتبان بی شماری که از روی آنها نسخه برداری کرده، آنها را در اختیار دیگران گذارده اند، اشتیاق ما را برای تاریخ باستان نداشته اند، آن را خوب نمی شناختند و به خصوص مانند ما حس نمی کردند که دنیا خیلی زود عوض می شود و زندگی گذشته برای همیشه ناپدید می گردد. آنها علائق دیگری داشتند یعنی علائق ایمانی و اعتقادی. به همین خاطر هم به طور خستگی ناپذیر این متون قدیمی را می نوشتند و نسخه برداری می کردند تا ایمان نیاکانشان را زنده نگاه دارند، ایمانی که دلیل حیات ایشان بود. آنها نسب نامه ایمان خود را ترسیم کرده اند تا بگویند «خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب...».

آنچه خدا در گذشته انجام داده وعده ای است برای آنچه در آینده خواهد کرد. تعریف گذشته، بازنویسی آن، اعلام عمل خداست به قوم او و صدور نوری برای زمان حال، در ساعتهای دشوار. اسرائیل تاریخ خود را با خدا نوشته تا هویت خود را به عنوان قوم، قومی که توسط یک عهد از سایرین

جدا شده، باز یابد و آن را حفظ نماید. بارها بدون وقفه خواندن این تاریخ باعث شده تا بنی اسرائیل در آن قصه محبتی بیابد؛ او از طریق داستانها و بیان رخدادها درک نموده که خدا همیشه برای نجات دادن خویشانش قدرت عمل به خرج می دهد. او خدایی است مشتاق انسانها، خدایی نجات دهنده، که می خواهد حیات بخشد؛ امری که وقتی تمامی بدیهایی که زندگی بشر را مورد هجوم قرار می دهد از نظر می گذرانیم کمی مشکوک به نظر می رسد.

مبدأ عیسی

تمامی زندگی عیسی از سنت کتاب مقدسی نشأت گرفته با پیغام وی خارج از این سنتها نامفهوم می شود. هم چنین فرد مسیحی در این میراث ثبت نام می کند تا بهتر میراث عیسی را درک کند. گذشته ها از چنگ ما می گریزند. غیرممکن است بتوان مانند ابراهیم، موسی یا داود زندگی کرد. اما ایمان ما بعد از عیسی در همان راستای ایمان آنان قرار دارد. با مطالعه کتاب مقدس ما به اصل خود دست می یابیم، درست همان گونه که عیسی در هر روز سبت در کنایس انجام می داد.

اولین ایمانداران به «کتاب مقدس» خود یعنی به عهد عتیق، نوشته هایی را افزوده اند که عهد جدید را به وجود آورده است، چون آنها در عیسی حضور خدای یگانه و انجام یافتن کتب مقدسه و کلامی که تن یافت را یافته اند. اناجیل، اعمال رسولان و رسالات شهادتی از ایمان اولین مسیحیان به ما می دهند که ما وارث ایشان هستیم. در آنجا نیز، ابتدا در نوشته هایشان ایمان کلیسای اولیه یعنی ایمان پنطیکاست را می جوئیم.

برای دنیایی جدید

این متون قدیمی برای ما نیز همانند عیسی و مسیحیان اولیه می تواند کلام خدا باشد، اما با شرایط متعدد:

- جستجو کردن شهادت ایمان نیاکان ما، یعنی قوم اسرائیل و کلیسای اولیه، شاهدان عیسای رستاخیز کرده؛

- مانند ایشان اجازه دهیم که توسط شهادت درونی روح القدس منور شویم، او که به انبیاء و کاتبان و سپس رسولان و انجیل نگاران، الهام نموده است؛

- زندگی خود را با این کلام اشباع کنیم، تا آن را روشن نمائیم و آن را تغییر دهیم؛ این کلام به ما داده شده تا زندگی جدیدی با خود به همراه آوریم و در آرزوی آن باشیم. پس واقعاً کلام خداست، زیرا از نو خلق می کند و راه های عظیم خدا را به تحقق می رساند.

کلیدهایی ساده برای خواندن کتاب مقدس

کتاب مقدس پیش از هر چیز یک کتاب است. هر که می‌خواهد به آن نزدیک شود باید بتواند بخواند. اما بیشتر افراد در روان خواندن دچار مشکل هستند. آیا آنها کتاب مقدس را قدغن کرده‌اند؟ در واقع، این کار اعترافی است به این که کتاب مقدس برای همگان نیست، برخلاف «خبر خوش اعلام شده به فقرا». پس در گروه‌ها به افرادی که کمتر می‌خوانند و حس می‌کنند که کنار گذاشته شده‌اند توجه داشته باشید. اما برای خواندن کتاب مقدس کافی نیست اهل مطالعه باشیم، زیرا مسیرهای انحرافی و افکار اشتباه کم نیستند. تعلیم گرفتن برای مطالعه امری ضروری است.

اتفاقات و يك پيغام

غالباً این وسوسه وجود دارد که کتاب مقدس را به عنوان کتابی شامل گزارش‌های مستقیم تلقی کنند، در حالی که کتاب مقدس هرگز یک واقعه را گرماگرم تعریف نمی‌کند، بلکه «بازخوانی» و تفسیری از وقایع زیر نظر خدا را پیشنهاد می‌نماید. این بازخوانی که متخصصان به ما می‌آموزند. گاه مدتها بعد از خود عمل صورت گرفته. ایمانداران بنی اسرائیل هر چه تعریف می‌کنند را برمی‌گزینند، بعضی نکات را بزرگتر می‌کنند و برخی را مسکوت می‌گذارند. آنها ابتدا می‌خواهند پیغامی ایمانی را انتقال دهند.

پس کتاب مقدس اجازه می‌دهد که ما اعتقادات ایماندارانی که آن را نوشته‌اند لمس نمائیم. این کتاب یک راهنمای تاریخی نیست که سعی در ذکر وقایعی ناگهانی با حداکثر تأثیرپذیری، آن هم با حفظ بی‌طرفی دارد. کتاب مقدس پیش از هر چیز یک شهادت ایمان است.

پیغامی ایمانی

از آن زمان من در برابر هر متن کتاب مقدسی می‌توانم سؤال کنم چه شهادت ایمانی در این متن یافت می‌شود؟ تلاش برای بازسازی صحنه‌ها همراه با جزئیات حقیقی که ذکر شده بی‌نتیجه است، زیرا انجیل به این دلیل نوشته نشده؛ آنچه که بر عکس باید با دقت به آن توجه نمود پیغامی است که متن منتقل می‌سازد.

پس، از داشتن عکس‌العملی «باستان‌شناسانه» در برابر متون کتاب مقدسی از قبیل (چگونه چنین اتفاقی افتاده؟) برای کسب عکس‌العملی «الهیاتی» («چه شهادت ایمانی در متن حاضر است؟») احتراز کنیم. آنچه اتفاق افتاده کاملاً محو شده. برعکس شهادت ایمان همیشه حاضر است و همان چیزی است که به آن نیاز داریم.

اعتقادنامه کتاب مقدسی

هسته ایمان مسیحی نجات دهنده بودن خداست. کتاب خروج این تجربه را که بعد از این در تمام مقاطع کتاب مقدس طنین انداز می شود، روایت می کند. در برابر هر متن عهد عتیق، همیشه می توان در جستجوی چگونگی ارتباط و پیوستگی دور یا نزدیک آن با این اعتقادنامه اساسی بود.

زندگی اجتماعات ایماندار

چرا ایمانداران کتاب مقدس را نوشته اند؟ نه فقط برای این که به تعریف کردن داستانهای زیبا علاقه داشتند بلکه برای اثر گذاردن وی هم عصران خویش برای تعلیم دادن آنها، آسایش بخشیدن به ایشان و برای اخطار کردن به ایشان پس همیشه می توان از خود پرسید متنی که می خوانم برای چه منظور و نیازی نوشته شده است. بدین ترتیب از میدان های انحراف جلوگیری می کنیم، مثلاً صحنه هایی که در مورد داستانهای خشونت بار است.

چهار سؤال در مورد اناجیل

در عهد جدید، پدیده مشابهی ملاحظه شده. عهد جدید ابتدا شهادتی از ایمان را منتقل می کند. مرکز ایمان نخستین مسیحیان این بود که خدا عیسی ناصری را از مردگان برخیزانده و بدین ترتیب زمانهای نوین را افتتاح نموده. همه متون انجیل، هر یک به نوعی علامتی از این ایمان شبانی و «اعلام ملکوت خدا» را در خود دارند. در برابر هر قسمت از انجیل می توانیم سؤال های زیر را مطرح کنیم:

۱- این متن چه خاطره ای از عیسی ناصری را تداعی می کند؟

اناجیل بر زندگی عیسی ناصری تکیه می کنند. اما وقتی انجیل نگاران در مورد عیسی حرف می زنند این کار را مانند یک ضبط صورت و یا دوربین فیلمبرداری انجام نمی دهند. آنها به اصل می پردازند و آنچه محرکت عیسی بوده را تعریف می کنند، آنچه به خاطرش زیسته و برایش مبارزه کرده، آتشی که دروناً او را می سوزانده. آنها از هر دستگاهی وفادارترند. حتی اگر چهار انجیل بعضی از خاطرات او را به شکل های متفاوت آورده اند اهمیتی ندارد. آنها تماماً در مورد نحوه ارائه این اعتقادات و ایمان وی به کسی که او را «پدر من» خطاب می کرد توافق دارند.

۲- چگونه ایمان به قیام مسیح سربرمی آورد؟

همه اناجیل پس از قیام مسیح نوشته شده اند. پس انجیل نگاران نمی توانستند این تجربه مربوط به قیام را که از خدا بود فراموش نمایند. هم چنین سؤال دیگری نیز مطرح می شد:

۳- این متن برای کدام اجتماع مسیحی ایجاد شده؟

اناجیل در نظر دارند به کمک مسیحیانی بشتابند که برایشان نوشته شده اند و با مشکلات و جفاها روبه رو هستند و یا نزد یهودیان و یا مشرکان مأموریتی دارند، یا تعمید یافتگان را کمک کنند یا در دعای جمعی و غیره به کار روند.

۴- آیا ارجاعی روشن و یا پنهان به عهد عتیق شده؟

مسیحیان برای ابراز ایمان خود به عیسی مسیح فقط تصاویر را در اختیار داشتند، کلمات و یا متون عهد عتیق. در تمامی قسمت‌های انجیل می‌توان به دنبال آیاتی از کتب مقدسه بود که کمابیش به طور مستقیم ذکر شده‌اند.

روش کیگالی

متون زیر به تدریج طی ملاقاتهای کتاب مقدسی بوجود آمده‌اند. نگارش نهایی آن هنگام نشست ملی مدارس مذهبی در کیگالی پایتخت رواندا بوجود آمد که نام آن هم برگرفته از همین اجلاس است. این روش ابتدا در مورد متون انجیل و یا اعمال رسولان به کار برده شد. ولی در مورد روایات عهد عتیق هم با تطبیق دادن پاراگراف چهارم می‌توان همین روش را به کار برد.

۱- اولین برخورد با متن

- قسمت تعیین شده را با صدای بلند دوبار بخوانید.
- به سرعت بعد از نخستین قرائت احساسات خود را (آنچه بیشتر می‌پسندم یا آنچه کمتر می‌پسندم، آنچه برایم تعجب‌انگیز است و غیره). یادداشت کنید چند لحظه برای اولین بار کافی است.

۲- متن را مشاهده کنیم

باید بتوانیم یک متن را همان‌طور که هست قبول کرده و بپذیریم. یک متن آئینه‌ای نیست که تصویر را منعکس کند و یا باید از آن خوشم بیاید. بلکه باید جستجویش کنم و آن را مورد ملاحظه قرار دهم. اینک چند وسیله برای تسهیل ملاحظات:
× ابتدا و انتهای (چند آیه) را نگاه کنید. ببینید چه اتفاقاتی افتاده و چه تغییراتی بین ابتدا و انتها بوقوع پیوسته.

× مکانهایی که ذکر شده‌اند را علامت‌گذاری کنید.

× شخصیت‌های متن و روابط آنها را علامت‌گذاری کنید.

- به نظر می‌رسد چه کسی شخصیت اصلی باشد؟ چه می‌گوید و چه می‌کند؟

- چه کسی با اوست، چه کسی علیه اوست؟ چه کسی به او کمک می‌کند؟

- چه کسی فعال است؟ چه کسی فعال نیست؟

- واژه‌هایی از متن را که از یک «خانواده» هستند و راجع به یک موضوع می‌گویند دسته‌بندی کنید.

هر متن غالباً چند خانواده از واژه‌های معینی را به بازی می‌گیرد.

- در صورتی که نکات ضد و نقیض وجود دارند آنها را علامت‌گذاری کنید.

۳. خوشه اطلاعات خارج از متن

اطلاعات داده شده توسط متخصصان می تواند متن را روشن کند:

- با خواندن یادداشت های کتاب مقدس (و با توجه به معنی کلمه در گذشته، «سبک های ادبی»، «وجه اشتراک بین متون»).
- با بهره جستن از یک فرهنگ یا لغت نامه کتاب مقدسی.

۴. در مورد متن از خود سؤال کنید

- از آنجا که اناجیل پس از عید قیام توسط ایمانداران و برای ایمانداران نوشته شده اند می توان نکات زیر را نشانه گذاری کرد:
- الف) واقعه زندگی عیسی (شاگردانش) که متن در مورد آن حرف می زند؛
- ب) ایمان به مسیح قیام کرده که در آنجا بیان شده، خواه آشکارا و یا به طور ضمنی، و امیدی که در انسان بر می انگیزد.
- ج) زندگی کلیسا که مخفی است: به خاطر کدام نیازهای مسیحیان این متن نوشته شده و حفظ گردیده؟
- د) اشارات مستقیم و یا غیرمستقیم به عهد عتیق.

۴. مکرر. برای روایات عهد عتیق، نکات زیر را علامت گذاری کنید

- الف) تاریخ قوم اسرائیل و یا واقعه ای که این متن مبتنی بر آن است!
- ب) ایمان به خدای نجات دهنده که به صراحت و یا به طور ضمنی بیان می شود؛
- ج) زندگی ایمانداران بنی اسرائیل که پنهان است: این متن برای کدام نیاز ایمانداران نوشته و حفظ شده است؟
- د) اشارات مستقیم و یا غیرمستقیم با سایر متون عهد عتیق.

۵. متن را متعلق به خود دانستن (مفهوم آن امروزه برای ما چیست؟)

- × بنابر آنچه در چهار ستون قبل از نظر گذرانیم، سعی کنیم به شهادت ایمانی که از متن ساطع می شود بنگریم، قسمتی از «خبر خوش» که در آن یافت می شود.
- × چگونه چنین شهادت ایمانی (خبر خوش) می توان در جایی که به سر می بریم و در دوران ما ایمان ما را روشن کند و یا به آن کمک نماید؟
- × احساساتی که در ابتدای کار یادداشت کرده بودیم آیا قابل تکمیل و اصلاح کردن هستند و یا باید رهایشان کرد؟
- × کدام دعا را مطالعه متن در وجودمان برمی انگیزد؟

عیسی و بیوه زن نائینی بر اساس روش کیگالی

به کارگیری جدی این روش برای متنی کتاب مقدسی مستلزم داشتن وقت کافی برای یک گروه است. این روش را به آرامی به کار خواهیم برد. به عنوان مثال، لازم نیست به همه سؤال‌ها و آن‌هم بر اساس نظم ذکر شده جواب دهیم. وقتی روشی برای ما آشناست بهتر می‌توانیم حس کنیم کدام سؤال با متن هماهنگی دارد، درست مثل کارگر ماهری که ابزار مناسب را برای کارش انتخاب می‌کند. سه مثال در مورد متن عیسی و بیوه نائینی (لو ۷: ۱۱-۱۷) می‌زنیم، البته با به کار بردن نکات ۲ و ۴ و سپس آن را بسط می‌دهیم.

دو روز بعد به شهری مسمی به نائین می‌رفت و بسیاری از شاگردان او و گروهی عظیم، همراهش می‌رفتند. چون نزدیک به دروازه شهر رسید، ناگاه میتی را که پسر یگانه بیوه زنی بود می‌بردند و انبوهی کثیر از اهل شهر، با وی می‌آمدند. چون خداوند او را دید، دلش بر او بسوخت و به وی گفت: «گریان مباش.» و نزدیک آمده تابوت را لمس نمود و حاملان آن بایستادند. پس گفت: «ای جوان تو را می‌گویم برخیز.» در ساعت آن مرده راست بنشست و سخن گفتن آغاز کرد و او را به مادرش سپرد. پس خوف همه را فرا گرفت و خدا را تمجید کنان می‌گفتند که «نبی ای بزرگ در میان ما مبعوث شده و خدا از قوم خود تفقد نموده است.» پس این خبر درباره او در تمام یهودیه و جمیع آن مرز و بوم منتشر شد.

مثال اول

۲- متن را ملاحظه کنیم.

شخصیت‌ها:

- عیسی به عنوان یک «استاد» معرفی شده، زیرا شاگردان احاطه‌اش کرده‌اند. مردم او را «نبی بزرگ» می‌دانند. داستان در اطراف او اتفاق افتاده؛ او شخصیت اصلی است. متن او را «خداوند» هم نامیده است. او «خدایی است که از قوم خود ملاقات می‌کند». با کلام خود، پسر مرده را زنده می‌کند. - زن، شوهر خود و تنها پسرش را از دست داده پس تنهاست، بدون هیچ خویشاوند نزدیکی. او پسرش را به کمک کلام عیسی دوباره به دست می‌آورد. - پسر مرده، با کلام عیسی برمی‌خیزد و شروع به حرف زدن می‌کند بی آنکه سخنانش نقل قول باشد. او زندگی دوباره به دست می‌آورد و از سکوت به سخن در می‌آید. - مردم: «گروهی عظیم» همراه عیسی بودند و «انبوهی کثیر» با آن زن. آنها نیز از سکوت به سخن گفتن افتادند.

- شاگردان: عیسی را همراهی می کنند. آنها در پایان داستان با مردم هم صدا می شوند تا خدا را تمجید کنند.

مشهورترین تغییر در متن به طور مسلم همان گذر پسر زن بیوه از مرگ به زندگی است. این متن توسط کلام عیسی ایجاد شده. اما از دیدگاه زن کلام او توسط ترجمی که دارد به زبان آمده. پس ترجم عیسی منشاء این تبدیل است: پسر مرده توسط عیسی به «مادرش سپرده می شود» در ابتدای داستان، انجیل نگار دو گروه را مجزا از هم نشان می دهد یکی عیسی را که وارد شهر می شود همراهی می کند، دیگری به دنبال جمع عزاداران از شهر خارج می شود. در پایان، این دو گروه برای جلال دادن خدا و اعلام «نبی بزرگ» بودن عیسی با هم جمع می شوند. بازگشت مرد جوان به زندگی محض کلام عیسی، امکان تبدیل دوم دو گروه خاموش را به یک گروه بوجود می آورد که همگی خدا را جلال می دهند.

برداشت یافته ها

عیسی توسط کلام خود قادر است دوباره حیات ببخشد. جهانی که او ایجاد می کند همان زندگی است، جایی است که در آن دیگر نه اشکی است و نه مرگ است. و همه باید این را می دانستند زیرا کلام همه در مورد ملاقات خدا «در تمام یهودیه و جمیع آن مرز و بوم» منتشر می شد. ما در نوعی پنطیکاست شرکت می کنیم: خبر خوش عیسی که توسط همه در تمام جهان منتشر می شود. این خبر خوش اعلام می کند که: «خدا قوم خود را ملاقات کرده» و عیسی «پیامبر بزرگ» است که کلامش زندگی می بخشد. این ملاحظه به کمک دو کلید ساده عناصر مهم متن را نمایان می کند.

چه اتفاقی می افتد؟

مثال دوم

۴- در مورد متن سؤال کنیم

هر متن انجیلی، به هر حال به طور همزمان عیسی ناصری، قیام کرده، زندگی کلیسا و کتب مقدسه را تعریف می کند. پس می توان در چهار جهت در مورد متن سؤال مطرح کرد.

زندگی عیسی ناصری

این قسمت فقط توسط لوقا نقل شده اما به طور مشخص همان چیزی است که ما در مورد عیسی می دانیم. او در طول زندگی خود برای نشان دادن محبت خدایی که می خواهد قوم و همه بشر را از مرگ نجات دهد سخن گفته و عمل کرده است. لوقا اغلب این «ترحم» را نشان می دهد (کلمه یونانی به معنی «گرفتار شدن در اعماق درون») که انگیزه بخش عیسی بود. از سوی دیگر نام شهر کوچکی که این معجزه در آن اتفاق افتاده محفوظ مانده، نائین در جلیل، مقابل کوه تابور، امروزه همان دهات عرب نشین نائین است.

رستاخیز کرده

لوقا یک اشتباه تاریخی روشن انجام می دهد: او عیسی را خداوند می خواند عنوانی که مسیحیان پس از روز پنتیکاست به او می دهند تا تمجید او را نزد پدر بنمایند. لوقا «خداوند» را به صحنه می آورد، او که قادر است ما را رستاخیز بخشد. مبحث نائین مظهر عمل آن رستاخیز کرده می شود یعنی زندگی بخشیدن به ما، زندگی خود را بخشیدن. در این متن امید جماعت مسیحیان برای فرا رسیدن مسیح در جلال حس می شود تا به طور دائمی زمان خدا را بسازد.

حیات کلیسا

خبر خوش عیسی - نبی که انتظارش را می کشیدند، خداوند - نمی توانست به یک شهر محدود شود. باید که این خبر در تمامی دنیا پخش شود. در این روایت لوقا به اجتماعات می فهماند که آنها باید مبشر باشند درست مانند آن جماعت. پنتیکاست ادامه می یابد. کلیسا فقط برای شهادت دادن به عیسی وجود دارد، قیام کرده، خداوندی که همه را به حیات می خواند.

عهد عتیق

لوقا برای حکایت ماجرای نائین از عبارات معجزه دیگری که به دست ایلیا صورت گرفت استفاده می کند یعنی رستاخیز یگانه پسر دیگری متعلق به زن صرغه ای (ر. ک به ۱- پاد ۱۷: ۱۰-۱۲، ۱۷- ۲۴، ر. ک ۲- پاد ۱۸: ۴-۳۴). بدین ترتیب، او عیسی را به ایلیا شبیه می داند. اما در سنت یهود قرن اول انتظار ایلای نبی می رفت تا علامت دنیای جدید خدا را بدهد. از نظر لوقا، این عیسی بود که برای افتتاح این دنیای نوین توسط قیام خود آمده بود. در عیسی ما قیام کرده و نجات یافته ایم.

مثال سوم

۴- حیات کلیسا

اناجیل حامل آثار فعالیت ها، نیازها، مشغولیت های کلیسای اولیه هستند. در روایت موارد زیر دیده می شوند:

- گشوده شدن درها به روی مشرکان: تفکر در مورد «سرزمین های مجاور» یهودا (سرزمین یهودیان) نشان می دهد که انجیل از محدوده سرزمین بنی اسرائیل فراتر خواهد رفت.
- دیر کرد ظهور جلال خدا: مسیحیان پیش از ظهور دائمی خداوند باید کاری انجام دهند: در تمامی دنیا به خداوند شهادت بدهند و در تمامی سرزمین ها «کلام خدا را منتشر سازند».
- دفاع در مقابل یهودیان: با یادآوری چهره ایلیا، لوقا نشان می دهد که عیسی برای تکمیل کتب مقدسه آمده است. با دادن ایمان خود به عیسی، مسیحیان نسبت به سنت حقیقی بنی اسرائیل وفادار مانند.

- اعلام انجیل: درسی که روایت می دهد روشن است، کلیسا باید مبشر باشد و خبر خوش را اعلام نماید. عطای زندگی نوین توسط عیسی.

- حمایت مسیحیان: علی رغم دشواری هایی که با آنها مواجه می شوند و در مقابل تجربه مرگ و سوگواری، مسیحیان این اطمینان را دارند که آن رستاخیز کرده دست از خواندن آنان به حیات توسط کلام خویش بر نمی دارد.

- آیین نیایش: عیسی اینجا خداوندی است که در نیایش خوانده می شود: «خداوندا»، به ما «ترحم فرما».

متوجه خواهیم شد که تمامی راه های نگرش به متون پیشنهادی در اینجا یک هدف دارند و آن هم ابتدا برکشیدن شهادت ایمان و خبرخوش است و ابتدا به ساکن به دنبال آن نیستند که از اناجیل دستورالعمل های اخلاقی که بلافاصله قابل به کارگیری باشند بسازند.

کتاب مقدس امروزه برای ما

امروزه ما کتاب مقدس را می خوانیم تا مطابق ایمان خود زندگی کنیم. به این خاطر برای اینکه متن بتواند زندگی ما را روشن نماید باید به آن «فعلیت» ببخشیم. اما آیا می توان متوفی قدیمی که سال ها پیش برای پاسخ به نیازهای خاصی که برای ما ناشناخته هستند نوشته شده اند را فعلیت بخشید؟ بین این متون و ما حداقل قرن ها فاصله است، فاصله ای که هیچ چیز نمی تواند پر کند و باید به آن احترام گذاشت. «تطابق گرایی» که سعی در «تطابق» فوری موقعیت های گذشته با امروز دارد، راه اشتباه رفته و به ساده گرایی منتهی می شود. چگونه یک متن کتاب مقدسی را متعلق به خود بدانیم؟ سه شکل فعلیت بخشیدن را بررسی کنیم.

بررسی «خبر خوش»

متون کتاب مقدسی توسط ایماندارانی نوشته شده اند که می خواهند از ایمان سایر ایمانداران حمایت کنند و آن را روشن سازند تا به آنها برای زندگی کردن یاری دهند. آنها «خبر خوشی» را شهادت می دهند یعنی تجربه آنها از خدای عهد و نقشه او برای زندگی و سعادت بشر. اولین روش به خود اختصاص دادن مبتنی بر برجسته نمودن شهادت ایمان است که نویسندگان را بر آن داشته تا متن را بنویسند بی آن که در پی آن باشند که ابتدا دستورالعمل یا نصایحی برای به کارگیری در زندگی خود به ما بدهند.

این بیشتر تعمقی رایگان بر خدایی است که ما را دوست دارد و ما را خوشبخت می خواهد تا دعوتی به بازگشت قلبی و یا تغییر رفتار پیدا است که تعمق بر چنین خبر خوشی نمی تواند به نحوه زندگی کردن بی اثر باشد.

بررسی دستورات زندگی

ما به طور غیرارادی در کتاب مقدس به دنبال دستورات قدیمی می گردیم تا بتوانیم زندگی خودمان را هدایت کنیم. خدا در حال حاضر از من یا ما چه انتظاری دارد؟ این رفتار به شدت در خور تحسین است اما ممکن است منجر به مطالعه سطحی کتاب مقدس شود و حتی به نظر خطرناک برسد. گاه اتفاق می افتد که مسیحیان کتاب مقدس را اتفاقی باز می کنند و تصور می کنند که در آیاتی که خوانده اند علامات دقیقی از آنچه که خدا از ایشان توقع دارد یافته اند. البته، آنها همیشه چیزی پیدا می کند چون تفسیر متون به فراخور آنچه به دنبالش هستیم کار آسانی است. حتی اگر چنین روشی مستلزم اطاعت محض از اراده خدا باشد کتاب مقدس کلام اتوماتیک خدا نیست که هر وقت بخواهیم بتوانیم آن را به کار ببریم، آن هم با تنبلی! از مطالعه عیب جویانه و بچه گانه کتاب مقدس اجتناب کنیم. خدا خدمتکاری نیست که ما را از تفکر و به کارگیری آزادیمان باز دارد. کتاب مقدس دستورات صریحی نمی دهد اما جهت را نشان می دهد. در کلیسا و با سایر ایمانداران است که باید به کارگیری عملی آن را بیابیم. این جهت یابی ها حتی می توانند در ایجاد تفاوت های متناسب با هر اجتماع، مکان و دوران بروز کنند. مسیحیان اروپایی و آمریکای لاتین جهت یابی های کتاب مقدسی را در مورد محبت به دیگران به فقیران و یا احترام به خلقت را یک جور تجربه نمی کنند.

روایت شبانان در آخور به عنوان مثال، مسیحیان را دعوت می کند تا رسولان خبرخوش نجات در عیسی مسیح باشند. حتی در این متن می توان دعوتی به شرط بندی روی ضعف مسیح را دید که قدرتش در همان عمل می کند. اما امروزه چطور می توان رسولان خبرخوش بود؟ چگونه می توان راز گذر را زندگی روزمره زندگی کرد (یعنی قدرت در ضعف) هیچ جوابی در متن دیده نمی شود. پس لازم است متن را ترک کنیم. و در پی آن باشیم تا بفهمیم چطور می توانیم جهت های داده شده را تحقق بخشیم. جواب های ما الزاماً محدود خواهند بود؛ و نشانه ای از آنچه که هستیم ضروریات زمانه ما را بر خود خواهند داشت. افراد دیگر که در سایر نقاط هستند همین متن را به گونه دیگری خواهند فهمید.

خود را جای شخصیت های روایت قرار دهیم

شکل سوم به خود تخصیص دادن را می توان شکل «روان شناسانه» نامید. این روش مبتنی بر قرار دادن خوب به جای شخصیت های متن است و داخل شدن به روانشناسی احتمالی آنها. به سهولت، معایب این کار را می توان دید، چرا که متن را نویسنده نوشته و نه خود شخصیت روایت. به عنوان مثال با مطالعه عروسی قانا، می توان پرتره مریم را که نسبت به کمبود شراب و نیازهای نزدیکانش بی ملاحظه نبود بسط داد و رمان کوچکی در این مورد نوشت. سپس این خطر وجود دارد که به خود تخصیص دادن گرفتار دستورالعملی اخلاق گرایانه از این سبک شود: «باید مانند مریم متوجه نیازهای دیگران بود و نزدیکانمان را خدمت کنیم. باید با همان اعتماد مریم دعا کنیم، غیره.»

اما یک متن همان چیزی را می گوید که می خواهد بگوید: چیزی به آن نمی توان افزود حتی اگر برای روانشناسی شخصیت های آن باشد. مطالعه متن نشان می دهد که انجیل نگار روایت عروسی قانا را با دیدگاهی از زمان عیسی نوشته یعنی با صلیب و جلال و پیروزی او بر مرگ. مادر عیسی کسی است که ما را به سوی پسرش هدایت می کند (هرچه به شما گوید بکنید) و به سوی ساعت مرگ و رستاخیز او. خبر خوش مهمتری که این روایت را احاطه کرده چنین است. این روایت شهادت انجیل نگار را در اختیار ما قرار می دهد و نه مریم را.

مطالعه در کلیسا

به خود تخصیص دادن باید در کلیسا و با عده ای صورت بگیرد. حتی اگر کتاب مقدس را در تنهایی مطالعه می کنیم نمی توانیم خود را از کلیسایی که این متون را به ما سپرده و حافظ آن است خود را جدا بدانیم. ایمان مجزا وجود ندارد، فقط ایمان جمعی. از این جهت به خود تخصیص دادن شخصی الزاماً محدود هستند، نباید آنها را قدغن کرد بلکه باید حدود آنها را شناخت. فعلیت بخشیدن ها نمی توانند برخلاف ایمان کلیسا پیش روند حتی اگر در صدد به خود آوردن کلیسا باشند. بعضی ها را باید کنار گذاشت از قبیل آنهایی که با خبرخوش عیسی مغایرت دارند، و یا همسایه را رعایت نمی کنند و یا منتهی به تبرئه نمودن رفتارهای غیرانجیلی می شوند مانند آپارتاید.

به همین خاطر روانشناسی مریم باید در خدمت مطالعه الهیاتی بماند. خود را به جای شخصیت های روایت قرار دادن به منظور تفهیم بهتر خبرخوش یک متن، می تواند راه خوبی برای فعلیت بخشیدن باشد. اما مستلزم آموزشی قلبی و مهارت است و نباید در مورد هیچ کس اشتباه کرد.

وحدت تمامی کتاب مقدس

تجربه ایمانی قوم اسرائیل و مسیحیان اولیه تدریجی و متنوع بوده. کتاب های مختلف در طی قرون متمادی باید نوشته می شد تا این سنت زنده را که کتاب مقدس نامیده می شود تشکیل دهد. هیچ کتابی نمی تواند جدا از بقیه باشد. شریعت با نوشته های حکمت تکمیل شده اما این نوشته ها محتاج شریعت هستند. یا تجربه خدا، با چنین فوریت و صراحتی که اشعیا و یا یوشع نبی ارائه داده اند مکمل تجربه مبهم و دشوار حکیمانی مثل «ایوب» یا حکمت است. نمی توان جنبه های ضد و نقیض خبر خوش را حذف کرد تا فقط جنبه های مورد علاقه ما به طنین در آیند. برای یک مسیحی پیدایش بدون ایوب یا عهد جدید کامل نیست. غیرممکن است بتوان مطالعه «مسیحی» از متن عهد اول انجام داد بی آنکه آن را به عیسی ارجاع دهیم، به راز گذر، زیرا برای ما مسیحیان، عیسی مسیح مرکز و مفسر کتب مقدسه است. و گر نه قسمت اساسی خبر خوش حذف شده و ایمان مغضوب می گردد.

تشکیل گروه مطالعه کتاب مقدس

کتاب مقدس جذاب است؛ بسیاری از مسیحیان در آرزوی شناختن و خواندن آن هستند، اما مطالعه شخصیت آنها خیلی زود متوقف می شود زیرا با قوانین پرستشی کتاب خروج دلسرد می شوند و یا گرفتار زبان غیرقابل فهم انبیاء می گردند. اما بر عکس تعدادی هم بیش می روند، سؤالشان را مطرح می کنند و یافته هایشان را با هم در میان می گذارند. چگونه می توان چنین گروه کتاب مقدسی را تشکیل داد؟

انگیزه هایمان را به همدیگر بگوئیم

می توان کتاب مقدس را به خاطر دلایل متعددی خواند:

- فقط به خاطر آشنایی با کتاب یهودیان و مسیحیان
- برای انتقال ایمان (گروه تعلیمات دینی جوانان و کودکان یا کلاسهای تعلیمات دینی دبیرستانی)

- برای با پشتوانه کردن و تقویت ایمان

- برای آماده کردن آئین نیایشی

- برای روشن نمودن زندگی امروز

- برای تغذیه نمودن دعا

- برای پرمغزتر کردن تحقیقی شخصی

همه این انگیزه ها مکمل یکدیگرند و می توانند در کنار هم وجود داشته باشند، اما برای اجتناب از سؤ تفاهم و ناامیدی بهتر است در مورد علائق شرکت کنندگان همه چیز روشن باشد و آگاهی از انگیزه هر کدام اساسی است و هر یک را به این نتیجه می رساند تا انگیزه خود را روشن نموده و وسعت بخشد.

سازماندهی گروه

اینک چند توصیه برای عملکردی شایسته.

* گرداننده بازی را برای باز کردن سر صحبت تعیین کنید. گوش دادن به عبارات هر کس کار مهمی است. گرداننده الزاماً نباید کسی باشد که بهتر از سایرین کتاب مقدس را می شناسد (مانند یک کشیش یا یک فرد روحانی).

* از سکوت افراد نترسید، سکوتی که لازمه تفکر، طرح سؤال و ربط دادن آنچه کشف نموده اند با دردشان می باشد.

* اگر همه برنامه اجرا نشد، نباید نگران شد، البته این امر دلیل نمی شود که سعی به تمام کردن برنامه در هر بار نشود.

* تعداد دفعات جلسات: یک شب در ماه، در طول سال تحصیلی (و گاهی شنبه بعد از ظهرها) به نظر منطقی می رسد. کمتر اتفاق می افتد که از یک جلسه تا جلسه دیگر افراد همه چیز را فراموش کنند. مدت جلسات: به طور متوسط سه یا چهار سال؛ غیر از این نباید باشد. هم چنین تغییر طرز تفکر و گشودن درهای خود به سوی تعلیمات دیگر، حتی به قیمت مواجه شدن با تعلیمات کتاب مقدسی کار خوبی است.

* تمرینات فردی که باید در منزل آنها را آماده کرد نیز توصیه می شوند. این کار باعث می شود تا افراد دیگر به صورت مصرف کنندگانی غیرفعال در جلسات حضور نیابند.

* توجه داشته باشید که برای یافتن جواب درست تلاش نکنید. چون در این صورت به ندرت اتفاق می افتد که فقط یک پاسخ خوب وجود داشته باشد. معمولاً از لایه های حرفهای دیگران می توان به پاسخ ها دست یافت، و یا حداقل به مواد اولیه پاسخ ها. اما نحوه مطرح ساختن سؤالات هم معمولاً حائز اهمیت هستند.

انتخاب موضوع برای کار

محدوده ها متفاوتند. فقط یک روش موجود است. به مبحث در مورد «وسایل لازم برای مطالعه کتاب مقدس» مراجعه کنید. اینکه پیشنهادات مختلفی داریم:

قرائت مداوم کتاب مقدس

۱۵ باب به ۱۵ باب بخوانیم و سؤالاتی که در صفحات گذشته در قسمت «چهار سؤال از اناجیل» آمده را مرتباً تکرار کنیم. کار پر زحمتی است اما چیزهای زیادی کشف می کنیم و بازتابهایی از مطالعه کتاب مقدس به دست می آوریم. اگر دوست دارید چنین گروهی تشکیل دهید، آماده هستیم تا شما را راهنمایی کنیم.

کتاب مقدس مدرسین

چرا در میان حق جویان با متون کتاب مقدسی مخصوص کودکان و یا «سنگهای زنده» کار نکنیم. می توانیم به عنوان مثال از روش کیگالی استفاده کنیم.

قرائت های روزهای یکشنبه

کتابها و یا شاخص هایی برای کار بر روی این قرائت ها پیش از برگذاری آئین نیایشی وجود دارد (به خصوص کار بر روی اناجیل). بیشتر گروههای نیایشی با آموزش انجیل در روزهای یکشنبه شروع می شوند. هم چنین می توان بر روی ارتباط متن قرائت شده با قرائت اول از روی عهد عتیق که از روی متن انجیل انتخاب شده فکر کرد. این ارتباط در میان دو عهد مستلزم شناختی از تمامی کتاب مقدس است.

مطالعه تصاویر

توسط آثار هنری متعلق به دوره های مختلف نیز می توان بر روی متن کتاب مقدس ارائه شده کار کرد. ابتدا تابلو را باید مورد مطالعه دقیق قرار داد، سپس آن را با متن مقایسه کرد تا بتوان تعبیر هنرمند را دریافت. این روش برای بسیاری از افراد این امکان را به وجود می آورد تا به کمک دیدن خود را به طرزی خودمانی تر ابراز کنند.

يك موضوع، يك سؤال، يك كتاب مقدس

با بهره گیری از یکی از شماره های فرازهایی از کتاب مقدس (به ویژه قسمت «گروه های کتاب مقدس») و یا حتی برگ هایی از انجیل، می توان بیشتر سؤالاتی که مورد توجه شرکت کنندگان است را مطرح کرد. با این حال لازم است که بعضی از افراد گروه که با تجربه تر هستند بررسی را برای همه تدارک ببینند.

کتاب مقدس را در کلیسا بخوانیم

در حدود هزار سال پیش از میلاد مسیح قوم اسرائیل شروع به نوشتن کتاب مقدس کردند. مسیحیان که با یهودیان در میراث کتاب سهیم بودند با عهد جدید که در پایان قرن اول بعد از میلاد نوشته شد نقطه پایان این کتاب را گذاردند. در حال حاضر این کتاب دارد پایان می رسد: اصلاحات، اضافات و یا ضمائم از این پس حذف خواهند شد. پس نوشته کتاب مقدس هزاران سال است که گسترده شده. همین کافی است که آن را کتابی متفاوت از سایر کتب بگردانند!

اما وقتی نوشتن کتاب مقدس به پایان رسید، هنوز اجرای آن پایان نیافته بود. از ۲۰۰۰ سال پیش تاکنون، هزاران نفر مبادرت به تصاحب آن نموده اند تا آن را کتاب زندگی خود بگردانند.

چرا امروزه باید این کتاب را که متعلق به دوران دیگری است باز کنیم؟ و چگونه می توان تفاسیر مختلفی که از مطالعه این کتاب به دست آمده را درست درک کرد؟ آیا قواعدی برای خواندن وجود دارد؟ از کجا بدانیم آیا یک روش قرائت هنوز معتبر است یا خیر؟ اگر من معتقد باشم که به روش درستی مطالعه کرده ام، آیا باید الزاماً سایر روش های مطالعه را کنار بگذارم؟ سعی کنیم به همه پرسش ها که غالباً ما را خلع سلاح می کند در سه مرحله پاسخ دهیم:

۱- چه باید خواند؟

۲- خواندن کتاب مقدس به چه معنی است؟

۳- خواندن کتاب مقدس در کلیسا به چه معنی است؟

خواندن

دوباره نویسی ها

در طول مدتی که یک کتاب نوشته می شود، یک نویسنده تا به آخر قدرت دست بردن در آن را حفظ می کند. می تواند شخصیت های تازه ای را وارد کتاب بکند، وقتی عمیقاً اسباب داستان خود را عوض کند مثلاً با داخل کردن نتیجه گیری متفاوت. نوشته آن زمان ممتازی است که آزادی و خلاقیت می توانند باز هم به یکدیگر فرصت بدهند. این همان چیزی است که برای «نویسنده» اسرائیلی در طول هزاره ای که از بدو نوشتن کتاب مقدس تا پایان آن طول کشیده، رخ داده است.

اسفار خمسه نیز به همین ترتیب تدریجاً در طول قرون، کتاب بعد از کتاب سنتی بعد از سنتی دیگر، ساخته شده. به عنوان مثال به چهار باب کتاب خروج که موضوع عید گذر و خروج از مصر را مطرح می کنند (خروج ۱۲-۱۵) بپردازیم. دقایق سازنده تجربه بنی اسرائیل، هر دوره ایمان خود را در آن دوباره بیان نموده به روش خود. پس عجیب نیست که متخصصان نوشته های دوباره نویسی شده را پنج قرن تقسیم می کنند.

دوباره خوانی ها

اما بالاخره یک روز زمان نوشتن به پایان رسید؛ کتاب بسته شده و آخرین خط آن نوشته شد. این کار همان قانونی کردن کتب مقدسه است، کتب برحق کلیسایی فهرست کتب مقدسه بسته شده. اما نباید تصور کرد که فقط تکرار مکررات و یکنواختی باقی مانده و دیگر آزادی جایی ندارد. برعکس، در این زمان شکل تازه ای از خلاقیت و آزادی شروع می شود، زمان قرائت هایی که همیشه از سر گرفته می شوند و تا حدودی نیز غیرقابل پیش بینی هستند. برای درک این که حقیقت می تواند از یک کتاب واحد برگرفته شود، باید لحظه ای بر روی راز قرائت مکث کرد و آن را از تعالیم تشخیص داد.

بررسی

در واقع یادگیری یک متن به معنی از هم باز کردن آن، درک قواعد عملکرد آن و نشانه گذاری دوباره نویسی های مختلف آن است. به این خاطر، شناخت قواعد ادبی معتبر در هر دوره از نگارش آن، شیوه های نوشتاری که به آن سبک ادبی می گویند، و نیز تشابهاتی که به موازات ادبیات همسایه دارند، اساسی است. بسیار از اوقات یادگیری منتهی به نتایجی قابل قبول از سوی همه در مورد یک متن مشخصات نویسنده آن، مرکز آن، سبک نگارشی آن، محیط اجتماعی - مذهبی که در آن قرار دارد و آن را روشن می کند می شود. تعلیم و یادگیری امکان درک بهتر یک متن را در مفهوم نخستین آن میسر می سازد.

قرائت

قرائت و برداشت مرحله‌ای را می‌سازد که از یادگیری تنها فراتر می‌رود. در حالی که یادگیری هدف گراست، برداشت، بیشتر جنبه‌های درونی را مدنظر دارد. برداشت می‌گوید: «من؟» خود را درگیر می‌کند، از متن مثل یک آینه استفاده می‌کند و با خوانده شدن خوانده می‌شود. این امر در مورد همه آثار نوشتاری متعلق به همه دوره‌ها صادق است. خواندن همیشه فراتر رفتن از متن است. عبارت «فراتر از متن رفتن» شامل ۲ فکر است: نخستین فکر بر نقطه شروع صحنه می‌گذارد که مطالعه در آن ریشه دوانده. دومین فکر به فراتر رفتن ارزش می‌دهد، یعنی خاتمه مطالعه یعنی گذشتن از متن. این پایان پذیرفتن همیشه تاحدی پیش بینی نشدنی است و مختص به هر خواننده می‌باشد چون به تمایلات، تأثیر پذیری و مسیر هر یک بستگی دارد.

استیفان و فلاویوس ژوزف

مطالعه یک کتاب می‌تواند نتیجه‌گیری‌های متضادی به همراه داشته باشد. در پایان قرن اول طبق کتاب اعمال رسولان به قلم لوقا (۷) استیفان و تاریخ نگار یهودی فلاویوس ژوزف در «جنگ یهود» هر یک برداشت خود را از مطالعه عهد عتیق نشان می‌دهند. استیفان برای متقاعد ساختن یهودیان درباره این موضوع که مسیح نوشته‌های مقدسه را به انجام رسانده، از چند متن از شخصیت‌هایی یاد می‌کند که توسط انسان‌ها طرد شدند اما خدا آنها را برگزیده بود: نسل ابراهیم که در مصر مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند؛ سپس یوسف که برادرانش از او نفرت داشتند، اما او جان آنها را نجات می‌دهد؛ موسی که ابتدا توسط قوم خود رد شد ولی بعد رهبر و نجات‌بخش آن گردید. در مورد عیسی هم این مطلب صدق می‌کند، و بعد در مورد استیفان. گرچه آنها هر دو توسط انسان‌ها محکوم شده بودند اما خدا آنها را به عنوان انبیای خویش برگزیده بود. بدین ترتیب عهد عتیق این امکان را فراهم آورده تا شکست ظاهری عیسی و آزار و اذیت مسیحیان را بهتر درک کنیم. تقریباً در همان دوران، فلاویوس ژوزف نقل می‌کند که چگونه در هنگام محاصره اورشلیم توسط تیطس در سال هفتاد تلاش نموده تا به همشهریان محاصره شده خود بقبولاند که به طرز افتخارآمیزی تسلیم شوند. برای این کار او «داوری»‌های خدا در مورد قوم اسرائیل از هنگام تبعید یادآوری می‌کند، تا به ایشان نشان دهد که خدا با ایشان نیست. اینک کلید برداشت او: «خدایی که از نزد ملتی به نزد ملت دیگری می‌رود در حالی که هر یک را به نوبه خود فضیلت می‌بخشد، اینک در ایتالیا بود. قانونی که نزد حیوانات و انسان‌ها به قوت خود باقی است می‌خواهد که آنها تسلیم نیرومندتر از خود گردند و فضیلت و برتری متعلق ب افرادی شود که از برتری نظامی برخوردارند.» از یک چنین اصلی وی به برداشتی مخالف با برداشت استیفان می‌رسد. از نظر او خدا با کسی است که برنده می‌شود؛ اما از نظر استیفان خدا نزد کسی است که به نظر بازنده می‌رسد. بدین ترتیب هر دو یک کتاب را ذکر کرده‌اند، اما موارد مشابهی را مدنظر قرار نداده‌اند و به دو تفسیر مخالف هم دست می‌یابند.

کتاب مقدس را بخوانیم

از بررسی تا برداشت

آنچه ما در مورد هویت درون گرای مطالعه گفته ایم در مورد همه کتابها صدق می کند. در مورد کتاب مقدس چطور؟ شخص ایماندار حس می کند که کتاب مقدس ادعاهایی اساسی تر از آنچه از کتاب حیات انتظار داریم در خور دارد. آنها را نوشته های مقدسه می نامند، کتاب تقدیس شده. کلمه مقدس آن قدر افسون کننده است که حتی دچار این وسوسه می شویم که کلمه «نوشته ها» را از قلم ببندازیم. با این حال، «کتاب مقدس» یا Bible از واژه یونانی Biblos «آمده که به معنی «کتاب» است. پس باید طبق قوانین رایج هر قرائت، خوانده شود.

ابتدا باید زمان خواندن و بررسی را از زمان برداشت کردن مشخص کنیم. بررسی مرحله ای ضروری است که به ما امکان می دهد تا مفهوم به خصوص یک داستان را درک کنیم و خواننده را از گفتن حرف های بی سروته باز می دارد. چنین کاری برای مسیحیانی که نمی خواهند به ایمان ناچیز قناعت کنند و نیز متون کتاب مقدسی را به طریزی کنترل نشده به کار ببرند ضروری است. از آنجا که کتاب مقدس در زمان های بسیار دور نوشته شده و ریشه تاریخی بعضی از کتابها گاهاً مورد بحث است، مطالعه و بررسی آن همیشه به نتایج مشابهی ختم نمی شود؛ همیشه نسبت به آن نظریاتی باقی می ماند. با این وجود، بیشتر اوقات توافقی بر سر مفهوم بیشتر روایات صورت می گیرد.

یهودی و مسیحی

اما به دنبال مطالعه و بررسی، زمان برداشت فرا می رسد و همین جاست که گوناگونی الزاماً وارد می شود. اگر خواندن مستلزم خود را درگیر نمودن است، مستلزم گفتن «من» (یا «ما») (است، پس نباید از این که کتاب مقدس در طول تاریخ همیشه موجب برداشت های متفاوت شده متعجب شویم. مثال روشنی می زنیم: مسیحیان و یهودیان در قسمت بزرگی از کتاب مقدسه شریک هستند، یعنی در قسمت اولین عهد. هر دو یک متن را در اختیار دارند، که با همان قوانین مشابه ترجمه شده اند. با این حال، از همین کتابها برداشت های متفاوتی می کنند. فقط به این خاطر که آنها را از یک دیدگاه مطالعه نمی کنند و اصل مشابهی را برای مطالعه رعایت نمی کنند. مسیحیان آنها را از زاویه دید عیسی می خوانند و کلید برداشت آنها ایمان به اوست که در عهد جدید به وی شهادت داده شده. همین به آنها اجازه می دهد تا در برخی از تصاویر عهد عتیق تصویر عیسی را ببینند.

شاگردان عموآس کشف کردند که چگونه عیسی به همه کتب مقدسه معنی می داده: «پس از موسی و سایر انبیاء شروع کرد اخبار خود را در تمام کتب برای ایشان شرح فرمود» (لو ۲۴: ۲۷). کدام مسیحی است که امروزه مزمو ۲۲ را بخواند: «ای خدای من، ای خدای من چرا مرا ترک کرده ای» و

به یاد زندگی عیسی نیستند؟ یهودیان به طرز کاملاً مشروع مفهوم دیگری در آن خواهند یافت زیرا آن را از زاویه دیگری می خوانند و کلیدهای دیگری برای برداشت کردن در تاریخ قوم اسرائیل دارند. بدین ترتیب یک متن دو نوع تفسیر دارد و مجاز نیست که یک متن دیگر را فاقد ارزش بداند. به طور حتم طبیعت هر برداشتی است که امکانات متعددی داشته باشد و حالت جمع به خود بگیرد.

کاتولیک ها و پروتستان ها

این تنوع حتی می تواند مربوط به گروه های مطالعاتی باشد که کاملاً در دو جناح متفاوت از هم قرار دارند، مانند مسیحیان و یهودیان، به راحتی قابل توضیح است. اما چطور می توانیم این گوناگونی را در مورد مسیحیانی که دقیقاً همان کتاب مقدس را می خوانند بپذیریم؟ در زمان اصلاحات کاتولیک ها و پروتستان ها هر یک نسبت به کتب مقدسه وفاداری نشان می دادند. هر یک آثار ادبی زیادی تدارک دیدند تا نشان دهند که وفاداری نسبت به کتب مقدسه نزد آنان است و گروه رقیب چنین کاری نکرده! امروزه بهتر فهمیده ایم که کتاب مقدس برای آن که حق را به یکی از گروه ها بدهیم کافی نیست زیرا برداشتی که توسط یک اجتماع انجام می گیرد صرفاً تکرار متون پایه نیست خواندن همیشه یعنی بیش از آنچه خوانده شد گفتن؛ یعنی به طور اجتناب ناپذیری افزودن، تفسیر کردن و فاصله خود را با متن حفظ کردن.

در ابتدا

روایات انجیل حاکی از این مطلب هستند؛ عیسی و شیطان هر یک از طریق نوشته های مقدس جبهه گیری می کنند. شیطان می گوید، «مکتوب است ...» و عیسی به او جواب می دهد: «و نیز مکتوب است» (مت ۴). عیسی و فریسیان هر دو روی نوشته های مقدس یکسان تأکید می کنند و اساساً از یک کتاب الهام می گیرند یعنی کتاب تثنیه و با این حال چه فاصله ای بین ایشان وجود دارد که یکدیگر را درک نمی کنند! توانایی برای نوشتن و برای این که به شکل های متفاوت آن نوشته درک شود نوعی نقض به حساب نمی آید، بلکه فضای آزادی است که خواننده در آن دست به تفسیر خود خواهد زد و بیش از آنچه در متن آمده خواهد گفت با سنت های خود، با برداشت های اجتماع خود، او چیزی به همراه می آورد که مفهوم متن را غنی می سازد و تغییر می دهد.

بیست سال پس از بوجود آمدن نوشته های مقدس، ایمانداران در این کتاب به دنبال دلایلی برای زیستن، امیداور بودن، منابعی پرمعنی هستند. چرا باید این کتب کهنه را بخوانیم حال آن که همه ما به خوبی از ورطه فرهنگی عظیمی که بین ما وجود دارد مطلع هستیم؟ به من بگو چه می خوانی و به تو خواهم گفت چه کسی هستی و از کجا می آیی. ما کتاب مقدس را نمی خوانیم تا از آن دستورالعمل هایی به دست آوریم، حتی برای تکرار کلمات کهنه یا قدیمی شده از آن استفاده نمی کنیم. ما این کتاب را می خوانیم زیرا به ما امکان می دهد تا خود را پسران آنانی بدانیم که این کتاب را نوشته اند، زیرا کتاب مقدس این حس را در ما بوجود می آورد که همگی ما ریشه های مشترکی داریم.

سه اشعیا

کتاب اشعیا مثال زیبایی از دوباره نویسی در طی قرون است (به فرازهایی از کتاب مقدس شماره ۲۳ رجوع کنید). وحی های اشعیا نبی که بین سال های ۷۴۰ و ۷۰۰ تقریباً در اورشلیم اعلام شده اند اساس باب های ۱ تا ۳۹ کتاب اشعیا را می سازند. اما در ادامه این قسمتها (از باب ۴۰ تا ۵۵) پیام های پیامبر ناشناس دیگری آمده که «اشعیا دوم» نامیده شده و به تبعیدشدگان بابل وعده رهایی آینده را از بابل در حوالی سال ۵۴۰ می دهد.

سرانجام، پس از بازگشت از تبعید، یکی از شاگردان «اشعیا دوم» یعنی «اشعیا سوم» پیام او را از سر می گیرد و به آن فعلیت می بخشد (باب ۵۶ تا ۶۶) و شاید در همان زمان (و یا اندکی بعد؟) وحی های دیگری نیز به وحی های اشعیا اول افزوده شده باشد (باب ۲۴-۲۷ و ۳۴-۳۵) در ظاهر اشعیا دوم و سوم از پیام اشعیا اول الهام یافته اند، آنها وحی های قدیمی وی را برای نسل خویش از نو تفسیر نموده و آنها را متقاعد کرده اند که کلام خدا همیشه زنده می ماند. (ر.ک ۸:۴۰)

مطالعه کتاب مقدس در کلیسا

اگر خواندن همیشه به معنی گفتن بیش از متن دور شدن از اصل، «خود را خواندن» بماند چگونه می توان جلوگیری کرد که کتاب مقدس به صورت صرفاً یک آینه در نیاید که هر کس در آن به دنبال خیالات و هوس های خود است؟ بدانیم که این خطر همیشه قابل پیشگیری نیست. می توانیم هر چه می خواهیم را توسط کتاب مقدس بگوئیم. به عنوان مثال در قدیم از کتاب مقدس برای درست جلوه دادن معامله سیاه پوستان بهره می جستند و امروزه آپارتاید را قانونی جلوه می دهند آن هم از طریق لعنت سام، جد آفریقائی و پدر کنعان (پید ۹: ۲۵-۲۷)! گاه اتفاق می افتد که برخی «مشارکت های» کتاب مقدسی فقط به صورت مطالعه ای آئینه وار باشند که هر آنچه شخص می خواهد در آنها بیابد را به متن القاء می کنند و کتاب مقدس فقط برای تأیید عقاید یا ایدئولوژی خاصی مورد استفاده قرار می گیرد.

انتقال یافته توسط کلیسا

در مقایسه با ادبیات غیرمسیحی، بهتر می توان تفاوت میان «مطالعه تفریحی» و «مطالعه در کلیسا» را درک کرد. یک رمان را از هر کتاب فروشی می توان تهیه کرد و هر خواننده ای می تواند آن را همان طور که می خواهد تفسیر کند، و هیچ کس او را به خاطر این کار سرزنش نخواهد کرد. همه چیز در یک رویارویی نزدیک بین خواننده و کتابش اتفاق می افتد. برعکس، ارتباط ایمانداران با

کتاب مقدس هایشان به نوع دیگری است؛ حتی اگر بتوانند آن را با آزادی خریداری کنند باز هم کتاب مقدس به ایشان سپرده شده، با کوله باری از خواندن های سنتی و تفاسیری که در طول قرن ها روی هم انباشته شده اند. کتاب مقدس در سنتی خوانده می شود که با او جسم گرفته.

بیشتر اوقات فراموش می کنیم که کتاب مقدس در درون کشمکشهای حاصل خیزی در میان متون قابل دسترس ساخته شده، که توسط اجتماعات خوانندگان مورد استفاده قرار می گرفته. به طور دائمی از آنجا که فلان کتاب پر خواننده و محبوب بوده که سرانجام وارد لیست کتب برحق شده است و نیز از آنجا که سایر کتب باعث ایجاد اتحاد میان مؤمنان نشده اند که جایی در این لیست برای خود نیافته اند. کلیسای قدیم مجبور بود تا دست به انتخاب میان تعداد بیشمار تولیدات مسیحی قرنهای اول بزند. کلیسا گزینشی انجام داده که امروزه به من تحمیل می شود و این من نیستم که مرزهای کتاب مقدس را تعیین می کنم. به این ترتیب کتاب مقدس به همین شکلی که موجود است یعنی با دو کتاب عهد خود که در یک کتاب گنجانیده شده اند، شاهکار خدا هستند. صفحه آخر آن در بردارنده ممنوعیتی برای افزودن و یا کاستن مطالب کتاب است (مکا ۲۲: ۱۸).

نوشته و خوانده شده در کلیسا

حتی بیش از این، کلیسایی که این کتاب را به من منتقل ساخت باز هم اقامه دعوی اجتناب ناپذیری می شود یعنی کتاب مقدس را همان طور که هست می خواند، در سنتی زنده. اناجیل و تمامی عهد جدید در اجتماعاتی نوشته شده اند که خود را به رسولان منصوب می کردند. مطالعه کتب مقدسه آنان (عهد عتیق) بر اساس این سنت رسولی و در چارچوب زندگی اجتماعات مختلف صورت می گرفت. بدون شک در همین جاست که باید تفاوت میان مطالعات مختلف اعترافات مسیحی امروزی را جست. متن برای همه همان است؛ به سادگی سنت مطالعه از کلیسایی به کلیسایی دیگر تفاوت می کند هر چند همگی از سنت رسولی برخاسته باشند.

برای درک هر چه بهتر اهمیت کلیسا در تفسیر کتب مقدسه، مثال چرخه آئین عبادی را برمی گیریم. کلیسای کاتولیک به همه اجتماعات، تقسیم بندی مطالعه به دوره ای سه ساله را پیشنهاد می کند. هر یکشنبه سه متن نزدیک به هم انتخاب می شوند، متن عهد عتیق در ارتباط با متن عهد جدید انتخاب می شود و در طول سال خوانده می شود، اما متن رسالات به طور اتفاقی و در ادامه مطالعه مداوم ما خوانده می شود. این بررسی ها باعث بوجود آمدن مفاهیمی منحصر به فرد می شوند.

چنین کاری دلیل بر آن نیست که خوانندگان محکوم به تکرار دائمی متون هستند. هر اجتماعی خلاقیت خود را حفظ می کند، و تخصیص دادن متون نسبت به حساسیت هر اجتماع و حتی هر ایماندار فرق می کند. کتب مقدسه خوراکی است که هر کس به فراخور تاریخچه خویش، خود را با آن قیاس می کند. اما کلیسایی که در درونش کتاب مقدس را دریافت می کنم با تخصیص دادن فردی و تملکی مانع از آن می شود که خود را به سوی آن ببندم. از نظر اختلاف با سایر تولیدات ادبی، بین

من و کتاب (و اجتماع من) شریک سومی خود را جای می‌دهد که همان کلیسا است. او به یادم می‌آورد که پیش از من نیز افراد دیگری این متون را خوانده‌اند و من وارث ایشان هستم. و به یادم می‌آورد که در اطراف من کسان دیگری نیز به صورت‌هایی متفاوت آن را می‌خوانند.

يك ايمان، قرائت‌های مختلف

موعظه درباره‌ی عیسی منجر به نوشته شدن چهار انجیل شد که هر یک از خود کلامی منحصر به فرد می‌گوید. از همان ابتدا چهره‌ی عیسی چند وجهی بود. اما با محدود کردن تفاسیر مربوط به عیسی به چهار انجیل کلیسای اولیه در نظر داشته از انفجار بی‌حد و مرزی که چهره‌ی عیسی ناصری را خدشه دار کند جلوگیری نمایند. اناجیل تحریفی نشان می‌دهند که این خطر فقط یک تصور نبوده می‌توان هر چیزی را به عیسی نسبت داد. بین خواندن و از حد گذاشتن جاده‌ی باریکی است. قرائت کتاب مقدس در کلیسا، عبارتی شامل سه کلمه‌ی مهم که لازمه‌ی مطالعه هستند: (خواندن، کتاب مقدس، کلیسای م) قواعدی وجود دارند که این امکان را بوجود آورند تا از قرائت‌های دیوانه‌وار اجتناب شود. جان کلام این که مطالعه‌ی خوب است که ریشه در سنت‌ها داشته باشد، به طریق آزادی هدایت کند (و نه به بن بست‌ها)، منتهی به رشد شود (و نه قهقرا). هر چند این محدودیت‌ها وجود دارند اما اصل و اساس بر این است که «در خانه‌ی پدر من منزل بسیار است» (یو ۱۴:۲).

متون خارج از کتاب مقدس

بسیار مفید خواهد بود که متون کتاب مقدسی را در مقایسه با متون مشابه شرقی که همزمان با آنها هستند و یا پیش از آنها نوشته شده‌اند بخوانیم. به این ترتیب داستان آدم و حوا که از درخت حیات به خاطر دخالت مار دور شده‌اند و افسانه‌ی گیلگمش که آن نیز ماجراهای این قهرمان افسانه‌ای سومری را تعریف می‌کند که مار گیاه حیات را از او ربوده، مشابه یکدیگرند.

هم‌چنین در مورد توفان نوح که با قسمت دیگری از این افسانه شباهت دارد و نیز مزامیر استغاثه را می‌توان با دعا‌های مرثیه‌ای بابلیان مقایسه نمود.

چنین مقایسه‌هایی اجازه می‌دهند تا متون کتاب مقدسی را در مقوله‌های فرهنگی خودشان قرار دهیم و جنبه‌های گوناگون آنها را روشن کنیم. به خصوص در میان همه‌ی این شباهت‌ها چنین مقایسه‌هایی اختصاصی بودن متون بنی اسرائیلی از نظر الهیاتی را نشان می‌دهند.

گروههای کتاب مقدسی

نوآموزان کتاب مقدس را می خوانند

نوآموزان نه تنها می خواهند خواندن کتاب مقدس را برای خود بیاموزند بلکه می خواهند به طور همزمان طعم آن را نیز به کودکان و بزرگسالان بچشانند. همین انگیزه ای شد تا گروهی در «مال دو مارن» مدت هر پنج سال ماهی یکبار درحوزه اسقفی «کریتی» دور هم جمع شوند.

متون مناسب با نیازها و منافع شرکت کنندگان انتخاب می شوند. سال اول به متونی اختصاص داده شد که در کتابی به نام سنگهای زنده «جمع آوری اسناد ممتاز در مورد ایمان، پیشنهاد شد توسط اسقفان فرانسه به کودکان دوره متوسطه، به بزرگتران آنها و والدین آنها ارائه شده بود که مطالعه آنها دشوارتر بود. سپس شماره تازه ای از این «جمع آوری اسناد ممتاز در مورد ایمان» منتشر شد که باز هم بیشتر بر آنچه که «اخلاق مسیحی» نامیده می شد صحنه می گذاشت. سال دوم برای یک مسافت چند صفحه ای (که کلید آن در عهد عتیق و جدید بود یعنی از «ده فرمان» در کتاب خروج ۲۰ تا آخر «وعده های سعادت ابدی» در انجیل در حالی که از تشبیه، حکمت و انبیا عبور می کردیم) را در نظر گرفتیم. سپس گروه درخواست نمود تا هرچه بیشتر با سبک «امثال» آشنا شود و بعد هم با روایات معجزه ها و بالاخره درخواست نمودند تا متون مربوط به قیام و اعلام نجات را نیز کمی برایشان بیشتر روشن کنند.

در هر جلسه نگرش های متعددی به یک قسمت از کتاب مقدس شد، از سویی به این خاطر که مانع از کسالت افراد شود و از سوی دیگر برای بهتر مراعات نمودن متون و کسب تجربیاتی که به طور مداوم آنها را کشف می کنیم به این منظور در هنگام شروع متوجه جزوه ای شدیم که توسط انتشارات نوآموزان لیون منتشر شده بود که هفت نگرش برای ۵ متن مختلف ارائه داده بود یعنی نگرش تاریخی - انتقادی، ساختاری، اجتماعی - سیاسی، روحانی، روانشناسی، روانکاوی و شاعرانه، گروه به تدریج با برخی از روش ها آشنا شد، حتی روشهای دیگری را هم افزود با این حال همیشه و طرز مطالعه وجود داشت یعنی حداقل تجسس تاریخی - انتقادی و مطالعه تصاویر.

همه ما با هم با قرار دادن متن در فضا و زمان خود شروع کردیم و تلاش نمودیم تا سبک ادبی را معین کنیم. برای این کار ما تا حد ممکن به مقدمه و پانوشته های کتاب مقدس های مختلفی که شرکت کنندگان با خود می آورند تکیه می کنیم و نیز بر «فرازهایی از کتاب مقدس» و «برگ هایی از انجیل» که سؤال برانگیز می باشند.

در بهترین فرصت مناسب تصاویر و یا مونتاژهای سمعی بصری در مورد موضوع نیز مداخله می کنند. تصاویر که برگرفته از هنر باستان و یا محصولات اخیر هستند نگرش دیگری را بر پیام فراهم می آورند که تجربه به ما نشان می دهد در رابطه با نسل جدید و نیز بزرگسالان بسیار با ارزش است.

ما هربار به صورت گروه‌های ۴ تا ۶ نفره و به صورت یک آتلیه، بررسی دیگری نیز انجام داده‌ایم: مطالعه ساختاری بسیار ساده (بچه‌ها به این روش در مدارس عادت کرده‌اند، روشی که با نوآموزان یک کمک و نیز یک نقص به حساب می‌آید)، علامت‌گذاری نمادهای مختلفی که توسط نویسندگان به کار رفته، و یا جستجوی کلمات کلیدی و یا دیگر متون کتاب مقدسی که مفهوم قسمت مورد نظر را روشن می‌کند با جوانان بسیار حائز اهمیت است که تغییر و تنوع را بلد باشیم و در نتیجه به روش‌های مطالعه متعددی وارد باشیم.

نوآموزان می‌گویند که از این روش برای خود نفع برده‌اند. شرکت کنندگان بسیار وفادار خیلی به سرعت توانستند تازه واردین دیگری را به گروه بپیازند. بعضی از موضوعات برای گروه‌های بزرگتر جالب بودند. به عنوان مثال، مسئله رستخیز و نجات برای کسانی که در بیمارستان‌ها وظیفه داشتند بیماران را همراهی کنند و یا کسانی که مراسم خاکسپاری را در صومعه‌ها به عهده داشتند بسیار جذاب بود. یک چیز بسیار روشن است، علاقه به مطالعه کتاب مقدس همواره رو به رشد است.

شاخص کاری

بشارت به مریم

خواندن لوقا ۱: ۲۶-۳۸ با استفاده از پانویسهای کتاب مقدس TOB

متن بشارت به مریم به خاطر معانی که در انجیل دارد و نیز پیغامی که داراست شایان توجه می‌باشد. مقدمه و پانوشتهایی که در کتاب مقدس‌های ما وجود دارد نیز برای بهتر فهمیدن کلام با ارزش هستند. حال به عنوان نمونه کتاب مقدس TOB انتشار سال ۱۹۸۸ را بر می‌گزینیم.

مقدمه

مقدمه انجیل لوقا توجه ما را به عنصری مهم در ساختار باب‌های ۱ و ۲ جلب می‌کند: «آنها به طور کاملاً سیستماتیک یحیی تعمید دهنده و عیسی را به موازات هم قرار می‌دهند، البته اولی را پیرو دومی نشان می‌دهند.» نکته قابل ملاحظه دیگر که مفید هم هست: «آنها راز عیسی را در ادامه پیغامی ما فوق طبیعی نشان می‌دهند... این مکاشفات، دیباچه‌ای مسیح‌شناسی را تشکیل می‌دهند که با مقدمه یوحنا قابل مقایسه است.» اینک از ما دعوت شده تا از سویی متن بشارت به مریم را به طور کالی در رابطه با یوحنا و عیسی بنگریم و مژده تولد یحیی و عیسی را به موازات یکدیگر قرار دهیم. هم‌چنین دعوت شده‌ایم به ورود داخل راز و کشف پیام و نه فقط به خواندن یک مقاله. باز هم در مورد «کار ادبی لوقا» می‌خوانیم: او از این که آزادانه صحنه‌های با معنی را خلق کند (۱-۲...) نمی‌ترسد، اولین نگرانی او این نیست که شرح وقایع را به صورت دقیق بنویسد بلکه

برای اعلام تاریخ عیسی است آن هم به صورت تاریخ نجات. از این آزادی و نیز لزوم پرده برداری از راز وقایع را حس می کند و این کار را در پرتو سنت کلیسا انجام می دهد. «نکته دیگری نیز در مورد این کلسا به درد می خورد: این که اثر بین سال های ۷۰ و ۹۰ و برای مسیحیان با فرهنگ یونانی ساخته شده این هم کلیدهایی مفید برای وارد شدن به داخل متن.

نظری اجمالی بر کل ماجرا

در تمام طول متن یادداشت هایی وجود دارد که باز هم به خواندن کمک می کنند. اولین یادداشت باعث می شود تا دریابیم که این روایت «از همان سبک روایت قبلی است و با آن تشکیل دو روایت به موازات هم را می دهد». اگر قبلاً به این کار مبادرت نشده باشد پس باید دوباره «مژده تولد یحیی تعمید دهنده را بخوانیم و یادداشت که توجه همه را باید معطوف به تضاد میان «تاریکی ناصر» جایی که جبرائیل در آن مژده تولد عیسی را اعلام کرده بود و «چارچوب منسجم آیین عبادتی معبد» که در آنجا جبرائیل مژده «تولد یحیی و مأموریت او را اعلام کرده بود، نمود. هم چنین در دعوت شده ایم تا در این دو متن «موضوعات سنتی در مورد ظهور مژده های تولد حیرت انگیز و وحی های انبیا را» بیابیم. با دیدن متون مختلفی که ارجاعات آنها نیز داده شده، می توان روایت لوقا را در امتداد عهد عتیق قرار داد. در عین حال به تازه گی آن نیز می توان پی برد. تأکید بر «رابطه پسرانه یگانه و اسرار آمیز عیسی». مقایسه این مطلب با اعلام یوحنا به «ارجحیت عیسی بر یحیی» و «ایمان معقول مریم که بر خلاف بی ایمانی زکریا بود» صحه می گذارد.

مطالعه ای کلی که در همین راستا قرار داشته باشد این امکان را به وجود می آورد تا چشم اندازهایی که توسط انجیل نگاران باز شده را کشف کنیم.

جزئیاتی بسیار غنی

به راحتی با دنبال کردن راهنما، اکتشافات دیگری هم مسیر می شود. شهر ناصره را «قصه بی معنی» می خوانند و زیرنویس به ما تذکر نتنائیل را در یوحنا ۴۶:۱ یادآوری می کند: «مگر می شود که از ناصره چیزی خوب پیدا شود؟» توضیحات در مورد مفهوم کلمه ای یونانی که بنا به عادت «باکره» ترجمه شده، و در مورد رسوم ازدواج یهودی داده شده و نیز در مورد خصوصیات یوسف که حتی ما را به نوشته های حاشیه متی ۱۸:۱ ارجاع داده است.

دو یادداشت (الف و ب) ما را دعوت تا در دروذهای فرشتگان اشاراتی روشن به قسمت های متعددی از عهد عتیق بیابیم که در آنها مسئله محبت مرجح و نیز انتخاب مأموریتی به نفع قوم مطرح است. جمله ای که از همه معروفتر است باید در ردیف «اعلام نجات» ها تاریخ پدران در ایمان، دعوت به نجات قرار گیرد. اگر در مراجعی که تعیین شده اند جستجو کنیم دعوت «مساعد» خدا که مریم مورد عنایت آن قرار گرفته بود. مفهومی خارق العاده می یابد، مفاهیمی نظیر «برکت»، «لطف پادشاه»، «محبت محبوب».

عکس العمل های مریم به عنوان غیرمنتظره بودن جریان و این که چنین واقعه ای تاکنون شنیده نشده است تفسیر شده اند. کمی بعد، دو عبارتی که فرشته به زبان آورده به عنوان «مکاشفه راز عیسی» معرفی شده اند: عناوین مختلفی که به فرزندی داده شده که به دنیا خواهد آمد با ریشه هایی که در کتاب مقدس دارند روشن می شوند.

یادداشت های دیگر بر نقش کاملاً اختصاصی روح از همان ابتدای عیسی، اهمیت به سزای سؤالات مریم، منحصر به فرد بودن این روایت در مقایسه با سایر روایات مربوط به خدایان اقوام مشرق صحنه می گذارد.

آخرین نکات ما را و می دارند تا یکبار دیگر کل مجموعه را بازنگری کنیم. دعوت به اعتماد بر اساس تاریخ: «هیچ چیز نزد خدا محال نیست؟» این را از همان زمان تولد اسحاق می دانیم؛ عظمت مریم عادل که در ایمان خود خویشتن را «کنیز خداوند» می خواند که عنوان جلالی سنتی است. «مرا بر حسب سخن تو وارد شود» و این آخرین کلام است. و کلام تاریخ را می گشاید.

ترجمه بین الکیسای کتاب مقدس TOB

و کتاب مقدس اورشلمی

در حال حاضر شاید شما هم این حروف ابتدای کلمات را که معرف دو ترجمه فرانسوی کتاب مقدس های هستند که در حال حاضر بسیار مورد استفاده قرار می گیرند و بهترین ها هستند بشناسید. (TOB) ترجمه بین الکیسای کتاب مقدس (۱۹۷۵-۱۹۷۳) که به زبان عبری به معنی «خوب، نیکو» است و کتاب مقدس اورشلمی که قدیمی تر از اولی است. (۱۹۵۶) هر دو کتاب یک بار دیگر بازنگری شده و دوباره انتشار یافته اند، کتاب مقدس اورشلمی در سال ۱۹۷۳ و TOB در سال ۱۹۸۸ (که در یک جلد به چاپ رسید). حال کتاب مقدس شما هر چه باشد آیا مطمئنید که راه درست استفاده کردن از آن را بلد هستید؟ هر دو کتاب مقدس متن کامل کتاب مقدس مسیحی را در بردارند، اما هر یک ثروت های دیگری را نیز در خود دارند، یعنی کمک ها و ابزاری برای مطالعه، پژوهش و کشف مفاهیم. فهرستی از آنها بسازیم:

۱- مقدمه های دو قسمت اعظم هر دو عهد (و نیز مقدمه هر کتاب در TOB) خیلی به ندرت مورد استفاده قرار می گیرند، آیا تاکنون آنها را خوانده اید؟ در مجموع حدود ۴۰۰ صفحه برابر با یک کتاب حجیم به این مقدمه در هر دو کتاب اختصاص داده شده! این مقدمه ها اطلاعات بنیادی را در اختیار شما قرار می دهند، اطلاعاتی مربوط به طبیعت ادبی، تاریخی و الهیاتی کتب. همه سؤالات متخصصان و تفاسیر ایشان در آنجا لااقل به صورت خلاصه معرفی شده اند. این اولین راهنمای مطالعه است.

۲- یادداشت‌هایی که در زیر متون کتاب مقدسی وجود دارند، توضیحاتی هستند در مورد هر آنچه که امکان دارد ایجاد مشکل نماید (اسامی خاص، عبارات دشوار، موضوعات الهیاتی، حقایق خاور نزدیک باستان و غیره...). و نیز هر آنچه که در تاریخ و الهیات کتاب مقدسی دارای اهمیت است. با این که یادداشت‌ها با حروف ریز به چاپ رسیده اند با این حال، معانی واقعی هستند که باید برای استخراجشان حوصله به خرج داد. در رابطه با متون مهمتر این یادداشت‌ها قسمت بزرگی را به خود اختصاص می‌دهند و تفاسیری واقعی می‌شوند (به عنوان مثال یادداشت‌های مربوط به کتاب پیدایش ۱-۳ و اشعیا ۶-۹ و در مورد پدر ما در مت ۶ و یا رومیان ۱-۸ را ملاحظه کنید). در اناجیل نظیر کتاب مقدس اورشلمی هنگامی که مرقس و لوقا را بررسی می‌کنید فراموش نکنید که به یادداشت‌های قسمت‌های همسو با این قسمت‌ها در اناجیل متی نظری بیفکنید.

هم‌چنین در این یادداشت‌ها توضیحاتی در مورد ترجمه متن وجود دارد، هنگامی که متن اصلی کاملاً روشن نیست و یا تفاوت‌هایی در نسخه‌های خطی و یا ترجمه‌های مختلف آن دیده شده (ترجمه‌های قدیمی یونانی، هفتادتنان به زبان آرامی: تارگوم و به زبان سریانی، لاتین و غیره...).

۳- یادداشت‌های مهم در انتهای کتاب مقدس شما فهرست وار آمده و تحت عنوان **فهرست یادداشت‌های اصلی و یا بسیار مهم** درج شده است. شما توسط این فهرست و با توجه به موضوعی که مورد توجه تان است می‌توانید به سایر متون کتاب مقدس که آنها نیز یادداشت‌هایی برای روشن کردن موضوع دارند مراجعه کنید. این کار مانند بازی کردن است، چون از یادداشتی به یادداشتی دیگر شما مقدار زیادی اطلاعات جمع‌آوری می‌کنید. و نیز سؤالاتی تازه که شما را به سوی وسعت بخشیدن به بررسی هایتان سوق می‌دهند و لوازم پاسخ را برایتان تدارک می‌بینند. کتاب مقدس اورشلمی شما را به سوی یادداشت‌های مهم دیگری با مراجعی که به دنبالشان «+» قرار می‌گرفته هدایت می‌کند.

به ویژه در اینجا است که می‌توانید حقیقت اساسی کتاب مقدسی را بررسی کنید: از سویی اتحاد عمیق روایات زنده قوم اسرائیل و کلیسا از خلال دو کتاب عهد و از ورای یک هزاره و از سوی دیگر کثرت حقایق و تجربیات انسانی و مذهبی که بدون وقفه رو به تحول هستند. در کتاب TOB جدید (۱۹۸۸) باید دقت داشت که فهرست یادداشت‌های ما را به مقدمه‌هایی ارجاع می‌دهند که اشتباهاً صفحات آنها مربوط به چاپ قدیمی است. به عنوان مثال کلمه «جان» در مقدمه قبلی در صفحه ۴۶۲۱A قرار گرفته که باید اصلاح شود چون در مقدمه چاپ جدید در صفحه ۰۸۲۱B قرار دارد. پس باید تمامی مقدمه کتاب مورد بحث را بگردیم، چه فرصت خوبی برای مطالعه!

۴- بالاخره در حاشیه متن کتاب مقدسی ارجاعات، دیگری نیز ذکر شده، که مربوط به متونی هستند که به موازات متن مورد نظر می‌باشند و یا شبیه به آن که قادرند متن ما را روشن‌تر نمایند و یا آن را کامل کنند. در این حاشیه‌ها و یا در یادداشت‌ها نکته‌ای که قابل توجه است ارجاع دادن ما به

متون عهد دیگر می باشد. کتاب مقدس اورشلیمی متونی را در عهد عتیق نشان می دهد که در عهد جدید توسط یک فلش مثلث شکل نیز ذکر شده اند. توسط همین متون موازی که قرائت مسیحی کتاب مقدس گردش دارد. این قرائت ریسمان هایی را می سازد که شما با آن و در طول کشفیات شخصی خود چیزهایی می بافید.

۵- این دو کتاب مقدس به اطلاعات دیگری ختم می شوند: فهرست تاریخ نگاری، که تاریخ کتاب مقدسی را خلاصه کرده و آن را در برابر سایر قوم ها قرار داده (فهرست ص ۲۳ در کتاب مقدس اورشلیمی) و نیز فهرست مقیاس ها و پول های رایج، و در پایان یک اطلس کوچک شامل دهها نقشه که برای بهتر فهمیدن نام مکانها و درک بهتر داستان ها مفید است.

تاریخ و جغرافی برای ریشه دواندن وقایع و شخصیت های کتاب مقدس واقعیات خود لازمند، موضوع اصلاً مربوط به اسطوره شناسی نیست بلکه موضوع تاریخ بشر با خداست و این تاریخ ما بر روی زمین ماست.

